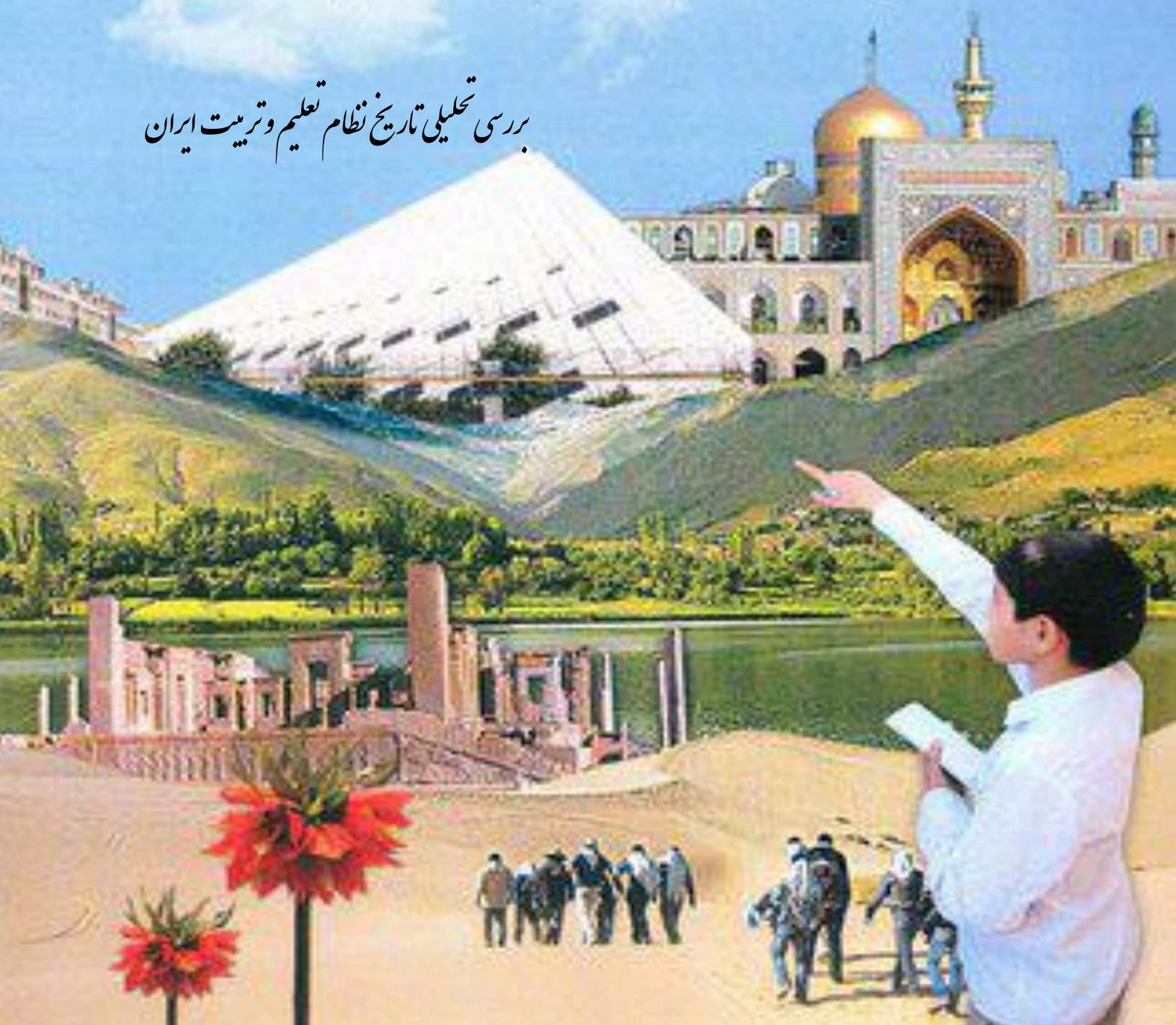




# نظام مولد تمدن از تولد تا کنون

۱۳۹۶

بررسی تحلیلی تاریخ نظام تعلیم و تربیت ایران



بسم الله الرحمن الرحيم



۲

آموزش و پرورش، مهم‌ترین دستگاه مولد ماست؛ دستگاه مولد، نزدیک دستگاه مصرف‌کننده.

ما باید برای آموزش و پرورش مایه بگذاریم. این مایه گذاشتن، فقط پول نیست؛ پول فقط جزئی از مایه‌هایی است که باید گذاشت.

مهم‌تر از پول، فکر است؛ **بهترین و برجسته‌ترین فکر باید نشیند برای آموزش و پرورش طراحی کنند.** ۱۳۸۵/۲/۱۲

برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. ۱۳۷۹/۰۷/۱۴



اتحادیه جنبش عدالتخواه دانشجویی

[www.edalatkhasi.ir](http://www.edalatkhasi.ir)

# فهرست

۴.....	مقدمه.....
۴.....	ضرورت مطالعه تاریخ نظام تعلیم و تربیت.....
۶.....	جدول سیر تاریخ.....
۱۱.....	دوره ایران باستان قبل از اسلام قرن هفتم قبل از میلاد تا هفتم بعد از میلاد.....
۱۴.....	دوره ی ایران اسلامی مرحله اول از سال - ۱۸ هجری تا ۲۵۲ هجری.....
۱۸.....	دوره ی ایران اسلامی مرحله ی دوم، دوره استقلال ایران از ۲۵۲ تا ۶۵۶ هجری (قرن سوم هجری).....
۲۲.....	ظهور عصر طلایی تمدنی اسلام (قرن چهارم و پنجم هجری).....
۲۳.....	دوره حمله مغول تا ظهور صفویه (از ۶۱۶ تا ۷۲۷ هجری).....
۲۴.....	دوره حکومت صفوی از ۷۲۷ تا ۱۱۴۱ هجری.....
۲۵.....	نگاهی مختصر به اروپا.....
۳۰.....	دوره قاجار.....
۵۵.....	دوره پهلوی.....
۶۹.....	انقلاب اسلامی.....
۹۲.....	حرف آخر.....
۹۵.....	منابع.....



## مقدمه:

### ضرورت مطالعه ی تاریخ آموزش و پرورش

اگر فایده تاریخ عبرت آموزی و اجتناب از دوباره کاری یا پس رفت است پس مطالعه ی تاریخ تعلیم و تربیت هم ضرورت پیدا می کند. هر تامل در روند نظام تربیتی بدون بررسی سیر تاریخی آن محکوم به شکست است چرا که در گذشته است که می توانیم عناصر و عوامل تشکیل دهنده ی حال را بیابیم. مطالعه ی تاریخ تعلیم و تربیت باعث شناسایی عوامل رکود و پسرفت می شود. و اقدامات صورت گرفته و نتایج آن را به ما معرفی می کند. تاریخ تحلیلی این هنر را دارد که بگوید: کسانی که دیروز چنین بودند، امروز چنین کردند و روز بعد به چنین نتیجه ای رسیدند؛ فکر کنید آن جایی که خوب بوده شما هم یاد بگیرید! یک جریانی را برای شما منعکس می کند و فرصت می دهد که تحلیل کنید و نقطه های مثبت و منفی و دلیل عقلی اش را پیدا کنید؛ از خود بپرسید چرا باید از این تبعیت کنم یا باید از او دوری کنم؟!

در این نوشتار سعی کرده ایم:

- ❖ از افراد و شخصیت های مهم و مصوبات و سازمان های اداری و تربیتی که در این حوزه اثر گذار بودند، نام بیاوریم. ایران همواره مربیان بزرگی را به خود دیده است که تمام زندگی خویش را برای هدف تحقق تعلیم و تربیت مطلوب صرف کرده اند. به طور قطع، امروز نیز در جامعه تعلیم و تربیت اعم از جامعه معلمان، دانشگاهیان و روحانیون چنین افرادی وجود دارند. شناسایی و تشریح ابعاد تلاش ها و دیدگاه های این بزرگان می تواند زمینه گرایش به فعالیت های ایرانی اسلامی را افزایش دهد و نیز مواد اولیه را برای اقدامهای عملی فراهم آورد. باید به سراغ آن ها رفت و تجربه ها و نظرهای آن ها را شنید و حفظ کرد.
- ❖ در تاریخ همواره دو عامل مهم حکومت و دین تاثیر مهمی در نظام تعلیم و تربیت داشتند. لذا حکومت ها و گرایشات مذهبی آن ها را در نظر گرفتیم. تاریخ آموزش و پرورش بعد از انقلاب اسلامی مخصوصا سنوات گذشته، در این نوشتار گنجانیده شده است.
- ❖ نمودار ها و جداولی برای تصور بهتر تاریخ در ذهن مخاطب و تحلیل آن آورده ایم.
- ❖ بررسی تاریخ یک کشور بدون در نظر گرفتن نظام های تحت تاثیر و مطالعات تطبیقی امری ناقص می باشد به همین دلیل به مختصری از تاریخ اروپا هم اشاره ای شده است.
- ❖ نظام تعلیم و تربیت تا قبل از تاسیس دانشگاه ها و از آن به بعد، مسائل و سازمان های مربوط به وزارت آموزش و پرورش مورد مطالعه قرار می گیرد. و بررسی دانشگاه ها و وزارت علوم و همچنین حوزه علمیه، در بازبینی های بعدی لحاظ خواهد شد.



❖ برخی دوره های تاریخی را در صورت امکان به صورت سه بخش ۱-ویژگیهای تاریخی دوره، ۲-ویژگی های آموزش و پرورش دوره، ۳-بررسی و تحلیل مورد مطالعه قرار دادیم. و در این قسمت با سوالات ایجاد شده ذهن او را به سمت تحلیل تاریخ و گرفتن پند و عبرت متمایل کنیم که برای یک بار هم شده کوچکترین تردیدی به خود راه دهد که آیا این سیستم آموزشی بر مبنای تکامل انسان شکل گرفته است؟ آیا غایت آن و روش هایی که در هر عصر به کار می رفته صحیح بوده است؟

بررسی و تحلیل خود ناظر بر دو قسم است:

الف) بررسی ساختاری: تمرکز و عدم تمرکز و نیمه متمرکز، خصوصی سازی، اقتصاد آموزش و پرورش

ب) بررسی نتایج نظام براساس ساحت های تربیتی

۱-ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی که ناظر بر تقوی تدین سبک زندگی اسلامی - ایرانی و... است.

۲-ساحت اجتماعی و سیاسی که ناظر بر عدالت اجتماعی ( آموزش طبقات اجتماعی متناسب سازی حجم و محتوی کتب درسی و ساعات و وجه بیشتر به تفاوت های فردی به ویژه هویت جنسیتی دانش آموزان و تفاوت های شهری و روستایی، روزهای آموزشی با توانمندی ها و ویژگی های دانش آموزان) و سایر عملکرد های اجتماعی و سیاسی است. نهاد آموزش رسمی یک کشور یکی از تأثیرگذارترین نهادها در ایجاد عدالت اجتماعی است. که گاه می تواند در جهت تقویت و تداوم نابرابری های اجتماعی ( تبعیض ) عمل کند.

۳-ساحت زیستی و بدنی که ناظر بر بهداشت و محیط زیست می باشد.

۴-ساحت زیبایی شناختی و هنری که همان توان خلق آثار هنری و قدردانی از آثار وارزشهای هنری) است

۵-ساحت اقتصادی و حرفه ای که توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی کار آفرینی ارتباط مدرسه با حرفه و... بررسی می کند.

۶-ساحت علمی و فناوری که خلاقیت و اتکا فعالیتها به علم، نخبگان و تحول آفرینان، توجه به علوم و فنون روز، فرهنگ پژوهش و... را بحث می کند.

در نوشتار حاضر هدف ما بر این بود که مطالعات تاریخی خود را در زمینه آموزش و پرورش در قالب جزوه ای در اختیار علاقه مندان و دغدغه مندان و معلمان و دانشجو معلمان، محققین و ... قرار دهیم. امید است نوشتار حاضر به عنوان پله ای کوچک برای صعود و ایجاد رویکرد های مثبت در زمینه ی عملکرد بهتر و حتی تحول نظام تعلیم و تربیت باشد. یا حتی به عنوان منبعی برای تدریس و ایجاد بحث در کلاس های درس هایی چون تاریخ اندیشه و عمل دانشگاه فرهنگیان قرار بگیرد. در ضمن نوشتار حاضر هنوز نیاز به بررسی و بازبینی دارد که تلاش ما بر این است این قابلیت را هم در تدوین آن لحاظ کنیم.



## تاریخ ایران

دوران باستان	
ماد ۶۷۸-۵۵۰ پیش از میلاد	
هخامنشیان ۵۵۰-۳۳۰ پیش از میلاد	دین زرتشت / نظام استبدادی و طبقاتی
سلوکیان ۳۱۲-۶۳ پیش از میلاد	فرهنگ یونان
اشکانیان ۲۴۷ پیش از میلاد-۲۲۴ پس از میلاد	نظام طبقاتی
ساسانیان ۲۲۴-۶۵۱	زرتشت مزدک مانی / نظام طبقاتی / ایجاد دانشگاه جندی شاپور
خلافت راشدین ۶۵۱-۶۶۱	
امویان ۶۶۱-۷۵۰	
خلافت عباسیان ۷۵۰-۱۲۵۸	
طاهریان ۸۲۱-۸۷۳	
صفاریان ۸۶۷-۱۰۰۲	زیاریان ۹۲۸-۱۰۴۳
سامانیان ۸۷۵-۹۹۹	آل بویه ۹۳۴-۱۰۵۵ ۳۲۰-۳۴۲ هجری
۲۸۷ هجری قمری / سامانیان	
۹۶۳-۱۱۸۶ غزنویان	
۱۱۹۴-۱۰۳۷ سلجوقیان	نظامیه خواجه نظام الملک (اولین مدرسه دولتی جهان اسلام) / امام محمد غزالی / سنایی
۱۰۷۷-۱۲۳۱ خوارزمشاهیان	خواجه نصیر الدین توسی / عطار نظامی / سعدی /
۱۲۳۵-۱۲۵۶ ایلخانان	حمله مغول در ۶۱۶ هجری (قرن ۷) و انقراض در ۷۳۶ هجری / سقوط فکری و عقلی / خواجه نصیر الدین توسی ۵۹۷-۶۷۲ هجری



چوپانیان ۱۳۳۵-۱۳۵۷	مظفریان ۱۳۳۵- ۱۳۹۳	قرن هفتم و هشتم هجری قمری
جلایریان ۱۳۳۶-۱۴۳۲	سربداران ۱۳۳۷- ۱۳۷۶	خانقاه اوج تصوف
۱۳۷۰-۱۴۰۵ تیموریان		
قراقویونلو ۱۴۰۶-۱۴۶۸	تیموریان ۱۴۰۵ سال ۷۷۱ هجری ۱۵۰۷	
قویونلوآق ۱۴۶۸-۱۵۰۸		
مرعشیان ۱۳۵۹-۱۵۸۲		
معاصر اولیه		
صفویان سال ۹۰۶ هجری ۱۵۰۱ - ۱۷۲۱		<b>هونکیان</b> ۱۷۰۹-۱۷۲۸
نخستین رابطه های ایران با اروپا در زمان صفویه رنسانس قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی سبب انقلاب صنعتی و پیدایش علوم جدید و نفوذ فرهنگ اسلامی در دامن فرهنگ کهن اروپا		
۱۷۲۸-۱۷۵۰ افشاریان		
زندیان ۱۷۵۰-۱۷۹۴		<b>افشاریان</b> ۱۷۵۰-۱۷۹۶
	آقامجد خان -۱۲۰۹ ق ۱۳۴۴	۱۷۹۶- قاجاریان ۱۹۲۵



<p>اعزام اولین دانشجویان به اروپا در سال ۱۲۲۵ ه.ق</p>	<p>فتحعلی شاه -۱۲۱۲ ق ۱۲۵۰</p>	
<p>تاسیس مدارس میسیونری</p>	<p>مجدشاه -۱۲۵۰ ق ۱۲۶۴</p>	
<p>عصر امتیازات/دارالفنون (۱۲۶۸ ه.ق)(اولین مدرسه دولتی در تاریخ ایران) تاسیس وزارت علوم (۱۲۷۴ یا ۱۲۷۲ ه.ق) که در صدر آن اعتضاد السلطنه بود.</p>	<p>ناصرالدین شاه</p>	
<p>نهضت مشروطه- تاسی مجلس شورای ملی جنگ جهانی اول ۱۳۲۲-۱۳۳۷ ه.ق تاسیس انجمن معارف توسط امین الدوله ۱۳۱۵ ه.ق (۱۲۷۷ ه.ش)</p>	<p>مضفرالدین شاه -۱۳۱۳ ق ۱۳۲۴</p>	
<p>۱۳۲۸ ه.ق تغییر نام وزارت علوم به وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه به توپ بستن مجلس در ۱۳۲۶ ایجاد دوره ۳ ساله آموزش متوسطه (طی سال ۱۲۸۷ شمسی) ۱۳۲۹ ه.ق (۱۲۹۰ شمسی) قانون اساسی معارف (اجباری شدن تعلیمات ابتدایی) ساختار ۶-۶ به تقلید از فرانسه مدرسه رشديه تغییر دوره ۳ ساله آموزش متوسطه به ۶ سال، ایجاد دوره تعلیمات عمومی ۱۲ ساله و ایجاد نظام ۶ - ۳ - ۳ طی سال ۱۲۹۲ - ۹۳ شمسی</p>	<p>مجد علی شاه</p>	
<p>به کار رفتن تقویم خورشیدی در امور رسمی ۱۳۳۷ ه.ق=۱۲۹۷ شمسی ۱۲۹۷ (۱۲۹۸) تاسیس دارالمعلمین ۱۲۹۸ ش : اولین مهد کودک</p>	<p>احمدشاه ق ۱۳۳۲</p>	





<p>۱۳۰۰ ایجاد شورای عالی معارف : توسعه مدارس و واگذاری امور مدارس به آن</p> <p>۱۳۰۷ ش قانون مربوط به اعزام دانشجو به خارج از کشور/تهیه کتب ابتدایی توسط وزارت معارف</p> <p>۱۳۱۰ ش: تقسیم دوره ۶ ساله آموزش متوسطه به دو دوره اول و دوم برپایه دستورالعمل مصوب شورای عالی معارف و تقسیم دوره دوم متوسطه به دو رشته ادبی و علمی</p> <p>۱۳۱۲ نوزدهم اسفند: قانون تربیت معلم</p> <p>۱۳۱۳ هشتم خرداد: قانون تاسیس دانشگاه تهران/دانشسرای مقدماتی کشاورزی و عشایری پسران</p> <p>۱۳۱۷ ش: تغییر نام وزارت معارف به وزارت فرهنگ</p> <p>۲۷ مهر ماه ۱۳۱۷: تهیه کتب دبیرستان توسط وزارت معارف</p>	<p>رضا شاه ۱۳۰۴- ۱۳۲۰ ش</p>	<p>دودمان پهلوی -۱۹۲۵ ۱۹۷۹</p> <p>- ۱۳۰۴ ۱۳۵۷ شمسی ق.۵۱۳۲۳-</p>
<p>۱۳۲۰ ورود متفکین به کشور و هویدا شدن آثار شوم جنگ جهانی/آزادی تالیف و چاپ کتب درسی</p> <p>۱۳۲۲ پنجم خرداد: قانون آموزش و پرورش عمومی -اجباری-مجانی</p> <p>۱۳۳۱ قانون شورای عالی فرهنگ</p> <p>تقسیم دوره دوم متوسطه به رشته های ادبی ، ریاضی، طبیعی، خانه داری، کشاورزی و فنی برپایه مصوبات شورای عالی فرهنگ(طی سال ۳۵ - ۱۳۳۴ شمسی</p> <p>۱۳۳۷ ش:افزایش دو رشته فنی و حرفه ای هنرستانی به دوره دوم متوسطه</p> <p>۱۳۳۸ سوم خرداد : قانون تاسیس دانشگاههای شهرستان ها</p> <p>۱۳۴۳:تفکیک وزارت فرهنگ و تشکیل وزارت آموزش و پرورش</p> <p>۱۳۴۶قانون طرح نظام جدید(نظام ۳-۳-۶) /تاسیس وزارت علوم و آموزش عالی</p> <p>۴۶ - ۱۳۴۵ ش: تغییر مجدد نظام آموزشی کشور به سیستم( ۵-۳-۴ ) مرحله ابتدائی ( ۵ سال ) ، راهنمایی( ۳ سال) و متوسطه ( ۴ سال) طی سال</p> <p>۱۳۴۷ قانون تاسیس دبستان های ۴ کلاسه ملی و غیر دولتی/قانون تشکیل شوراهای منطقه ای شورای عالی آموزش و پرورش</p> <p>۱۳۵۰ قانون اصلاح آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی</p> <p>۱۳۵۴ قانون تاسیس سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس کشور</p> <p>۱۳۵۵ قانون تشکیل سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی</p>	<p>مجدد رضا شاه</p> <p>۱۳۵۷-۱۳۲۰ شمسی</p>	
<p>۱۳۵۷-۱۳۵۸ وزیر آموزش و پرورش: شکوهی(۷ماه)</p>		<p>دولت موقت ایران ۱۹۷۹-۱۹۸۰</p>



امروز-۱۹۸۰ جمهوری اسلامی

۱۳۵۸-۱۳۵۹ وزیر آموزش و پرورش: شهید رجایی به مدت ۱۱ ماه

۱۳۵۹ شروع دفاع مقدس

۱۳۵۹-۱۳۶۰ وزیر آموزش و پرورش: شهید باهنر به مدت ۱۲ ماه

۱۳۶۰-۱۳۶۴ وزیر آموزش و پرورش: پرورش به مدت ۴۸ ماه

۱۳۶۴-۱۳۶۷ وزارت آموزش و پرورش: اکرمی به مدت ۳۷ ماه

۱۳۶۶ سازمان بهزیستی به عنوان نظارت در اداره و برنامه ریزی مهد کودک ها انتخاب شد

تصویب طرح تغییر بنیادین نظام آموزشی از سال ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی

۱۳۶۷ /پایان دفاع مقدس/قانون مدارس غیر انتفاعی/

۱۳۶۷-۱۳۷۶ وزیر آموزش و پرورش: نجفی به مدت ۱۰۸ ماه

۱۳۶۹ قانون آموزش و پرورش استثنائی

۱۳۷۱ تغییر در نظام متوسطه و ایجاد نظام ترمی- واحدی و سپس سالی- واحدی بر اساس طرح تغییر بنیادین نظام

۱۳۷۶-۱۳۸۰ وزیر آموزش و پرورش: مظفر به مدت ۴۸ ماه

۱۳۸۰-۱۳۸۴ وزیر آموزش و پرورش: حاجی به مدت ۴۸ ماه

۱۳۸۴ سرپرست آموزش و پرورش: فانی

۱۳۸۴-۱۳۸۶ وزیر آموزش و پرورش: فرشیدی ۲۵ ماه

۱۳۸۶-۱۳۸۸ وزیر آموزش و پرورش: علی احمدی به مدت ۲۱ ماه

۱۳۸۸-۱۳۹۲ وزیر آموزش و پرورش: حاجی بابایی به مدت ۴۷ ماه

۱۳۹۱ تصویب اساسنامه و تاسیس دانشگاه فرهنگیان/؛ تصویب طرح سند تحول بنیادین نظام آموزشی در سال ۱۳۹۱

تصویب سند برنامه درسی ملی در سال ۱۳۹۱ که نگارش آن به موازات سند تحول بنیادین آغاز شده بود

آغاز اقدامات مهمی نظیر تغییر نظام مقاطع از ۵-۳-۴ به ۶-۳-۳ و تغییر آن به ۳-۳-۳ در راستای اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ۱۳۹۱

۱۳۹۲-۱۳۹۵ وزیر آموزش و پرورش: فانی به مدت ۳۸ ماه

۱۳۹۵-۱۳۹۶ وزیر آموزش و پرورش: دانش آشتیانی به مدت ۹ ماه

۱۳۹۶ (هم اکنون) وزیر آموزش و پرورش: بطحائی



# دوره ایران باستان قبل از اسلام

## ویژگی های تاریخی دوره:

این دوره خود به ترتیب شامل ۵ دوره مادها، پارسها، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان می باشد. ویژگی های این دوره مشتمل بر موارد زیر است: گسترده‌گی قلمرو ایران به ویژه در دوره پارسها، حمله اسکندر مقدونی، عقد پیمان بازرگانی با امپراطوری چین، جمع آوری متن اوستا، ظهور مانی و مزدک و تولد حضرت محمد (ص)، (الماسی، ۱۳۹۲) و همچنین اختلاف طبقاتی از ویژگی های دوران شاهنشاهی ایران باستان بوده است.



- ۱۱ حمله اسکندر در ۳۳۴ قبل از میلاد سبب نفوذ فرهنگ یونان و تضعیف هنر هخامنشی و نابودی منابع علمی و آموزشگاه ها و آتشکده ها و همچنین تنزل موبدان و معلمان شد. (آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد، ۱۳۹۲).

## ویژگی های تعلیم و تربیت در دوره ایران باستان

سازمان تعلیم و تربیت عبارتست از خانواده، آتشکده، دربار شاهنشاهی (دوره هخامنشی)، دبستان و دانشگاه (در دوره) ساسانی (صدیق، ۱۳۵۴)

آموزش و پرورش غالباً در انحصار فرزندان اعیان و توانگران بود. معمولاً وظیفه تربیت را مغان عهده دار بودند. کتاب های درسی عبارت است از کتاب اوستا و شرح های مختلف آن بود. مواد درسی شامل مسائل دینی و طب و حقوق می شد. درس را از راه سپردن به حافظه یاد می گرفتند. آنچه که برای همه ی جوانان مشترک بود فراگرفتن فنون جنگی بود. سحر خیزی از اعمال ستوده و مورد پسند در اوستا تلقی می شد. لذا ساعت آموزشی از سحر آغاز می شد. (آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد، ۱۳۹۲).

تعلیمات عالی تا سن بیست و چهار سالگی ادامه می یافت. در زمان اشکانیان مانند زمان هخامنشی سه سازمان مسئولیت تربیت افراد را به عهده داشت: نخست سازمان خانواده بود که طفل در آن ها تربیت اولیه را از پدر و مادر خود کسب می کرد. دومین سازمان را آتشکده ها و آتشگاه ها تشکیل می داد که کودکان در آن ها به وسیله ی مغان پایه ی عقیدتی خود را محکم می کردند. سومین سازمان آموزشگاه های درباری بود که اختصاص به تربیت اشراف و اعیان مملکت داشت. در زمان ساسانیان دانشگاه هم اضافه شد. (الماسی، ۱۳۹۲)

معلمان همان شاهزادگان، اشراف و جنگجویان زبده بودند (آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد، ۱۳۹۲). و معلمی به عنوان شغل رسمی به موبدان و مغان اختصاص داشت.

## دانشگاه جندی شاپور

دانشگاه جندی شاپور که اعراب آن را جندی شاپور می خواندند، یکی از آثار به جای مانده از سلسله ساسانیان در زمان شاپور اول است؛ جندی شاپور شهری است کهن در شمال استان خوزستان و در نزدیکی شهرستان دزفول که امروزه ویرانه های آن باقی است و به سبب بیمارستان و دانشگاهی که در آن بوده شهرت بسیار داشته است. در دانشگاه جندی شاپور، برخی کتابها از زبانهای هندی، سریانی، و یونانی به پهلوی ترجمه شد که از آن جمله می توان به خدای نامه، کلیله و دمنه، هزار افسانه، سندبادنامه، ویس و رامین، آیین نامه، و تاج نامه اشاره کرد. از مزایای بزرگ دانشگاه جندی شاپور آن بود که در این دانشگاه علاوه بر تعلیم حکمتی و فلسفی و ریاضی، علوم طبی رونق زیادی داشت علاوه بر دانشکده پزشکی بیمارستان تعلیماتی آن نیز ضمیمه دانشگاه بزرگ جندی شاپور بود که عده ی زیادی از طالبین طب از کشور خارج بدانجا روی می آوردند (نجم آبادی، محمود، دانشگاه جندی شاپور)

## بررسی تحلیلی:

در این دوره خصوصی سازی به شکل اعتقادی جلوه بیشتری پیدا می کند تا اقتصادی ونوعی از عدم تمرکز در نظام تعلیم و تربیت مشاهده می شود.

## ۱- ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

آرای تربیتی غالب ایت عصر به زرتشت مربوط است هدف قابل توجه در آرای تربیتی زرتشت آبادانی جهان است و هر فرد برای این که بتواند از پاداش های گرانبهای اهورا مزدا برخوردار شود باید با بینشی پاک حتی المقدور به این آبادانی کمک کند و این آبادانی از خانه آباد به شهر آباد و جهان آباد ختم می شود. از جمله آرای تربیتی زرتشت این است: ای اهورا مزدا به من فرزندی عطا فرما که از عهده انجام وظایف خود نسبت به خانه ی من و شهر من و مملکت من برآمده و پادشاه دادگر را یاری کند. (لذا مبنای خصوصی سازی اعتقادی است. در این نگاه خصوصی سازی جنبه فردی ملی و جهانی دارد همه ی تلاش های جهان باید به آبادانی جهانی و منافع عمومی ختم شود. لذا آن نوع خصوصی سازی که به فقر، غنا و عدم عدالت اجتماعی منجر شود مورد نظر نیست. این شکل خصوصی



سازی که که بر مسئولیت فردی اهورا مزدایی بنا شده است در عمل تحقق نیافت بلکه آموزش و پرورش در خدمت دولت حاکم بود.

## ۲-ساحت اجتماعی و سیاسی

آموزش و پرورش غالبا در در انحصار فرزندان اعیان و توانگران بود . تعلیم و تربیت هم خصلتی طبقاتی داشته که میان طبقات مرفه و اشراف معمول بوده است. (درانی، کمال، ۱۳۹۱، ص ۲۱).

آیا با وجود نظام طبقاتی و عدم عدالت اجتماعی می توان در مسیر عدالت آموزشی قرار گرفت؟

آیا نظام تعلیم و تربیت می تواند در برقراری عدالت اجتماعی موثر باشد؟

در این دوره هدف اصلی تربیت، بر جنبه ی اجتماعی آن یعنی قبول مسئولیت و خدمت به خانواده، جامعه و حکومت متمرکز بود (رضوی، ۱۳۵۰) به کودکان یاد می دادند که مطیع روسا باشند.

دوره ایران باستان آموزش و پرورش نه یک حق بلکه یک امتیاز بود و چون به طبقه اشراف و حاکم جامعه تعلق داشت گستردگی زیادی نداشت لذا با کم و بیش تسامح می توان آموزش و پرورش عهد باستان را دولتی دانست. (ایروانی، مدرسه دارا، مدرسه ندار)

## ۳-ساحت زیستی و بدنی

تربیت بدنی، کارهای عملی مانند درختکاری و تیراندازی، سواری، چوگان بازی، شنا و شکار

## ۴-ساحت زیبایی شناختی و هنری

بافندگی، موسیقی، نقاشی، معماری، پارچه بافی، قالی بافی (درانی، کمال، ۱۳۹۱، ص ۲۲ تا ۲۴). خط میخی زبان پهلوی

## ۵-ساحت اقتصادی و حرفه ای

در دوره هخامنشی آموزش عالی برای فرزندان اشراف برای آمادگی برای مشاغلی مانند پزشکی، ستاره شناسی، مهندسی، دبیری و حسابداری وجود داشت.

در ان زمان اقتصاد بر دامداری و کشاورزی مبتنی بوده است حکومت دخالتی در امور اقتصادی نداشته است بلکه مسئولیت خود را به حفظ امنیت داخلی مرزها توسعه کشور و مبارزه با دشمنان محدود می کرده است. هزینه این امنیت را هم مردم به صورت خراج تامین کرده اند. در واقع آموزش و پرورش شامل دو فعالیت بوده است: اول تعلیم و تربیت در جهت حفظ نظام حکومتی که جنبه ی سیاسی امنیتی و نظامی داشته و با دخالت دولت و همکاری مردم صورت می گرفته است . دوم آموزش و پرورش در جنبه های هنری و دامداری و کشاورزی و صنعتی که با مسئولیت خانواده و قبیله انجام می یافته و به عبارتی بیشتر رنگ خانوادگی و وقبيله ای و خصوصی داشته



است. آموزش نظامی امنیتی و سیاسی را از کودکی امپراطور ماد انجام می داده است (رستمی نسب، عباسعلی، خصوصی سازی).

این رویکرد دوران باستان که دخالت و مسئولیت دولت محدود به برخی از حوزه ها مانند تامین امنیت و حوزه سیاسی و.. و دخالت و مسئولیت مردم را به بعضی از حوزه های دیگر نظیر هنری صنعتی کشاورزی و... واگذار به مردم کرد چه تبعاتی به دنبال دارد؟ آیا این مدل برای تمرکز زدایی موثر است؟

## ۶- ساحت علمی و فناوری

هرچه از دوره هخامنشی به سمت دوره ساسانی می رویم جنبه عملی دانشها کاهش یافته و بر جنبه نظری آنها افزوده می شود.



تاسیس گندی شاپور سبب ایجاد فضایی برای ترجمه کتب متعدد پزشکی و فلسفی و نجوم از زبانهای یونانی و هندی به زبان پهلوی شد.

عوامل تاثیر گذار در توسعه ی دانشگاه عبارت بودند از: جذب دانشمندان ممالک دیگر، دانش پژوهی، ترجمه کتب، حمایت دربار مخصوصا خسرو انوشیروان ( آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد، ۱۳۹۲، ص ۴۲).

نظام طبقاتی ساسانی اجازه ی رشد استعداد ها را نمی داد. استعداد هر طبقه ناگزیر در درون محدوده ی طبقه ی خود رسوب می کرد و مثلاً یک دهقان یا کارگر مستعد هیچ گاه اجازه نداشت یا نمی توانست مثلاً دبیر نویسنده نقاش یا سردار شود. ( آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد، ۱۳۹۲، ص ۴۲). و این بزرگترین مانع شکوفایی استعداد ها بود. که بعد از ظهور اسلام چنین نظامی به هم می ریزد.

## دوره ی ایران اسلامی مرحله ی اول

از سال ۱۸ هجری تا ۲۵۲ هجری

### ویژگی های تاریخی دوره

ایران در سال ۱۳ هجری در زمان خلافت عمر توسط مسلمانان فتح شد. اما پس از حکومت خلفای راشدین، زمانی که حکومت اسلامی به دست بنی امیه افتاد به واسطه ی بازگشت ارزشهای نژادی و اصرار بر برتری عرب، ایرانیان تحت فشار قرار گرفتند و حق مداخله در حکومت های محلی خود را نداشتند. اما پس از سقوط بنی امیه و حاکمیت بنی عباس ( ۱۲۵ هجری)، فرصت فعالیت و حضور ایرانیان در عرصه های حکومتی و نیز علمی فراهم شد.

از ویژگی های این دوره می توان به نفوذ ایرانیان به دستگاه حکومتی خلافت عباسی، انتقال پایتخت به بغداد، تاسیس بیمارستان بغداد به دست هارون الرشید و بیت الحکمه در بغداد به دستور مامون، ترجمه کتب متعدد از پهلوی به

عربی توسط دبیران ایرانی و عربی و تالیف کتب مختلف در علوم و فنون اشاره کرد (شاه حسینی، ۱۲) خلفا کم و بیش به سیره ی پیامبر عمل می کردند. امام علی (ع) به امور مسلمین اهتمام داشت و خط اسلام را پیاده کرد. اما زمان بنی امیه سلطنت به جای خلافت و حکومت اسلامی نشست که به دلیل ظلم و بی عدالتی مخالفت مردم و اهل بیت را به دنبال داشت. (الماسی، ۱۳۹۲)

علت ساسانیان از مسلمانان: ضعف نیروهای ساسانی ۲- برخورد مناسب مسلمانان بر خلاف ساسانیان

۳- بی علاقه شدن مردم به حکومت و دین زرتشت (درانی، کمال، ۱۳۹۱، ص ۵۴).

مخصوصاً ساده زیستی مسلمانان به ویژه پیامبر (ص)، تبعیض طبقاتی در دوره ساسانیان که سعید نفیسی در کتاب خود از آن به عنوان جهنم طبقاتی ساسانی یاد می کند.



انحطاط دینی زرتشت: روحانیون بی خبر از تعالیم حقیقی دین بودند. و از حمایت های بی چون و چرای پادشاهان بهره می بردند. کار مذهب را تشریفاتی و خسته کننده و زجر آور کرده بودند. به طوری که مردم از دین زده شدند. درگیری ساسانیان با ۳ جبهه که در شرق با کوشانیان، در شمال با مهاجمان غارتگر و در غرب با رومیان، توان نظامی ساسانیان را ضعیف کرد. (آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد، ۱۳۹۲، ص ۴۸ تا ۵۰)

سیاست معاویه و اکثر خلفای اموی نسبت به شیعیان بسیار سخت گیرانه بود. شیعیان در این دوره عموماً در نهایت سختی روزگار میگذراندند. امنیت آنها همه جا مورد تهدید بود. قتل عام و غارت اموال شیعیان در این دوره امری رایج بود. (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۵۷).

ائمه شیعه در این دوره در فشار و سختی بیشتری بودند. شهادت امام حسن، امام حسین، امام سجاد و امام باقر (علیهم السلام) در این دوره و توسط حاکمان سفاک اموی صورت گرفت. بدون شک شهادت این ائمه بزرگوار، خصوصاً به شهادت رساندن امام حسین (ع)، به همراه ۷۲ تن از یاران باوفایش در صحرای کربلا سال ۶۱ هجری و به دستور یزید، از بزرگترین جنایات بشری در طول تاریخ است.

موروثی کردن خلافت، گسترش اندیشه جبرگرایی، رفتار ناشایست با موالی و ایرانی ها (غیر عربها)، از میان رفتن مساوات که یکی از ارکان مهم نظام اسلامی بود. امویان نژاد عرب را نژاد برتر و والاتر شمردند و گفتند؛ چون پیامبر اسلام از عرب برخاسته است پس عرب بر دیگران برتری دارد، عوامل دیگر همچون: تأویل قرآن و جعل حدیث؛ صرف درآمد های دولت در مسائل تجملاتی و خوشگذرانی؛ میگساری و زن بارگی و ... مجموعه این عوامل، به نظر می رسد نارضایتی مردم در اثر چنین دلایل موجب بروز قیام های مردمی، نزاع های قبیله ای، درگیریهای داخلی و در نتیجه ضعف داخلی و سقوط بنی امیه می باشند. علاوه بر آن باید به ظلم و ستم بنی امیه بر اهل بیت (ع) و درگیری آنان با علویان به عنوان یکی از عوامل مهم سقوط آنان اشاره کرد.

## ویژگی تعلیم و تربیت دوره:

سازمان آموزش عالی در این دوره شامل مساجد، جامعها، خانه های دانشمندان و کتاب فروشی ها می باشد. (منیرالدین احمد، ۱۳۶۸).

تاکید بر سخن رسول خدا: هر معلمی که سه کودک از این امت را سرپرستی کند و فقیر آنان را با ثروتمندشان و توانگرشان را با تهیدستان یکسان آموزش ندهد، در روز رستاخیز با خائن محشور می شود. (ابن سحنون آداب المتعلمین، ۳۵۳ و ۳۵۴)

آموزش در اسلام نخست از مسجد آغاز شد و مسجد به عنوان پایگاه اصلی آموزش در جامعه ی اسلامی در آمد. هر جا اسلام پا می نهاد، علم و ادب پیشرفت می کرد. (درانی، کمال، ۱۳۹۱، ص ۵۹). چون مسلمانان اولین کاری که می کردند مسجد می ساختند.

مسجد علاوه بر محل پرستش، محل کانون سیاسی، دادگاه، و نهاد آموزشی بود.

یکی از ویژگی های حلقه های درس در مساجد همزمانی آموزش و تبلیغ اسلام بوده است چرا که علاوه بر تحصیل علوم اسلامی و ادبی تبلیغ فرهنگی و سیاسی نیز باتوجه به جایگاه مسجد در نزد مسلمانان صورت می گرفته است. اختیاری بودن شرکت در هر یک از این حلقه ها نیز از ویژگی های دیگر این نوع آموزش بوده است.

با گسترش امر آموزش مساجد از لحاظ ساختار معماری نیز تغییراتی به نفع این امر پیدا کردند. بدین صورت که حجره هایی برای طلاب و اساتید آنها به عنوان تشکیل جلسات درس و بحث ساخته شد که هنوز هم نمونه های بسیاری از این گونه مساجد در ایران و سایر ممالک اسلامی به چشم می خورد. بدین طریق در چند قرن نخست ظهور اسلام، مدرسه و مسجد علی رغم تفاوت مفهوم لغوی غالباً از نظر مصداق مترادف بوده اند. حتی مساجدی چون جامع الازهر مصر از از جنبه های مذهبی و عبادی ویژه خارج شده و به صورت کانون بزرگی برای تعلیم علوم دینی در آمدند. در ایران نیز بعد از اسلام وضعیت همین گونه بود با این تفاوت که مرکزیت آموزش زود تر از سایر ممالک اسلامی به مدارس انتقال یافت. لذا ایرانیان مسلمان در ایجاد مدرسه یا مراکزی شبیه مدرسه از دیگر ملت های اسلامی پیشقدم تر بوده اند. نقطه ی عطف این تلاش علمی، تاسیس مدارس نظامیه است. (گوهریان، ۱۳۸۵)

با ظهور اسلام مفهوم تعلیم و تربیت رنگ تازه ای پیدا می کند. نظام طبقاتی در آموزش و پرورش به نظام همگانی مبدل شد. برای نخستین بار آموزش و پرورش مداوم به مسلمانان توصیه شد که از گهواره تا گور دانش بجویند. منابع اسلامی به تعلیم و تعلم تاکید بسیاری می کردند. که سبب می شد افراد مسلمان در با سواد کردن خود و دیگران





تلاش کنند. لذا آموزش و پرورش از این دیدگاه نوعی آموزش خصوصی و فردی و همگانی کردن رایج بوده. هر انسانی مسئول تعلیم و تربیت خود و دیگران است. لذا خصوصی سازی جنبه اقتصادی ندارد.

### –ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

تازه مسلمانان ایرانی نیز قرآن و احادیث را در مساجدی که بنا می شد، تعلیم می دیدند. انگیزه تحصیل در رشته های مختلف رنگ دینی به خود می گیرد. پس از اسلام بر خلاف زمان ساسانی که آموزش و پرورش یک امتیاز بود و به طبقات خاص تعلق داشت، به یک حق و حتی فریضه دینی تبدیل شد. و از انحصار طبقات اجتماعی خاص خارج شد و به یک نهاد مردمی تبدیل گشت.



هدف از آموزش و پرورش اسلامی کسب ثروت و قدرت نیست بلکه به ثروت و قدرت به عنوان ابزاری برای کسب سعادت و امنیت بشری در نظر گرفته می شود. در این راستا فهم قرآن برای مسلمانان ارزشمند است و اینجاست که باور ها و اعتقادات تربیتی اهمیت می یابند.

۱۷

جایگاه تربیت مسجد در نظام آموزش و پرورش کنونی ما کجاست؟ مدارس و مساجد چه ارتباطی با هم دارند؟

### –ساحت اجتماعی و سیاسی

اسلام طلب علم و آموختن آن را برای همه ی کودکان و مردان. زنان واجب کرد. تا همه بتوانند تعلیم و تربیت دیگران را بر عهده بگیرند.

### –ساحت علمی و فناوری

یادگیری علوم و فنون مانند طب و فلسفه از ابتدا در میان مسلمانان رایج نبود اما با گسترش مملکت اسلام، این علوم نیز بتدریج و به ویژه به واسطه ی نهضت ترجمه در میان آنان شایع گشت (جرجی زیدان، ۱۳۴۵) یک سنت علمی در این دوره، سفرهای علمی (رحله) در میان دانشجویان بود که برای استفاده از مراکز علمی نقاط دیگر صورت می گرفت (منیرالدین احمد ۱۳۶۸)

بعد از ظهور اسلام نظام تعلیم و تربیت طبقاتی که مانع بروز شکوفایی استعداد ها می شد و به هم ریخت و به جای اعتقاد نفوذ ناپذیری طبقاتی یکدستی اجتماعی حاکم شد. به این معنا که هر کس بتواند در حد استعداد خود کمال یابد. و استعداد خود را شکوفا کند. به همین دلیل در این دوران به بیشتر استعداد های ایرانی در همه ی زمینه ها و به افراد همه ی طبقات توجه شد. (گوهریان، ۱۳۸۵)

## ۳. دوره ی ایران اسلامی مرحله ی دوم،

دوره استقلال ایران (از ۲۵۲ تا ۶۵۶ هجری)

### ویژگی های تاریخی دوره

این دوره با قیام یعقوب لیث صفاری از ۲۵۳ هجری آغاز و تا ۶۵۶ هجری که آخرین خلیفه عباسی کشته شد، ادامه داشت. در این دوره شخصیت هایی مانند ابن سینا، عنصر المعالی، امام محمد غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی و سعدی ظهور کرده اند که در آثارشان نظریات تربیتی نیز به چشم می خورد. (ایروانی، ۱۳۹۴).



۱۸

در دوره سامانیان، زبان فارسی از پیشرفت و شکوفایی زیادی برخوردار شد. با آن که سامانیان در کارهای اداری زبان عربی را به کار می بردند و آن را شعار وحدت خلافت می شمردند، امکان آن را فراهم آوردند تا شاعران فارسی دری همچون رودکی «وفات در ۳۲۹ ق / ۹۴۰-۱ م» و دقیقی «حدود ۳۲۵-۷۰ ق / ۹۳۵-۸۰ م» از نخستین کسانی باشند که با گونه ای از زبان ملی خود که از تکمیل و آمیختن لهجه های محلی گوناگون فراهم آمده بود مطلب بنویسند. این زبان در دربار سامانیان پذیرفته شد و سرانجام به عنوان زبان فارسی نوین گسترش پیدا کرد که با اندکی تغییرات آوایی تا زمان حاضر بر جای مانده است.

سلسله س سلجوقیان با سلطنت طغرل بیک (۴۲۹-۴۵۵ ه.ق) آغاز شد. و خواجه نظام الملک در زمان الپ ارسلان و ملک شاه، وزارت را برعهده داشت. خلفای عباسی برای جلوگیری از پیشروی دعوت اسماعیلیه، همیشه به امرا و سلاطین سنی مذهب ایران متوسل می شدند. در دوران سلطنت سلجوقیان، خواجه نظام الملک به عنوان یک شافعی مذهب متعصب و هوادار خلافت عباسی، تمام نفوذ خود را برای ریشه کن کردن پیروان این فرقه به کار برد. و در این راه از هیچ کوششی مضایقه نکرد. وی مدارس نظامیه را با آن تشکیلات وسیع بدین منظور تاسیس کرد که بتواند جلوی تبلیغات جامع الازهر را که در اواسط قرن چهار هجری توسط فاطمیان مصر تاسیس شده بود سد نماید.

نیمه ی دوم قرن پنجم و سراسر قرن ششم هجری را باید عصر مجادلات مذهبی و مناقشات فرقه ای نامید. با تایید و پشتیبانی ارکان دولت که حنفی و شافعی مذهب بودند، این دوره ی کمال قدرت و اشاعه ی مذاهب اهل سنت بوده است.

هدف عمده ی خواجه نظام الملک ترجیح مذهب شافعی و نفی مذاهب مختلف بوده است. او قصد به وجود آوردن یک سیستم مذهبی واحد بر مبنای مذهب شافعی و طریقه ی اشعری را داشت و چون پادشاهان حنفی مذهب سلجوقی و یا دیگر ارکان صاحب نفوذ دولت را که غالباً غیر شافعی و یا شیعی مذهب بودند. خلاف منویات خود می دید به

مبارزه ی قلمی با مخالفان برخاست. وچند فصل از کتاب سیاست نامه را به خروج خرمدینان و قرمطیان و باطنیان اختصاص داد و تا آنجا که توانست از هر گونه تهمت و افترا نسبت به شیعه و پیروان دیگر مذاهب خودداری نکرد. (گوهریان، ۱۳۸۵).

## ویژگی های تعلیم و تربیت دوره

آثار نویسندگان و حکمای بزرگی چون ابن سینا و ابو علی مسکویه رازی عنصر المعالی نظام الملک امام محمد غزالی خواجه نصیر الدین توسی و سعدی نه تنها موجب گسترش دانش و فرهنگ در میان مسلمانان شد که با بیان برنامه و دیدگاه های آموزشی و پرورشی خود نقش و جایگاه و شیوه ی گسترش آموزش و پرورش عمومی را برای همگان تبیین نمود. (سرکارانی، ۱۳۸۲، اصلاحات آموزشی و مدرن سازی، ص ۲۷۴)

امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ هجری) در نظامیه بغداد تدریس می کرد. کتاب احیاءالعلوم و کیمیای سعادت از آثار او هستند (آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد، ۱۳۹۲). در دیدگاه تربیتی او معلم باید شاگردان را همچون فرزندان خود بداند. و در آموزش و پرورش کودکان رویکرد اخروی داشته باشد یعنی حتی دانش های فرشی را آراسته به نیت عرشی کند. و از تعلیم آن ها خشنودی حق و سعادت اخروی خود و فراگیران را بجوید. معلم وظیفه دارد به عمل آموزش و پرورش به صورت یک عمل عبادی نگاه کند. معلم باید به آنچه می آموزد عمل کند.

سعدی: روش تربیتی او بر اساس حکایات است. گلستان و بوستان دو نمونه از آثار او هستند.

ابن سینا: (۳۷۰-۴۲۸ هجری)

اهداف تربیتی: پرورش جسم، اندیشه ورزی به جای گرد آوری اطلاعات، اکتساب اخلاق پسندیده و ناپسند، موسیقی، پرورش مسئولیت نسبت به بیت المال، مفید بودن برای جامعه، ایجاد نگرش در شاگردان نسبت به پیامد های بیکاری بطالت، ضرورت نهاد خانواده

روش ها: ۱- توجه به علایق و تفاوت های فردی (توانایی، علاقه، هوش) هنگام گزینش حرفه

هرگز نباید هوی و هوس را در گزینش حرفه دخالت داد. اگر متمایل به خدمات دولتی باشد روش مکاتبات رسمی و سخنرانی را یاد بگیرد.

۲- آموزش گروهی شایسته است همراه کودکان دانش آموزان خوب نیز باشند. زیرا کودک از کودک فرا می گیرد. اگر فقط با معلم خود به سر برد سبب ملالت هر دو خواهد شد. مباحثه با دیگر کودکان سبب یادگیری بهتر و وسعت اندیشه می شود.

۳- درس از طریق حافظه انجام می گیرد. تکرار و تذکر



۴- تشویق و تنبیه لحاظ شود.

۵- کودک را باید به سختی عادت داد.

۶- حفظ آبرو و شخصیت کودک

مراحل تربیت از دیدگاه ابن سینا: تا ۶ سالگی صبغه ی تحرک و بازی و ورزش دارد و از ۶ تا ۱۲ سالگی صبغه مذهبی دارد که به مکتب خانه می فرستد. ۱۲ به بعد صبغه ی تخصصی و حرفه ای دارد ( آقازاده، احمد؛ آرمنند، محمد، ۱۳۹۲، ص ۷۳).

از ویژگیهای شاخص این دوره می توان به تاسیس مدارس نظامیه توسط خواجه نظام الملک وزیر مقتدر سلاجقه، که خود از فضلا بوده و کتاب سیاستنامه او از کتب برجسته زبان فارسی است، اشاره کرد. عملکرد درخشان نظام الملک الهامبخش گروهی از مردم آن دوره برای برپایی مدارس مشابه در سایر نقاط کشور شد (وکیلان، ۱۳۸۱).

مدارس و مراکز علمی که به فرمان خواجه ایجاد گردید ظاهرا بر دوگونه بوده است یکی مدرسی که در حکم مدارس ابتدایی و متوسطه ی این دوره بوده و عموما در شهر های کوچک و قرا پر جمعیت تاسیس شده بود دیگر مدارس بزرگی که به منزله ی دانشگاه ها و مراکز تعلیمات عالیه بود و با امکانات وسیع و تشکیلات گسترده تری تاسیس شد و به سبب انتساب نظام الملک به عنوان نظامیه معروف گردید.

**منابع مالی:** خواجه نظام الملک برای تامین مخارج و هزینه های مدارس و احداث بنای آن ها دو منبع مالی در نظر گرفته بود: یکی اموال شخصی و اموالی که توسط سلطان به شخص او اختصاص داده شده بود و دیگری موقوفاتی بود که بر این مدارس وقف کرده بود.

**زبان درسی:** زبان رسمی تعلیم و تربیت در مدارس نظامیه همان زبان عربی یعنی زبان دینی و علمی در تمام بلاد اسلامی بود.

### **شرایط مدرسان:**

شرایط علمی: تنها کسانی می توانستند منصب والای مدرسی را احراز کنند که در عالی ترین مدارج علمی زمان قرار می گرفتند.

شرایط اخلاقی: مدرسان نظامیه باید افرادی پاکدامن زاهد و مورد اعتماد و احترام مردم و ارباب دولت می بودند. شرایط مذهبی: مدرس نظامیه باید شافعی مذهب می بود. لذا بسیاری از دانشمندان به خاطر شافعی نبودن از تدریس در نظامیه محروم بودند و عده ای نیز که در حین خدمت از نظر مذهبی مورد سوء ظن قرار می گرفتند، از ادامه ی کار منع می شدند.



**روش تدریس:** مدرسان درس را به دو روش سماع و املا برای شاگردان بازگو می کردند. در روش سماع شاگردان گفته های استاد را با دقت زیاد به خاطر می سپردند. در روش املا استاد موظف بود ضبط هر کلمه را با دقت بگوید و شاگرد نیز دقیقاً آن را ثبت کند. (محمودیان، مدارس نظامیه، ۱۳۸۹)

**مکان ها:** بغداد اصفهان، نیشابور، هرات، بلخ، مرو، آمل، طبرستان، بصره و موصل.

سازمان تعلیم و تربیت شامل مسجد، مکتب، خانه و مدرسه بوده است (الماسی، ۱۳۹۲)

در مکتب، برنامه اصلی شامل تعلیم الفبا، قرائت قرآن و اصول دین و احترام به معلم بود (درانی، ۱۳۹۱)

روش تربیت در مکتب انفرادی و بر مبنای به یاد سپاری بوده است.

برنامه مدارس شامل ادبیات عرب، علوم دینی و حکمت بود.



۲۱

در مدارس و مساجد آزادی فکر و بحث و رد و قبول نظریات دیگران و ارائه نظر شخصی توسط مدرس وجود داشته، فعالیت ضمن درس طلاب ملاک ارزشیابی بوده و طالب علم به شرط داشتن توانایی و اجازه مدرس خود مجاز به تدریس بوده است (صدیق، ۱۳۵۴)

## بررسی و تحلیل:

تأثیرات نظامیه ها: پیشرفت علوم مذهبی به ویژه شافعی. نهضت تاسیس مدارس دولتی، تجلیل از دانشمندان و مدرسان، پیدایش ضوابط خاصی در تدریس توحه به رفاه مدرسان و طلاب بی وجهی به برخی رشته های علمی از جمله ریاضیات فلسفه و طب مبارزه با فلسفه و آزادی افکار نداشتن ارتباط با سایر جوامع فرهنگی بشری انحصار دانش بهره گیری سیاسی از آن مجادلات مذهبی ایجاد تفرقه اسلامی

حال سوال اینجاست که چگونه می توان همانند نظامیه از ظرفیت موقوفات و خیرین در حوزه ی تعلیم و تربیت استفاده کرد؟ اگر آموزش و پرورش هر استان، هر شهر و حتی اگر هر مدرسه، بتواند نتیجه کارش را خیلی شفاف به خیرین جامعه نشان دهد، چه تاثیری در جذب و حمایت این ظرفیت ها وجود دارد؟ آیا ظرفیت های دیگری هم وجود دارد؟ آیا مردم اعتماد می کنند پولی را که می دهند در جای درستی هزینه می شود؟

## ۴. ظهور عصر طلایی تمدنی اسلام

تأسیس بیت الحکمه توسط هارون و مامون عباسی در قرن دوم هجری که ترجمه ی آثار علمی تمدن های پیشین به ویژه یونان را در دستور کار خود داشت، ورود سیل عظیمی از انواع دانشهای فلسفی و علمی را به جامعهی مسلمانان موجب شد. وجود این ذخایر علمی در کنار حمایت از دانشمندان در بغداد و نیز در ایران باعث شد که از اواخر قرن دوم و به ویژه قرون سوم تا پنجم هجری، عصری درخشان از تولید علم و نیز جریان فلسفه‌ی اسلامی شکل بگیرد، و به نوبه‌ی خود به شکوفایی تمدن اسلامی در قلمرو حاکمیت اسلام از خاورمیانه تا اندلس در جنوب اسپانیا بیانجامد. اگرچه این درخشندگی پس از قرن پنجم روبه افول رفت، درجاتی از این شکوفایی در قرون بعدی نیز تداوم داشت. اما همانطور که در بررسی ویژگی های دوره‌ی استقلال ایران اشاره شد، نهاد آموزش با جریان تولید علم و نیز فلسفه‌ی اسلامی چندان پیوندی نیافت. مکتب به عنوان نهاد آموزش عمومی به طور طبیعی به آموزش دانش پایه و قرائت قرآن کریم اختصاص داشت؛ و برنامه و محتوای درسی نهادهای آموزش عالی یعنی مدارس، در خدمت آموزه های دینی فقهی بود. (ایروانی، ۱۳۹۴).

بیت الحکمه بغداد قرن دوم: کتابخانه، رصد خانه، انجمن علمی و ترجمه کتب به زبان عربی

در دوره بنی عباس، هارون الرشید بیت الحکمه را تاسیس می کند که در زمان مامون به کمال می رسد. فلسفه ایجاد این مرکز علمی اعتقادی و سیاسی بوده است. اکثر مورخان معتقدند که عامل اصلی ایجاد این موسسه علمی ایرانیان بوده اند.

جامع الازهر مصر ۳۶۱ ه.ق: ترویج علوم دینی و اشاعه شعائر مذهبی اسماعیلیان، مرکز علمی مذهبی و تبلیغی.

دارالحکمه مصر ۳۵۹ ه.ق: مدرسان همان فقهای جامع الازهر مصر بودند. کتابخانه داشته است. و برخی هزینه های آن از طریق موقوفات تامین می شد.



## ۵. دوره حمله مغول تا ظهور صفویه

(از ۶۱۶ تا ۷۲۷ هجری)

(با حمله مغول در ۶۱۶ هجری قمری مبانی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران فرو ریخت و سبب از بین رفتن مساجد کتابخانه ها علما و ..... شد.

نفوذ رجال ایران در دستگاه ایلخانان مغول سبب بازسازی دوباره شد. خواجه نصیر الدین توسی وزیر دانشمند و شیعه هلاکو خان، سبب بازگشت دوباره علما و ایجاد رصد خانه در مراغه در مرکز ایلخانان مغول شد) آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد، ۱۳۹۲، ص ۵۷).

مسلمانان تا حدی مبارزه کردند که غازان خان مسلمان شد و اسلام را دین رسمی ایلخانان مغول اعلام کرد. و تمام مغولان اسلام آوردند. (درانی، کمال، ۱۳۹۱، ص ۹۲).

خواجه رشید الدین فضل الله همدانی وزارت سلطان محمد خدابنده را به عهده داشت مدارس و مساجدی در سلطانیه بنا کرد. سلطان محمد خدابنده هم با کمک وزیر خود مدرسه ی سیار سلطانی را بنا نمود) آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد، ۱۳۹۲، ص ۵۸).

در زمان حمله مغول در مقابل خسارات وارده دو رشته نمایان شد: ۱- تاریخ نویسی ۲- علم نجوم سلاطین مغول علاقه مند به ضبط فتوحات و معتقد به تاثیر اوضاع کواکب در سرنوشت خود بودند. لذا مورخان ومنجمان را تشویق می کردند. هلاکو خان در تاسیس رصد خانه مراغه کمک کرد. (الماسی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸)

کتاب های مهم: تاریخ جهانگشای جوینی، جامع التواریخ خواجه رشید الدین فضل الله از ابتکارات این دوره در تعلیم و تربیت، ایجاد مدارس سیار توسط سلطان محمد خدابنده برادر غازان بود. در فصل بیلاق و قشلاق، معلمان و متعلمان همراه با سایر اصناف سفر کرده و در هنگام توقف، مدرسه کار خود را آغاز می کرده است (وکیلیان، ۱۳۸۱).

سازمان تربیت در این دوره همانند قبل بود با این تفاوت که بسیاری از مساجد و مکاتب در جریان حملات متوالی تخریب شد.

همچنین به علت تحولات سخت این دوره، اعتقادات عرفانی و صوفیه مورد استقبال مردم قرار گرفت و خانقاه علما به عنوان یکی از مراکز تعلیم شناخته شد (درانی، کمال، ۱۳۹۱).

اهداف آموزش در این دوره عبارت بود از: صیانت نفس، حفظ و حراست از تباهی و جلوگیری از شیوع فساد و فحشا. اهداف در این مدت چاره جویی کوتاه مدت بود در برابر نابسامانی های رخ داده. لذا بر علم و آینده اتکا نداشت. (درانی، کمال، ۱۳۹۱، ص ۹۷).



به علت هجوم های گسترده به ایران مفهوم اخلاق کاملا انحطاط یافت، ظاهریینی جایگزین معناگرایی شد، اندیشه ورزی آلوده به لفاظی گشت، بدبینی و سوءظن نسبت به همدیگر در جامعه رواج . یافت و اطاعت صرف و عدم صراحت لهجه عادت شد(صدیق، ۱۳۵۴).

در این دوره دو تغییر در برنامه نیز مشاهده می شود: اول آنکه زبان عربی سلطه قبلی خود را از دست داد و دوم آنکه به علت ناپایداری شرایط جامعه، توجه افراطی به آخرت و رویگردانی از دنیا حاکم شد (الماسی، ۱۳۷۸).

روشی که در این دوره در نظام تعلیم و تربیت وجود داشته بسیار سخت و خشن بوده به گونه‌های که کودکان از بازی و تفریح محروم بوده، آزادی در بحث و اظهار عقیده تا حد زیادی از بین رفته و تعبد و اطاعت جایگزین استدلال و منطق و ابتکار شد (صدیق، ۱۳۵۴).

از مطالب فوق برداشت می شود که در این دوره به طور کلی انحطاط علمی و اخلاقی پیش آمده و نتایج این دوره نیز مانعی بزرگ بر سر راه حرکت علمی و فرهنگی و اقتصادی ملت ایران به سمت تمدن اسلامی در دوره های بعد بوده است.

## ۶. دوره حکومت صفوی

(از ۷۲۷ تا ۱۱۴۱ هجری)

### ویژگی تاریخی دوره:

این دوره با سلطنت اسماعیل صفوی آغاز شده و با غلبه افغانها بر شاه سلطان حسین پایان یافت. از ویژگی های این دوره می توان به تشکیل حکومت واحد از طریق وحدت مذهب، جنگهای متعدد با عثمانی، توجه شدید به مذهب و علوم دینی و بی توجهی به ادبیات، علوم و ریاضیات، توجه پادشاهان صفوی به هنرهای زیبا و پیشرفت شگفت انگیز در معماری و تذهیب، افزایش رابطه با اروپا، رونق اقتصادی و افزایش معاملات خارجی، افزایش قدرت نظامی و گسترش شهرنشینی و به تبع آن حرفه های گوناگون اشاره کرد (صدیق، ۱۳۵۴).

پادشاهان صفوی خود را خادم مذهب اثنی عشری نامیدند. مخالفین تشیع را منزوی کردند. مدارس ۴ مذهب اهل تسنن را بستند. خانقاه ها را منهدم ساختند. (الماسی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۵).

### ویژگی های تعلیم و تربیت در دوره:

مبدا تاریخ شکل گیری تعلیم و تربیت جدید ایران را باید زمان اولین رویارویی ایران با غرب مدرن در عصر صفویه (قرن ۱۶-۱۷ میلادی) در نظر گرفت. ستیز با عثمانی به عنوان دشمن مترک اولین انگیزه ی مواجهه ی دوستانه و





یاری جویانه ایران و اروپا بود. البته این دوستی بنابر ماهیت استعماری طرف فرهنگی و غفلت ذاتی طرف ایرانی از ابتدا خالصانه نبود. از این رو در کنار کمک های نظامی از همان ابتدا مقدمات سلطه ی اروپا بر ایران فراهم گشت. برادران شرلی و سیاحتگران و بازرگانان بی شمار دیگری که از کشور های اروپایی به ایران آمدند علاوه بر خرید و فروش و تجارت های سود آور اطلاعاتی راجع به راه ها کوه ها رود خانه ها شهر ها و روستا ها و ویژگی های اخلاقی سیاسی اجتماعی و اقتصادی مردم ایران و اوضاع دربار به دست آورد ه و در اختیار دولت های غرب می گذاشتند. در مقابل دولت صفوی که به دلایل سیاسی سوق الجیشی و جغرافیایی دست یاری به سوی اروپا دراز کرده بودند هرگز گرایش کنجکاوانه و چشم گیر به آموختن دانش و کارشناسی غرب از خود نشان ندادند (علم الهدی، ۱۳۸۰).



علاوه بر اهداف اصیل و ارزشمندی که در دوره های قبل برای تعلیم و تربیت ذکر شد، در دوره صفوی ترویج اصول مذهب شیعه به عنوان اصلیتین هدفی بود که پادشاهان صفوی به دنبال آن بودند (وکیلان، ۱۳۸۱). در این دوره مربیان بر متریبان سخت گرفته، به نیازهای آنان توجهی نداشته و از آنان انتظارات غیر معقول داشتند. روش تعلیم و تربیت در این دوره بسیار سخت بود. همچنین در هنگام تدریس تاکید بر حافظه در یادگیری بود. در این دوره، حوزه اخلاق در تربیت کودکان به کوچکترین حوزه های زندگی مانند لباس پوشیدن، مسواک زدن و... گسترش یافت (صدیق، ۱۳۵۴).

به علت توجه شدید به اهمیت کسب علوم دینی، طلاب با استعداد به سراغ کسب این علوم می رفتند (همان). اصفهان مجمع دانشمندان، فلاسفه و فقها و عرفای بزرگ همانند: شیخ بهایی، میرداماد، میرفندسکی، ملاصدرا، محمد باقر مجلسی و فیض کاشانی بود. (درانی، کمال، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲). در این دوره نیز مانند دوره قبل بازی و تفریح برای کودکان جایز نبوده و همچنین آزادی در بحث بر سر مسائل دینی وجود نداشته است (صدیق، ۱۳۵۴) توجه و علاقه شدید صفویان به مساجد باعث شد تا مساجد و مکاتب، سازمانهای اصلی آموزش در این دوره باشند (الماسی، ۱۳۷۶)

تغییر جدیدی که در محتوای این دوره پدید آمد تلاش برای تعمیق محبت کودکان به امام علی (ع) و تدریس کتب جدید التالیف در مکاتب بود (همان).

در عصر سلاطین صفوی و عهد افشاری و زندی مدارس متعددی در ایران بنا شد. مکتب خانه ها توسعه پیدا کرد اما نه همانند قبل مغول (درانی، کمال، ۱۳۹۱، ص ۹۷).

شیوه اداره مکتب خانه ها: حکومت هیچ دخالتی در این امر نداشت.

این عصر، عصر رواج مجدد علوم عقلی و توسعه معارف شیعی است (بر خلاف نظامیه ها) (درانی، کمال، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲).

از مدارس معروف آن عصر مدرسه ملا عبدالمحمد در زمان شاه عباس اول، مدرسه نواب در عهد شاه سلیمان صفوی، مدرسه ملا محمد باقر، مدرسه میرزا جعفر، مدرسه خیرات خان، مدرسه هاشمیه، مدرسه حکیم، مدرسه مجید، مدرسه مقیمیه و..

کتاب هایی که در مدارس علمیه صفویان تدریس می شد: کافی، من لا یحضره الفقیه، استبصار و تهذیب الاحکام، وسائل، وافی، بحار الانوار، ریاضی، عربی، ادبیات (درانی، کمال، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳). حلیه المتقین مجلسی - مثنوی نان و حلوا شیخ بهایی - موش و گربه عبید زاکانی.

در این دوره کتبی مانند منیه المرید فی آداب المفید و المستفید از شیخ زین الدین حر عاملی، حلیه المتقین وعین الحیاه از محمد باقر مجلسی در زمینه تعلیم و تربیت تالیف شدند الماسی، (۱۳۷۶)

علم دینی اهمیت زیادی یافت و موارد دیگر چون حکمت علوم ادبی و طبیعی و ریاضی از نظر افتاد.

در اینجا این نکته قابل ذکر است که به علت وقوع آشوبها و هرج و مرج و بینظمی در کشور در فاصله میان اتمام حکومت صفوی و به قدرت رسیدن نادرشاه و همچنین میان مرگ نادر و فرمانروایی کریم خان و سپس به قدرت رسیدن آقا محمدخان قاجار، فترتی در فرهنگ و هنر ایران ایجاد شد که فرصتی برای ایجاد تغییرات جدید در تعلیم و تربیت باقی نگذاشت (درانی، ۱۳۷۶).

در دوره مغول و صفویه مدارس به لحاظ سازمانی و به لحاظ اعتقادی خصوصی بوده اند و از نظر اقتصادی با پشتوانه مردم و کمک های مردمی و موقوفات اداره می شدند.

عصر صفویه جمود فکری بر ایران حاکم شده و پادشاهان صفویه هیچ گونه تشویقی برای کسب علم و دانش به عمل نمی آوردند و تنها توجه آنها فقط به علوم دینی بوده است. (تاریخ مدارس خارجی)

دوره افشاریه و زندیه: دوره ۱۲۰ ساله که تغییر چندانی در ساختار و روش و محتوای تعلیم و تربیت صورت نگرفت. (آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد، ۱۳۹۲، ص ۶۱).

ایران در دوره ی افشاریه علی رغم پیوند های دوستانه و نزدیک با دولت های اروپایی نه بهره ی چشم گیری از دانش و کارشناسی موجود در اروپای آن روزگار گرفت و نه در راه پیشگیری از زیان های استعمار غرب گام های اساسی برداشت.

حکومت زندیه هم زمان بود با گسترش سرمایه داری غرب و توجه بیش از پیش آن به بازار مصرف و منابع طبیعی هندوستان و کشور های خلیج فارس. زندیان باز به امید دریافت کمک از نیروهای دریایی اروپائیان برای مقابله با دزدان دریایی و نیاز به فراورده های اروپا با انگلیس و فرانسه پیوند دوستی و اقتصادی برقرار نمودند. (صلاحی، ۱۳۸۲). ولی این بار نیز در راه شناخت دانش و تکنولوژی نوین و انتقال آن به ایران اقدامی صورت نگرفت (علم الهدی، ۱۳۸۰).



## ۷- نگاهی مختصر به تاریخ اروپا

اصول متخذه اروپییان از فرهنگ اسلام: (الماسی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶).

۱- امیت علم تعلیم و تعلم ۲- سفر به کشور های اسلامی ۳- آموزش زبان عربی و ترجمه کتب مسلمین ۴- آزادی فکر و نشر علوم اسلامی ۵- روش شناسی مسلمانان

الازهر و نظامیه ها و ده ها دانشگاه ها الگوی دانشگاه های سوربن و اکسفورد و... شد.

نهضت علمی در قرن ۹ و ۱۰ شروع شد ولی پیشرفت نکرد.

قرن ۱۲ هجری طغیان اروپا علیه کلیسا و دولت بود.

قرن ۱۳ هجری گسترش روانشناسی و توجه به علوم و صنایع بود.

در قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی، نهضت ترجمه ی کتب مسلمانان به طور گسترده ای در اروپا پدید آمد. این نهضت از پایه های اصلی رنسانس علمی و فکری و عامل اساسی رویکرد اروپاییان به علم و دانش بود. در این دوران، آثار مهمی در پزشکی و همچون کتاب طب الملکی علی بن عباس اهوازی، کتاب الحاوی، دائرةالمعارف بزرگ طب، و قانون ابن سینا به عبری و لاتین ترجمه شد. موضوع دیگر مورد توجه مترجمان اروپایی، مباحث علم حساب (*arithmetic*) و هندسه بود. اولین آثاری که در این زمینه از عربی به لاتینی ترجمه شد کتابهای دانشمندان یونانی بود؛ مانند چهار مقاله اقلیدس و پانزده مقاله اصولی او و نیز کتاب الاربعه بطلمیوس. *Ptolemaios* اما بزودی ترجمه تالیفات و شرحهای دانشمندان مسلمان آغاز شد. از مهمترین کتابهای ترجمه شده جبر و مقابله خوارزمی بود که آغازگر علم جبر در اروپا شد. این کتاب دوبار ترجمه شد با نامهای *Algebra* و *Liber Algorithmi* (یا کتاب خوارزمی) ترجمه شد که هم اکنون بعضی نسخه های آن در دسترس است.

حدود سال ۱۴۵۰ چاپ اختراع می شود و یوهانس گوتنبرگ آلمانی، کارگر چاپخانه، نخستین کتب چاپ شده به وسیله حروف متحرک در اروپا را منتشر می کند.

سال ۱۴۵۳ قسطنطنیه به دست ترک های عثمانی می افتد.

سال ۱۴۹۲ کریستوف کلمب که سفر دریایی اش را از اسپانیا آغاز کرده به آمریکا می رسد.

سال ۱۵۱۷ مارتین لوتر نود و پنجمین فرضیه اش را تهیه می کند و با اعتراضات خویش، آغازگر جنبش اصلاح دینی می گردد.

الف- جنبش فرهنگ پژوهی: ترجمه کتب به زبان لاتین، اختراع صنعت چاپ و تصرف قسطنطنیه

در این نهضت ۳ موضوع بارز بود:

۱- انسان محوری به جای خدا محوری و مذهب از طریق دلبستگی به زندگانی



۲- دل‌بستگی به زندگی و خوشی در همین دنیا

۳- توجه به طبیعت و میل به مشاهده و تجربه و آزمایش

ب- جنبش دینی: فساد پاپ و ستمکاری پیشوایان مذهبی موجب انتقاد نسبت به اخلاق کشیشان شد و در مسیحیت فرقه ایجاد کرد.

۱) پروتستان (معترضین) لوتر اعتراض به اعمال پاپ / فرهنگ باید به هزینه دولت برای مردم باشد و رویش توانگر مرد و زن و دین را باید با کمال آزادی تفسیر کرد.

لذا تعلیمات ابتدایی برای همه فراهم کرد که برای نیل به این مقصود زبان مادری را به جای لاتین آموختند. و هزینه ی دبستان ها تدریجا به عهده ی دولت گذاشته شد.

۲) کاتولیک در همه جا دعا باید به زبان لاتین باشد. تنها کلیسا حق تفسیر دارد. مدارس سیوعی و یازوئیت ایجاد کردند.

ج- جنبش علمی: تقارن نهضت دینی و ظهور پروتستان با نهضت علمی به مخالفت شدید با کلیا مواجه شد. کلیسا عده ای از دانشمندان و مخترعان را کافر می دانست و بعضی از آن ها را می سوزاند (الماسی، ۱۳۹۲).

رخ داد های متعددی نظیر پیشرفت های روز افزون علم، انزوای رو به گسترش دین تبدیل حکومت های سلطنتی به جمهوری و رفع خطر از جانب ترکان عثمانی یا تاتار های آسیایی همراه با افزایش ثروت در نتیجه ی توسعه تجارت رشد صنعت و کشف سرزمین های طلا خیز آمریکا سبب شد انسان غربی خود را نژاد برتر پنداشته و به تبعیت از فرانسیس بیکن خواستار سلطه بر تمام طبیعت گردد. برای تبدیل تئوکراسی یعنی حکومت دینی به دموکراسی یعنی حکومت نفوس انسانی از قانون ارتش دولت مطبوعات و تعلیم و تربیت کمک گرفت بدین ترتیب تاسیس آموزش و پرورش دولتی که ریشه در اومانیسیم و راسیونالیسم مدرنیته داشت و از موارد شاخص رفرمیسم دینی بود زیر بنای همه ی تغییرات اجتماعی و اصلاحی مطلوب رنسانس واقع شد. از آنجا که تحولات رنسانس به معنی واقعی کلمه تا قرن ۱۸ در زندگی عامه مردم تاثیر نگذاشته بود آموزش و پرورش همگانی یا دولتی تا آن زمان به طور جدی مطرح نشد. سه انقلاب اساسی در اواخر قرن ۱۸ یعنی انقلاب صنعتی انگلیس - انقلاب اجتماعی سیاسی فرانسه و انقلاب استقلال طلبانه آمریکا تاثیر شگرفی بر ساختار فکری و حکومتی و اقتصادی غرب بر جای گذاشت... از آن به بعد رنسانس و زیر بنای اصلی آن یعنی آموزش و پرورش دولتی به لحاظ نقشی که در حفظ وحدت ملی تحکیم پایه های قدرت سیاسی و رفع نیاز های بورژوازی اعم از نیاز های تکنولوژیک، تولید، مصرف و دیوانسالاری داشت مورد توجه قرار گرفت و فیلسوفان مدرن مصلحان اجتماعی مسئولان سیاسی و نظریه پردازان تربیتی هر یک به نوعی نسبت به این مساله اشتغال ذهنی پیدا کردند. چنان که در قرن ۱۹، آموزش و پرورش دولتی به عنوان یکی از ضروری ترین امور زندگی جمعی تلقی شد... این بنیاد باید از جایگاه تعیین کننده ای



برخوردار می بود تا احتمال گریز و بازی گوشی های کودکانه و لجاجت های افراد نادان به حداقل برسد. بدین ترتیب تمدن دود کشی اروپا به تعبیر تافلر تلاش نمود تادر تعلیم و تربیت دست به انبوه سازی بزند: (آموزش و پرورش همگانی دستگاه هوشمندانه ای است که صنعت گرایی تاسی کرد تا نوع بزرگسالانی را که به آن نیاز داشت تولید کند..... اندیشه ی جمع کردن توده های محصلان (ماده خام) که معلمان (کارگران) آنها را در یک موسسه ی متمرکز (کارخانه) به عمل آورند، بارقه ی نبوغ آسای صنعتی بود.)

این مساله تا جایی پیش رفت که که به تدریج همه ی طبقات جامعه آموزش و پرورش را به عنوان یک حق خواستار شدند. علی رغم مخالفت برخی گروه های مذهبی زمینه ی دخالت دولت در سازماندهی و نظارت مدارس به دنبال فزونی تعداد مدارس و ایجاد فرصت برای حکام جهت اعطای کمک های مالی و تاسیس مدارس جدید بیشتر فراهم شد. آموزش و پرورش رسمی همگانی و دولتی توسعه یافت و طبقه ی متوسط سرمایه داران که به مدد خود آگاهی ملی، قدرت حاکمیت را به دست گرفته و خود را نماینده ملت و حتی عین ملت می دانستند. به وسیله ی دستگاه آدم سازی جدید علاوه بر حاکمیت سیاسی - اقتصادی حاکمیت فکری و اخلاقی را نیز به چنگ آوردند (علم الهدی، ۱۳۸۰).

تا قرن ۱۲ هجری حاکمان کشور های اروپایی درصدد تربیت افراد معدودی از طبقات مردم برای آموزش و پرورش بودند. ولی پس از آن متوجه شدند. که ثبات جامعه بستگی به تعلیم و تربیت عموم خلق دارد. بدی جهت مقدمات را فراهم کردند و آموزش ابتدایی را همگانی و اجباری ساختند. اولین کشوری که آماده این کار شد آلمان بود که در سال ۱۱۷۶ ه. ق فردریک بزرگ پادشاه پروس فرمان آموزش اجباری را صادر کرد. ...فرانسه نیز از زمان ناپلئون اول سازمانی برای تعلیمات عمومی ایجاد کرد و از اواسط قرن سیزدهم مقدمات تعلیمات اجباری در آنجا فراهم شد. در انگلستان نیز در سال ۱۲۹۳ ه. ق آموزش ابتدایی اجباری گردید. در آمریکا نیز از سال ۱۲۸۴ ه. ق در هر ناحیه دستگاهی برای تربیت عمومی برپا گردید که روز به روز توسعه یافت.

بدین ترتیب اغلب کشور های اروپا در قرن ۱۳ دارای سازمانی وسیع برای تربیت و تعلیم مردم شدند. که دولت مسئولیت آن را داشت. و مخارج آن از خزانه دولت پرداخته می شد. کشور ما در اواسط قرن ۱۳ هجری با چنین ممالکی روبه رو شد که در قسمت بعدی به طور مفصل اشاره خواهیم کرد.

اولین موسسات مراقبت از کودک با الگو قرار دادن یتیم خانه ها در سال ۱۱۲۹ شمسی (۱۷۵۰ میلادی) در کشور اتریش شکل گرفت. این موسسات در کنار کارگاه های تولیدی و در ساعات کاری زنان کارگر به امر حمایت و نگهداری کودکان و کمتر به آموزش آنان می پرداخت. موسسات مراقبت از کودک برای خانواده های فقیر طراحی شده

بود تا زمانی که زنان در شرایط سخت مشغول به کار هستند، کودکان آن‌ها دنبال بزهکاری نباشند و برای جامعه در دسر جدید درست نکنند.

در سال ۱۲۱۹ ش (۱۸۴۰ میلادی) براساس طرحی از فریدریش فروبل اولین کودکستان با نام *kindergarten* به معنای باغ کودک با شکل جدید در آلمان ساخته شد در مهد کود های جدید آموزش در کنار بازی گنجانده شده بود. به تدریج از سال ۱۹۲۰ به بعد مراکز مراقبتی به سمت حاشیه رانده شدند. سیاست گذاری های کلان به سمت مهد کودک های همراه با آموزش می رفت. در این سال ها بیشتر پایتخت های جهان دارای مهد کودک بودند و برنامه ریزی ها به صورت بسیار دقیق صورت می گرفت. تفکیک گروه های سنی تهیه ی اسباب بازی های مفید برای هر گروه تنظیم کلاس های ژیمناستیک و تدریس موسیقی از جمله این برنامه ها بود. با گذشت زمان گردانندگان دولتی رقیبا سرسختی پیدا کردند بخش خصوصی مثل کلیسا و انجمن های مذهبی موسسات درمانی و کارگاه ها و اشخاص حقوقی که شرایط لازم را داشتند اقدام به تاسیس مهد کودک می کردند. البته همیشه یک انجمن حمایتی در منافع این مهد ها همکاری می کرد که در سیاست گذاری نقش مهمی داشت اکنون مهد های الکترونیک در کشورهای اروپایی رایج شده است که از طریق اینترنت کودک را با برنامه ی درخواستی والدین سرگرم می کنند و آموزش هایی به آنان می دهند. (ابوالقاسمی، ۱۳۹۰).

## ۸- دوره قاجار

در این دوره اقدامات اصلاحی در آموزش و پرورش با فعالیتهای عباس میرزا با آموزش نظامی به نیروهای ارتش واعزام محصل به خارج و امیرکبیر با تاسیس دارالفنون و میرزا حسن رشدیه با تاسیس اولین مدرسه ابتدایی به سبک جدید، با هدف نجات کشور از ضعف و عقب ماندگی آغاز شد (ایروانی، ۱۳۹۳). این عقب ماندگی ناشی از حملات مکرر روسیه به ایران و عقد قراردادهای گلستان و ترکمانچای و جداسازی قسمتهایی از کشور، شیوع بیماریهای واگیردار مانند وبا و طاعون و فعالیت سیاسی دولتهای استعمارگر روسیه، فرانسه و انگلیس در ایران بود (درانی، کمال، ۱۳۹۱).

آموزش و پرورش ایران تا شروع نیمه دوم قرن سیزدهم هجری قمری به صورت سنتی بودو هیچ سازمان نظام یافته ای مسئول رسیدگی به امور تعلیم و تربیت ایران را بر عهده نداشت. ...تازمان ناصرالدین شاه مدرسه به صورت امروزی وجود نداشت در اصل حکومت پرداختن به امور آموزشی را جز وظایف خود نمی دانست از این رو والدین فرزندان خود را برای آموزش به محل هایی که مکتبخانه نام داشت می فرستادند. به این صورت که در هر محله فردی مکانی را به عنوان مکتب خانه تاسی و تعدادی شاگرد را دور خود جمع می کرد. و به روش خود به آنان تدریس می نمود. اکثر دروسی را که شاگردان آموزش می دیدند مذهبی بود اکثر مکتبخانه ها پسرانه بود و برای دختران تعداد اندکی مکتب خانه وجود داشت که خود حاکی از جو حاکم بر آن زمان بود. که مردم خیلی بسته فکر می کردند. و



فرستادن دختران را به مراکز آموزشی نمی پسندیدند. و در خانه ماندن و کمک به کار خانه کردن را برای دختران امری کافی می دانستند. لازم به ذکر است که پیشرفت هیچ کدام از این مکتب خانه ها با پیشرفت علم و تکنولوژی همخوانی نداشت.

در دوران قاجار احساس ضعف و ناتوانی در همه ی شئون زندگی اجتماعی و احساس ضرورت اخذ تمدن و علم جدید و به کارگیری اصول تعلیماتی آن موجب شد تادربار ایران برای جبران مافات دست به سه نوع اقدام بزند: که عبارت بودند از:

۱- معاشرت مستقیم با غربیان به صورت اعزام دانشجو یا مسافرت کارگذاران حکومتی

۲- انتقال محصولات فکری و مصنوعات غرب از طرق ترجمه متون و مکتوبات آن ها، استخدام مستشاران و معلمان خارجی و واردات دستگاه چاپ، محصولات بازرگانی و صنعتی

۳- تاسیس موسسات تمدنی غرب به صورت ادارات دولتی بانک ها مطبوعات مراکز نشر و بالاخره مدارس جدید لذا اهم اقدامات فرهنگی دوره قاجار از این قرار است.

الف) مکتب خانه ها

ب) اعزام محصل به خارج از کشور

پ) پیدایش مدارس: ۱- دارالفنون، ۲- مدارس اقلیت های مذهبی، ۳- مدارس خارجی، ۴- مدارس ایرانی جدید

ج) چاپخانه

چ) ترجمه

ح) روزنامه

### الف) مکتب خانه ها:

مکتب خانه ها متداول ترین سازمان تربیتی ایران بود که قبل از تاسیس مدارس جدید در کشور ایران دایر بوده است. شایان توجه است که خانواده های ثروتمند فرزندان خود را به این مکتبخانه ها نمی فرستادند. و برای آنان معلمین خصوصی (معلم سرخانه) می گرفتند تا اطفالشان را در خانه ها تدریس کند. خانواده های متوسط به پایین فرزندان خود را از سن ۶-۷ سالگی به مکتب خانه می فرستادند. و در آنجا شخصی که به او ملا، میرزا یا شیخ می گفتند هر روزه به جز روزهای تعطیل چند ساعت به دانش آموزان آموزش می داد و خانواده ها نیز در مقابل ماهیانه یا سالانه پول و یا اجناسی چون غلات، گوشت و... به او می دادند. با توجه به شرایط اقتصادی خانواده ها کمتر خانواده ای بود که فرزند خود را راهی مکتب خانه ها کند. از این رو تعداد مکتب خانه ها و مکتبداران کم بود. ورود به مکتب خانه ها آزاد بود و والدین می توانستند فرزندان خود را به هر مکتب خانه ای که مایل بودند بفرستند.



با توجه به چگونگی سواد مکتبداران هر مکتب خانه ای دارای یک نظام آموزشی خاص خود بود و برنامه ی تحصیلی و آموزشی آنان مانند برنامه ی امروزی نبوده است.

با توجه به این که دولت هیچ تعهدی در برابر تحصیل در مکتب خانه ها نداشته است بنابر این هیچ فکری نیز برای اشتغال فارغ التحصیلان نداشته و هیچ نظارتی نیز بر مکتب خانه ها صورت نمی داده است.

سن، فصل و طول مدت تحصیل دارای هیچ ضابطه ای نبوده است فصل تحصیل مربوط به نظام اقتصادی محل (کشاورزی - دامداری) و طول مدت تحصیل بستگی به توان دانش آموز داشته است.

سن شروع تحصیل در مکتب خانه ها را بعضی از اندیشمندان (مرحوم دکتر علی شریعتی) ۶ تا ۱۰ سالگی می داند.

و اعتقاد دارد که این آزادی نوعی برتری برای کودکان و جوانان آن روز بوده است که با ساختار زندگی اجتماعی و

اقتصادی آنان مغایرتی نداشته است زیرا فلسف مکتب خانه ها باسواد شدن است و طبق این اصل مکتب به کودک

می اموخت که هر وقت توانستی پذیرفته خواهی شد زیرا برای باسواد شدن هیچ وقت دیر نیست و هیچ عاملی

نوجوان را از باسواد شدن نمی تواند محروم کند.

دروس آموزشی: دروسی که در مکتب خانه ها برای شاگردان تدریس می شد غیر از آموزش های قرآنی، صرف و نحو

عربی، مطالعه متون مذهبی دروسی همچون: موش و گربه عبید زاکانی دیوان شعرایی چون سعدی و حافظ و

گلستان سعدی، جامع عباسی، ابواب الجنان، تاریخ نادر، تاریخ معجم، نان و حلوی شیخ بهایی، پند نامه ی عطار و

حلیه المتقین ملا محمد باقر مجلسی نیز بود.

وسایل آموزشی: وسایل آموزشی تنوع چندانی نداشت زیرا در آن سالها لوازم التحریر بسیار محدود و معدود بود و از

دوات و قلم و کاغذ تجاوز نمی کرد.

تنبیه: مجازات را به دو قسمت تقسیم می کردند:

الف) مجازات اخلاقی: معلم یا مکتبدار با نشان دادن حالت خشم نصیحت سرزنش آمیز ملامت انفرادی توبیخ سخت در

برابر همه ی اطفال مجازات اخلاقی را اعمال می کرد و چنانچه باز هم موثر واقع نمی شد آنگاه به مجازات بدنی

می پرداخت و دانش آموز مقصر را کتک می زد.

ب) مجازات بدنی: مجازات بدنی به صورت های مختلف اعمال می شد که به نمونه ای از آن اشاره می شود، دو چوب

معمولی کوتاه و بلند در کنار میز مکتبدار بود. چوب کوتاه برای دانش آموزانی که کنار او نشسته بودند و چوب بلند

برای دانش آموزانی که دور از او نشسته بودند. چوب فلک از جنس آلبالو بر کف پاهای شاگرد می زدند، مداد بین

انگشتان دانش آموز می گذاشتند و آن را فشار می دادند دانش آموز را روی پا در آفتاب نگاه می داشتند و او را

مجبور می کردند تا به خورشید نگاه کند، پس گردنی می زدند، شنهای ریز زیر لاله ی گوش دانش آموز می گذاشتند

و فشار می دادند و سر انجام دانش آموزان خاطی را به زیر زمین (سیاه چال) می فرستادند.





تعلیم و تربیت اختصاصی بود. یعنی اموختن سواد خواندن و نوشتن فارسی و قرآن و شرعیات در برنامه کار مکتب خانه ها در اکثر نقاط ایران بر عهده ملاها و روحانیون بود. در مکتب خانه هایی که دانش آموزان زیادی داشت فرد یا افراد دیگری به ملا یا مکتبدار کمک می کردند که از بین دانش آموزان تیز هوش انتخاب شده و به آن خلیفه می گفتند. که وظیفه ی آنان تعلیم به دانش آموزان ضعیف با زبان ساده بود و غیر از این عمل نقش مبصری کلاس را نیز بر عهده داشتند.

مکتب خانه ها ۶ ماه پرکار و ۶ ماه تعطیل بودند. شروع مطالب کلاس به زبان عربی بود کودکان را مجبور می کرد مطالب را طوطی وار یاد بگیرند. دانش آموزانی که به مکتب خانه ها می رفتند بسیار کم بودند تا جایی که رقم با سوادان ایران قبل از رواج آموزش و پرورش جدید از دو درصد جمعیت ایران تجاوز نمی کرده است. هرچه مراحل تحصیل بالا تر می رفت از تعداد شاگردان و معلمان کاسته می شد. دولت هیچ دخالتی در مکتب خانه ها نداشت . زیرا با هزینه ی مردم و والدین اداره می شد. مکتب خانه ها برای عده ای از مردم بهانه ای فراهم می کرد تا به مدارس خارجی پناه ببرند. نوع آموزش مکتب خانه ها با اوضاع ایران و جهان رو به تحول هماهنگی نداشت. عده ی معدودی از دختران با توجه به طرز فکر والدین به مکتب خانه ها می رفتند. (صلاحی، ۱۳۸۲).

در مکتب تعلیمات رایگان نیست ولی شرایط چنان ساده و طبیعی است که بدون کسب مدرک رسمی و استفاده از مزایای قانونی و یا ضرورت جبری گذراندن این دوره برای شغل، تحصیل و یا موقعیت های خاص اجتماعی، هر خانواده ای، متعلق به هر طبقه یا گروه اجتماعی و اقتصادی - ولو محروم ترین طبقات - به آسانی می تواند کودکش را به مکتب بگذارد. والدین در پرداخت حق الزحمه ملا مجبور نیستند یک وجه ثابت معین را پرداخت کنند بلکه هر خانواده ای متناسب با امکانات خود می تواند پول، مال و یا تعهد عملی بدهد.

خصوصیات مکتب از نظر نظام و مواد آموزشی بدین صورت است:

**آزادی سنی:** هر چند قاعدتا، مکتب به گروه سنی اطفال ۶ تا ۱۰ سال تعلق دارد ولی این یک حد طبیعی است که آزادانه مشخص می شود و به صورت یک قید رسمی و قانونی و غیرقابل تغییر درنیامده است. آزادی سنی ، کودکان روستایی و حتی صحرائشین و دامدار را امکان می داد که بتوانند زندگی و تحصیل را با هم به سادگی تلفیق دهد و هر فرد متناسب با شرایط خانوادگی و شغل و سکونت و زندگی اقتصادی خانواده خودش بتواند وارد مکتب شود. مکتب سن عقلی را نگاه می کرد در حالی که نظام آموزشی مدرن سن شناسنامه ای را حساب می کند. این کار باعث هدر رفتن وقت استعداد های انسان های باهوش جامعه می شود. فلسفه مکتب با سواد شدن بود و بنابراین اصل، مکتب به کودک می گفت که: هر وقت توانستی تو را خواهیم پذیرفت زیرا برای باسواد شدن هیچوقت دیر نیست. هیچ عاملی، نوجوان را از باسواد شدن نمی تواند محروم کند.



**آزادی شروع:** نوآموز در هروقت از سال، هر فصل، هرماه و حتی هر روز که می‌توانست در مکتب را به روی خود باز می‌دید. این آزادی بسیار مهم بود زیرا در نظام بورژوازی کلاسیک خرده‌پا آن زمان کودک مددکار خانواده در امر تولید بود. دلیل دوم اینکه به دلیل شرایط متفاوت جغرافیایی و گرمسیر و سردسیر بودن نقاط مختلف کشور، این آزادی ورود اهمیت دوچندان پیدا می‌کرد.

**آزادی مدت تحصیل:** هر نوآموزی متناسب با شرایط خودش به خواندن دروس مبادرت می‌ورزید یعنی اگر نوآموز فردی باهوش بود دیگر منتظر باقی افراد نمی‌ماند تا آن‌ها خودشان را به او برسانند بلکه ملا خود به تدریس او می‌پرداخت و همین‌طور درباره‌ی نوآموزان تنبل نیز این امر صادق است و خلیفه به کمک آنان می‌شتافت.



**خلیفه:** وضع خاص پذیرش آزاد نوآموز و اختلاف سطح نوآموزان، تنوع درس‌ها، اختلاف سن معلم مکتب و نوآموز نیاز استاد به مکتب را افزایش می‌داد. بنابراین در اینجا خلیفه این خلا و فاصله بین استاد و نوآموز را پرمیکرد.

**درس‌ها:** محتوای دروس مکتب مبتنی بر فرهنگ ایرانی اسلامی بود یعنی دروسی مانند قرآن، اذان، نماز، طوفان البکاء، گلستان، دیوان حافظ، نصاب الصبیان آموزش داده می‌شدند.

چه بسا اگر همین نظام مکتب خانه ترمیم و بازسازی می‌شد می‌توانست با هزینه بسیار کمتر به مبارزه با بی‌سوادی بپردازد و حتی مبلغ فرهنگ ایرانی اسلامی نیز باشد.

### **ب) اعزام محصل به خارج از کشور**

مسئله‌ی اعزام محصل به خارج از کشور برای فراگیری علوم فنون و صنایع جدید و ترویج و توسعه‌ی آن در کشور و جامعه‌ی خود پس از بازگشت به ایران بود. این حرکت در سال ۱۲۲۶ هجری قمری شروع شد و سپس در سالهای بعد این روند ادامه پیدا کرد تا این که تعدادی از فارغ‌التحصیلان خارج از کشور به عنوان وزنه‌های علمی در ایران به فعالیت پرداختند. (صلاحی، ۱۳۸۲).

از آن جا که آموزش و پرورش ایران تا سال ۱۲۲۶ ه.ق جنبه‌ی سنتی داشت و دنباله‌ی شیوه‌های تربیتی قدیم محسوب می‌شد تحولات اجتماعی و سیاسی اقتصادی نظامی و فرهنگی رخ داد که در سایه‌ی این تحولات آموزش و پرورش روح تازه‌ای گرفت و فکر اعزام محصل به خارج از کشور مطرح شد و بر اثر شکست‌های ایران از روسیه این طرز فکر قوت گرفت تا از این طریق بتوان از تکنیک‌ها و شیوه‌های علمی و مدیریتی کشور‌های پیشرفته استفاده کرد (صلاحی، ۱۳۸۲، ص ۵۷).

در زمان ولایت‌عهدی عباس میرزا و صدرات میرزا بزرگ قائم مقام فراهانی این موضوع برای نخستین بار مورد توجه خاص دولت قرار گرفت. و برای نخستین مرتبه دو نفر را در سال ۱۲۲۶ ه.ق و ۵ نفر را در سال ۱۲۳۰ ه.ق به هزینه

ی خود برای تحصیل در علوم و فنون مختلف در زمینه ی پزشکی فنی و مهندسی علوم و ادبیات نقاشی و نظام به انگلستان فرستاد (صلاحی، ۱۳۸۲، ص ۵۷).

اوج اعزام محصلین به خارج از کشور در سال ۱۲۷۵ ه.ق بود .

گرچه اعزام محصلین به اروپا جهت ادامه تحصیل در آن مقطع تاریخی و با توجه به نیاز شدید کشور ایران به این گونه دانش ها در خور توجه است ولی متأسفانه از دانش آنان در هنگام بازگشت به ایران استفاده چندانی عاید مملکت نگشت و آنان اکثراً به کارهایی غیر از تخصص رشته ی تحصیلی خود گمارده شدند. زیرا تشکیلات سیاسی و اداری کشور پذیرای این جوانان نارس و تحصیل کرده اروپایی نبود و برای محصلین وسایل کار لازم و کافی فراهم نبود چرا که عده ای از این ها به کارخانه و کارگاه احتیاج داشتند.

با این وجود برخی دیگر از تحصیل کردگان خارج از کشور بعد از بازگشت کار های مثبتی برای این کشور انجام دادند. (صلاحی، ۱۳۸۲، ص ۶۱).

«از اولین جوانان اعزام شده به فرنگ تنها میرزا صالح شیرازی در تحولات فرهنگی و جریان سازی های سیاسی تاثیرات به سزایی به جا گذاشت او که از پیشکسوتان فراماسونری در ایران به شمار می آید با کمک دستگاه چاپی که به همراه خود آورده بود اولین روزنامه ایران (کاغذ اخبار) را منتشر کرد و از طریق آن به انتقال آموزه های مدنی و سیاسی غرب پرداخت . به هر صورت جریان پیوسته اعزام دانشجو علی رغم انگیزه های نظامی و صنعتی و حتی هنری مروجین اصلاح طلبش بیشتر از آن که به الیاح ارتش و تجدید صنعت و غنای اقتصادی و اجتماعی مردم منتهی گردد به اشاعه ی علم گرایی سطحی و ترویج اداب و رسوم و هنر مدرن غرب و انتقال باور های غیر دینی و (یا ضد دینی) آنان انجامید.

در طول این مدت ها دو عامل موجبات تفوق فرهنگ مدرنیته را بر فرهنگ سنتی ایران فراهم نمود:

الف) ضعف اعتقادی درباریان و دانشجویان اعزامی

ب) فقدان آگاهی وعدم شناخت کافی نسبت به ماهیت فرهنگ و تمدن غرب .

شاهد این مدعا آن است که اکثر سفرا دانشجویان و ایلچیان اعزامی پس از اندک زمانی به فکلی های خوش گذران تبدیل شدند. و یا از فرط حیرت و اشتیاق به فراماسونرها پیوستند. و یکسر به ستایشگری غرب و... پرداختند... نتیجه ی فوری و ماحصل عمده ی این مسافرت ها را می توان در چند جمله خلاصه کرد:

۱- آشنایی با ظواهر تمدنی جدید نظیر کارخانه ها، نیروی بخار، الکتریسیته، نظام صنعتی، مراکز تفریحی و هنری تجهیزات نظامی، راه های ارتباطی قانون و پارلمان زنان باسواد آزادی امنیت و پلیس مراکز پزشکی خدمات اجتماعی و مراکز تربیتی .



۲- ارائه ی تحلیل های سطحی از وقایع و مشاهدات بدون تامل و توجه عمیق به روابط درونی نهاد های اجتماعی و صنعتی و اقتصادی و علمی و اعتقادی جوامع غرب ،سیر تحولی ،پیامد ویا شناخت مبانی این تمدن و ارزیابی پیامد ها و مبانی آن.

۳- حیرت و شگفتی در برابر تمدن غرب و انزجار و تنفر نسبت به فرهنگ بومی و نهایتا ایمان به تقلید غیر نقاد از غرب در اصلاح و تغییر جامعه.

۴- تحلیل های کم مایه سطحی و غرض آلود نسبت به علل عقب ماندگی ایران و ایرانی.

در مورد اخیر معمولا مذهب اسلام و خط و زبان فارسی علت اصلی عقب ماندگی ایران تلقی می شد.

در میان سفرنامه های آن ها سفر نانه ی کاتب دربار است که از لحاظ تاریخ تعلیم و تربیت جدید اهمیت دارد این سفر نامه به گزارش سفر هیات اعزامی ایران به روسیه که پس از قتل گریبایدوف و به منظور عذر خواهی از دولت روس انجام شده می پردازد. این سفر به چند دلیل مهم است:

اولا این سفر در تشکیل طبقه ای از اصلاح طلبان اجتماعی که خواهان اصلاحات از طریق تعلیم و تربیت بودند. موثر افتاد.

ثانیا میرزا تقی خان فراهانی (امیر کبیر) که در این سفر حضور داشت و پیش از بازگشت به ایران و رسیدن به مقام صدارت بنیاد دارالفنون را بر پا کرد

ثالثا در این مسافرت نسبت به مسافرت های کارشناسی - سیاسی گذشته توجه بیشتری به مراکز تربیتی معطوف گشت.

رابعا در نگارش این سفرنامه نسبت به سفر نامه های دیگر دقت بیشتری به کار رفته است چرا که در آن از یک طرف انعکاس نوع تفکر و میزان درک سیاستمداران ایرانی از اوضاع تربیتی و سیاسی غرب و انگیزه های ایشان نمایان تراست. و از طرف دیگر مسائل تبلیغی در متن کتاب کمتر به چشم می آید.

او در توصیف و تحلیل علوم رایج در روسیه و دلیل رشد آن ها دو عامل تغییر مذهب و رویکرد به مسیحیت و نیز استخدام معلمان خارجی را از عوامل اساسی ترقی در این حوزه می داند. و بخش وسیعی از سفر نامه ی خود را به تحلیل کمیت و کیفیت مدارس روسیه اعم از مدارس خاصه ،مدارس عامه ،مواد درسی ،دوره آموزشی و..... اختصاص می دهد و به نقش مهم دولت در تعلیم و تربیت اشاره می کند. و اذعان می دارد که: ((اخراجات مدارس در همه ی ولایات روسیه با دولت است.))

بدین ترتیب کم کم و به طور حدی کارکرد های برجسته ی سیاسی -اقتصادی تعلیم و تربیت مورد توجه دربار ایران قرار می گیرد و به پتانسیل وسیع دستگاه تعلیم و تربیت برای هنجارمند کردن فرزندان رعیت پی می برند. واز آن



پس تلاش های جدی برای کوتاه کردن دست نهاد های دینی از تربیت جامعه و در اختیار گرفتن آموزش و پرورش شروع می گردد.

هر چند گله وشکایت از بی حاصلی جریان اعزام دانشجو به طور وسیعی در آثار و نوشته های آن دوران و در محاورات سیاسی کارگزاران دولت منعکس شده است. با وجود این مدافعان اصلاحات همیشه با استدلال و اصرار فراوان خواستار ادامه ی این راه بودند. و با مساعدت دولت و استقبال کشور های غربی نیز مواجه گشتند. این دسته از آمال و ارزوهای اصلاح طلبان در زمان صدارت امیر کبیر با تاسیس دارالفنون (مادر آموزش و پرورش جدید) و پس از آن با توسعه ی موسسات متعدد آموزش عالی و شکل گیری نهضت ترجمه تا حدودی تحقق یافت.» (علم الهدی، ۱۳۸۰)



## پ) پیدایش مدارس

### ۱- دارالفنون (۱۲۶۸ ه.ق)

#### مقدمات تاسیس دارالفنون:

رفت و آمد های هیات اروپایی تا قبل از دارالفنون سبب آشنایی سطحی ارتش ایران با فنون جدید و همچنین آگاهی اروپاییان از وضعیت نظامی صنایع راه ها و نیاز ها برای غارت کشور شد. (درانی، کمال، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰).

اندیشه ی امیر کبیر در طرح بنای دارالفنون به عنوان یک بنیاد فرهنگی نو از یک عامل سرچشمه نگرفته بود بلکه عامل آن را باید در مجموع آموخته های او از بازدیدی که از آکادمی و مدارس فنی مختلف روسیه به عمل آورده بود و تشریح وظایف دارالمعلم های اکثر کشور های غربی و گرایش محسوسی که در آن زمان نسبت به پیشرفت های فنی و علمی که در نتیجه ی استقرار یک نظام آموزشی پیشرو در ممالک غربی به ویژه در کشور های اروپایی پیداشده بود، جست و جو کرد. ( آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹).

فکر ایجاد تاسیس مدرسه دارالفنون در تهران پس از مسافرت امیر کبیر به روسیه و بازدید از مدارس فنی صنعتی و نظامی پیش آمد. وشاید یکی از دلایل ایجاد این مرکز آموزشی تاسیس دارالفنون استانبول به سال ۱۲۶۳ ه.ق بوده است. به هر حال فکر امیر کبیر تاسیس یک مرکز فنی صنعتی و نظامی بوده است. (صلاحی، ۱۳۸۲).

تصمیم امیر کبیر به تاسیس این مدرسه هم از نیاز های آموزشی داخلی ناشی می شد و هم از برداشت او از مزایای حاصل از نفرستادن دانشجویان به خارج و زمینه های فکری تاسیس دارالفنون که از مسافرت ها به دست آورده بود.

همزمان با شروع ساختمان دارالفنون امیر کبیر یکی از کارمندان وزارت خارجه به نام مسیوجان داود را برای استخدام شش نفر معلم متخصص به اتریش فرستاد. امیر کبیر با توجه به امکان دخالت معلمان روسی و انگلیسی در امور سیاسی ایران با استخدام معلم از این دو کشور مخالف بود. او می خواست معلمان را از کشوری انتخاب کند که در ایران به دنبال اهداف سیاسی دولت خود نبوده و با روس و انگلیس منافع مشترک نداشته باشند. (متولی حقیقی، دارالفنون دریچه ای نو به جهان معرفت).

امیر کبیر وسایل تاسیس دارالفنون را فراهم کرد ولی قبل از گشایش آن به قتل رسید. در سال ۱۲۶۸ ناصرالدین شاه با هفت نفر معلم اتریشی و چند مترجم و در حدود ۱۵۰ نفر محصل دارالفنون را افتتاح کرد در حالیکه امیر کبیر در کاشان زندانی بود. (الماسی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۳).



در همان سال های اولیه ی آغاز به کار دارالفنون بعضی از معلمان اتریشی به سبب بی اعتنایی ها و بدرفتاری های جانشین امیر کبیر یعنی میرزا آقاخان نوری که بعضا به تحریک کلنل شیل وزیر مختار انگلیس صورت می گرفت ترک خدمت کرده و جای آنان را معلمانی با ملیت ایتالیایی آلمانی فرانسوی و بلژیکی گرفتند. با فارغ التحصیل شدن شاگردان دارالفنون در دوره های مختلف برخی از آنان جای معلمین خود را گرفتند. ناصرالدین شاه که از نشر و نفوذ علوم و افکار جدید در ایران بیمناک بود و می ترسید مردم ایران و به ویژه جوانان با افکار آزادی خواهانه اروپائیان آشنا شوند و علیه دستگاه سلطنت بشورند با این شرط به دارالفنون اجازه ی فعالیت داده بود که تنها تعلیمات نظامی و علوم مربوط به آن در آنجا تدریس شود... جداسدن امور تعلیمات نظامی در سال ۱۲۷۵ ق از دارالفنون و سپرده شدن این وظیفه به مدرسه نظامی که بعدا در تهران تاسیس شد از اعتبار نظامی این مدرسه در نزد ناصرالدین شاه کاست. در سال ۱۳۳۷ ق رشته پزشکی از دارالفنون جدا و به صورت مدرسه ای مستقل در آمد. (متولی حقیقی، دارالفنون دریچه ای نو به جهان معرفت). که با گذشت زمان رشته های دیگری هم جدا شدند.

### آشنایی با دارالفنون

بعد از افتتاح این مدرسه به تمام حاکمان ولایات اعلام شد که اعیان زادگان را برای تحصیل در هفت رشته ۱- پیاده نظام ۲- توپخانه ۳- مهندسی نظام ۴- سواره نظام ۵- طب و جراحی ۶- معدن شناسی ۷- داروسازی به این مدرسه بفرستند که تعداد ۱۰۰ نفر از نجیب زادگان برای تحصیل در این مدرسه آماده شدند. این مدرسه طی ۱۲ دوره به مدت چهل سال با همان اصول نخستین دایر بود... غیر از دروس ارائه شده بعد ها دروس دیگری چون زبان های فرانسوی انگلیسی و روسی نقاشی موسیقی فیزیک شیمی گیاه شناسی بلورشناسی حساب هندسه جبر مثلثات و صنایع چاپ راه آهن تلفن و عکاسی تلگراف و برق نیز در برنامه های آموزشی وارد شد. ... در این مدرسه همه شاگردان با هر سن و سالی حق ورود داشتند. ولی به طور معمول در سن ۱۰ یا ۱۱ سالگی ومدت تحصیل ۶ تا ۷

سال بوده است. ساعت کار مدرسه از ۸ صبح تا ۳ بعد از ظهر بوده و به تعلیمات مذهبی بیشتر می پرداختند. و در تابستان هم چند ماه مدرسه تعطیل می شد... مدت تحصیل از ۹ ماه کمتر نبود و سالانه سه نوبت امتحان از شاگردان گرفته میشد و روش تدریس به دو صورت نظری و عملی بود.

در آغاز کار مدرسه وابسته به وزارت امور خارجه بود بعد از تشکیل وزارت علوم سرپرستی مدرسه برعهده این مدرسه قرار گرفت. (متولی حقیقی، دارالفنون دریچه ای نو به جهان معرفت).

تحصیل در مدرسه دارالفنون رایگان و با لباسهای متحدالشکل بود که از طرف دولت در دو نوبت (زمستانی - تابستانی) به آنان می داد. صبحانه و نهار به صورت مجانی بود و حقی از شاگردان گرفته نمی شد. و حتی کتاب های چاپ مدرسه را نیز رایگان در اختیار آنان می گذاشتند. و در صورت کسب نمرات عالی جوایزی نیز دریافت می کردند. و در زمان فارغ التحصیل شدن یک قطعه نشان افتخار به آن ها داده میشد.

زبان خارجی مورد تدریس در دارالفنون زبان فرانسوی بود با این که اکثر معلمان اولیه دارالفنون اتریشی بودند اما از آنجایی که مترجم زبان اتریشی در ایران وجود نداشت و از سوی دیگر چندین نفر ایرانی همچون ملکم خان محسن خان و میرزا جعفر و میرزا و میرزا آقا با زبان فرانسوی آشنایی داشتند. این زبان به رغم نظر نه چندان مساعد امیر کبیر نسبت به دولت فرانسه به عنوان زبان خارجی مورد استفاده در مدرسه برگزیده شد. این مدرسه به عنوان نخستین مدرسه متوسطه عالی جدید دولتی بیشتر جنبه ی نظامی داشت.

تنبیه در این مدرسه با نظر معلم و تایید مدیر و توسط فراشان مدرسه صورت می گرفت. متداول ترین تنبیه کشیک دادن بود که علامت توبیخ به شمار می رفت. در مرحله بعد تازیانه ای بود که بر پشت شاگرد می زدند و بالاخره چوب و فلک بود که بر کف پای شاگردان می زدند. این روش تنها تنبیهی بود که شاگردان از آن هراس فراوان داشتند. (همان).

**تأثیرات و پیامدهای دارالفنون:** دارالفنون اولین مدرسه جدیدی است که به دست دولت و از خزانه عمومی تاسیس گردید و از عوامل مهم تجدد و تحول محسوب می شد اکثر فارق التحصیلان این مدرسه به مقامات عالی رسیدند و در حدود توانایی خود و مقتضیات عصر خدماتی در راه تحول مملکت به منصف ظهور رساندند. برای تدریس در این مدرسه معلمانی از کشورهای اروپایی استخدام شدند مدت تحصیل در دارالفنون نخست هفت سال بود سپس به چهار سال کاهش یافت. در این مدرسه تجهیزاتی از قبیل آزمایشگاه چاپخانه کتابخانه در خدمت آموزش قرار داشت. ناصر الدین شاه در آغاز کار علاقه زیادی به پیشرفت کار مدرسه نشان می داد. اما سیاسی شدن آموزش و شیوع افکار آزادی خواهانه در دارالفنون این مدرسه را از چشم ناصرالدین شاه انداخت (همان).



ولی هدف عالی امیر کبیر از تاسیس دارالفنون دستخوش انحراف فراوانی شد علی رغم رقابت کشور های اروپایی برای اعزام معلم و کارشناس دامنه ی صنعت و علم گسترش نیافت و دانش نظامی طب زبان نقاشی و هنر در سطح بسیار محدودی به ایران انتقال یافت در عوض ارزش های فرهنگ غرب به جای تکنولوژی از طریق دارالفنون با سرعت در میان عامه مردم گسترده گشت و غرب گرایی از دولت مردان به عامه مردم سرایت کرد. در این زمینه نقش دارالفنون به اندازه ای اهمیت داشت که می توان تاسیس دارالفنون را سرآغاز عمده ی گسستن تعلیم و تربیت ایران از تاریخ گذشته ی خود و پیوستن آن به تاریخ تمدن غرب دانست. (علم الهدی، ۱۳۸۰).



با این که تعلیمات دارالفنون در مقام مقایسه با آموزش های مدارس اروپایی نبود کیفیت چندانی نداشت ولی چون در محیط آن روزگار ایران که تاحد زیادی دارای خلاء فکری بود بازتاب گسترده ای در ایران داشت.

۴۰

یکی از بزرگترین موانع آموزشی فراروی دارالفنون از آنجا ناشی می شد که دارالفنون موسسات پشتیبانی دیگری در سطح ابتدایی یا متوسطه نداشت که دانش آموزان را برای ورود به دارالفنون آماده کند. (سرکارانی، ۱۳۸۲).  
فارغ التحصیلان آن اکثرا از خانواده های مرفه و دولت مردان بودند.

پیامده های سه گانه اجتماعی و تربیتی دارالفنون: (علم الهدی، ۱۳۸۰).

۱- نهضت ترجمه و در پی آن تغییرات بنیادین زبان فارسی در گویش و نگارش

یکی از اقداماتی که معلمان و مترجمان و فارغ التحصیلان در دارالفنون انجام دادند. ترجمه و تالیف تعدادی از کتاب های درسی و مباحث علمی و رشته های محققان و دانشمندان پر آوازه آن زمان بود. که دیدگاه دانش دوستان را به جهان علوم جدید گشود. و در گسترش فرهنگ غرب و تمدن اروپا نقش داشت.

۲- تاسیس و توسعه ی مدارس جدید

دولت برای اولین بار مسئولیت مستقیم تاسیس و گسترش مدارس جدید را بر عهده گرفت. و در برنامه های آموزشی و کیفیت فعالیت مدارس مداخله کرد.

دارالفنون نخستین موسسه آموزشی به سبک اروپایی در ایران بود که دولت بنیان گذارش بود لذا گشایش آن دولت را در مقام آغازگر اصلاحات و مروج آموزش به سبک اروپایی در ایران قرار داد. عده ای از فارغ التحصیلان آن توانستند در جهت هدایت برخی از تحولات فرهنگی و تربیتی آن زمان که منجر به پیدایش مدارس ابتدایی و متوسطه با برنامه های آموزشی جدید و اقتباس شده از مراکز آموزشی اروپا بود، کار کنند.

۳- پیدایش نسل تازه ای از منور الفکران و گسترش مدنیت سکولار و تجدد فکر دینی

فارغ التحصیلان دارالفنون پایه طبقه اجتماعی را رختند که بعد ها تحت عنوان روشنفکران شناخته شدند (سرکارانی، ۱۳۸۲)



پیوند دارالفنون با آموزش و فرهنگ غربی به حوزه ی عقاید سیاسی اروپایی نمایانگر اصلاحات در ایران بود.

میرزا ملکم خان معلم و مترجم دارالفنون با ترویج افکار فراماسونی و تبلیغ اندیشه های جمهوری خواهی در سیاسی کردن آموزش نقش اساسی داشت. ترس از رسوخ این افکار در ذهن دانش آموزان تا آن اندازه در نزد ناصر الدین شاه زیاد بود که وی یک دهه بعد از تاسیس مدرسه اسم آن را با تنفر و انزجار می شنید . وی به همین دلیل به مخبر الدوله دستور داده بود تا مانع از خواندن کتاب هایی چون انقلاب کبیر فرانسه توسط دانش آموزان شود. تحت تاثیر این گونه برخورد های ناصر الدین شاه دارالفنون به صورت محوطه ای در آمده بود که مشتی شاهزاده و خان زاده و آقا زاده در آن جمع شده بودند تا از طریق درس خواندن در آینده نوکر باسوادی برای شاه باشند. ونه متخصصانی که نیاز های فنی و علمی کشور را برآورده سازند. ندادن کار مناسب به فارغ التحصیلان نیز از دیگر دلایل تنزل دارالفنون بود . در آن دوره به بسیاری از فارغ التحصیلان کاری متناسب با تخصصشان رجوع نشد . مثلا عبدالرسول خان اصفهانی بهترین شاگرد ریاضی مدرسه به حکومت ملایر و تویسرکان رسید ومیرزا محمود منجم در تلگراف خانه استخدام گردید. بدین گونه با تحریف هدف امیر کبیر به جای تربیت اهل علم کارخانه نوکرسازی ایجاد کردند. (متولی حقیقی، دارالفنون دریچه ای نو به جهان معرفت).



نام مدرسه	قمری	شمسی	نام موسس	دخترانه	پسرانه	ماهیت	شهر
دارالفنون	۱۲۶۶-۱۲۶۸		امیر کبیر		*		تهران
مدرسه مشیریه	۱۲۹۰		میرزا حسین خان سپهسالار		*	تدریس زبان خارجه	تهران
مدرسه مظفری	۱۲۹۳		میرزا جواد خان		*		تهربز
دارالمعلمین مرکزی	۱۲۹۷		ابوالحسن خان فروغی		*	تربیت معلم مرد	تهران
مدرسه لقمانیه	۱۳۱۲		لقمان الملک		*		تهربز
رشدیه	۱۳۱۵		میرزا حسن رشدیه		*		تهران
شرف، مظفریه، افتتاحیه، سادات، علمیه، ابتدائی، ه، اسلام، اقدسیه، تربیت کمال	۱۳۱۶						

علوم سیاسی	۱۳۱۷	۱۲۷۸	مشیر الدوله	*	تدریس علوم سیاسی و زبان خارجه-این مدرسه یکی از ادارات تابع وزارت خارجه است	تهران
دانش ادب شرافت						
مدرسه عالی فلاحت ناصری	۱۳۱۹		میرزا حسین خان علا		وابسته به وزارت کشاورزی	تهران
دارالمعلمات	۱۳۲۳		میرزا احمد خان بدر	*	تربیت معلم زن	تهران
مدرسه صنایع مستظرفه	۱۳۲۹	۱۲۸۹	کمال الملک غفاری	*	دانشکده کشاورزی کنونی	تهران
عالی حقوق		۱۲۹۸	مشیر الدوله	*	تابع وزارت عدلیه	
عالی حقوق و علوم سیاسی		۱۳۰۵	محمد تدین	*	ادغام دو مدرسه زیر نظر وزارت معارف	
مدارس اقلیت های مذهبی	ارمنی، یهودی، زرتشتیان					
مدارس خارجی	مدارس امریکایی، مدارس فرانسوی، مدارس المانی، مدارس انگلیسی، مدارس روسی، مدارس عثمانی					
	۱۲۵۴-۱۳۴۰ ه.ق					

۲-مدارس خارجی: یکی از پیامد های حضور کشور های اروپایی در جهان سوم توسعه ی آموزش و پرورش جدید بود. این مساله دو علت داشت:



اول این که مدارس جدید به قول مارتین کارنوی حافظ ساختار سرمایه داری به حساب می آمدند و در ثانی وجود مدارس می توانست توجیه گر حضور استعمارگران و مبین ضرورت پیوستن به قافله ی استعمارزدگان باشد. فوری ترین کارکردهای استعماری مدارس جدید عبارت بود از : حذف و تلخیص فرهنگ و تاریخ بومی متناسب با نگرش استعمارگران، ایجاد اشتیاق نسبت به مظاهر فرهنگ و تمدن غرب، تحقیر آداب و رسوم زبان عمومی و شیوه ی زندگی ملی ایجاد احساس ضرورت نسبت به کسب دانش، تقلید از الگوهای غرب احساس تردید درباره ی توانمندی های خودی نظارت بر تغییرات اجتماعی کنترل نظم اجتماعی و در نهایت پرورش نیروی کار منضبط و...

البته منظور این نیست که تمامی موسسان مدارس جدید چنین انگیزه ها و نیت هایی را دنبال می کردند اما از این مساله نیز نباید غافل شد که نظام قدرتمند سرمایه داری برای پیشبرد مقاصد خویش از طریق فرهنگ سازی وضع قوانین و ایجاد انقلاب های اجتماعی جریان گسترش آموزش و پرورش جدید را مدد می رسانده است. در واقع هدف آن ها از ایجاد آموزش و پرورش جدید انتقال ایده ها و ارزش های نو از جوامع صنعتی به جوامع سنتی است و نه خدمت بی چشم داشت به جوامع غیر پیشرفته (علم الهدی، ۱۳۸۰).

اقدامات اروپاییان به منظور تغییر و تحول اساسی نظام آموزشی و تبلیغ فرهنگ جدید اروپایی مبتنی بر این پیش داوری است که جهان سوم یا کشور های غیر اروپایی بی تربیت هستند و در طول تاریخ خود فاقد نظام تعلیماتی قابل ملاحظه ای بوده اند. در حقیقت از طریق استاندارد های آموزش جهانی یا به کمک داعیه های سیاسی اصلاح طلبان تجددگرایان احزاب سیاسی و گروه های اجتماعی و یا فضاهای انتخاباتی اروپا کنترل و هدایت آموزش و پرورش بین المللی را در اختیار می گیرد و رسالت فرهنگی استعمار را که غیر قابل انکار و غماض است به انجام می رساند. از این رو اعمالی از قبیل جعل تاریخ از نو نوشتن قانون دوران زدودن خاطرات، به فراموشی سپردن مذهب مطرح می گردد. انجام این امور از سه طریق امکان پذیر است:

اول: زبان، دوم، تلقین ارزشها و هنجار های مستعمران و سوم انفکاک تربیت دینی از نظام تربیت رسمی . مسئولیت انتقال ارزشهای استعمارگران از طریق آموزش و پرورش به مستعمرات یا مستعمرات تازه استقلال یافته برعهده ی هیئت های مذهبی، گروه های کارشناسی و طبقه ی تجددگرای هر جامعه است. به همین علت زبان فرهنگ پذیرفته شده برنامه ی درسی معلمان و موسسان مدارس جدید و حتی گاه ملیت آن ها از همان کشور های استعمارگر انتخاب می شوند (همان).

از نظر مکانی این مدارس بیشتر در شهر هایی ایجاد شد که از جهاتی مورد توجه مبلغان خارجی بود. از جمله ارومیه که راه ارتباطی ایران به عثمانی و روسیه بود. ضمن این که اکثریت مردم آنجا را اقلیت های مذهبی تشکیل می دادند. لذا مبلغان خارجی به راحتی در این شهر به فعالیت پردازند. از دیگر شهر هایی که مبلغان مذهبی در آن فعالیت می



کردند تبریز بود که در آن عصر بیش از شهرهای دیگر مدنظر حکام قاجار قرار داشت و ولیعهد تقریباً همیشه در آن سکونت داشت. از این رو مبلغان برای نزدیک شدن به حکام ایرانی مجبور به فعالیت های مذهبی و ظاهراً آموزشی به شهر تبریز روی آوردند. که اوج فعالیت آنان در تبریز در دوران انقلاب مشروطه بود. تهران سومین شهری بود که مورد توجه مبلغان خارجی قرار گرفت به دلیل این که در مرحله ی اول پایتخت ایران محسوب می شد و در وهله ی دوم مرکز اقامت نمایندگان کشور های دیگر جهان بود. چهارمین شهر اصفهان بود به دلیل داشتن مسیحیان زیاد و محله بزرگی که آرامنه نشین بود. (صلاحی، ۱۳۸۲، ص ۹).

### ۳-مدارس ایرانی جدید

علاوه بر تاسیس مدارس توسط اتباع خارجی طبق ی روشنفکر ایرانی نیز به دنبال تاسیس دارالفنون به تاسیس مدارس پرداختند. نمونه ی آن مدارس رشدیه بود.

#### مدارس رشدیه (۱۳۱۵ق.ه)

مدرسه از ابتدا این گونه نبوده است و نمی توان به دلیل مشکلاتی که اینک مدرسه گرفتار آن است نفس وجود آن را مورد تردید قرار داد. مدرسه با تمام نقدی که به ماهیت تقلیدی آن وارد است اما فضایی را برای آموزش و یادگیری باز کرد که پیش از آن در مکتب فراهم نشد. دارالفنون نه یک مدرسه بلکه نهادی شبیه دانشگاه بود. مدرسه چهل سال پس از دارالفنون و مستقل از آن متولد شد مدرسه احساس نیاز و اراده ی عمومی تری را طلب می کرد زیرا مدرسه نهادی عمومی است. احساس نیاز به خروج از تاریکی جهل و خروج از عقب ماندگی بیش از پیش بروز کرد. در آن شرایط مکتب دیگر نمی توانست پاسخگوی این مطالبه باشد و مدرسه به عنوان مهمترین پاسخ به این نیاز شناخته شد. مدرسه مولود سخت جانی بود که هر چند بارها خواستند مانع تولد و بالیدنش شوند اما به دنیا آمد رشد کرد و تکثیر شد و تمام این ها به همت یک معلم انجام شد: «میرزا حسن رشدیه» (ایروانی، سرگذشت مدرسه)

میرزا حسن طلبه ای تبریزی بوده که در کودکی در مکتب درس خوانده و خود دستیار ملای مکتب شده بود. قصد تحصیل در نجف را داشت تحت تاثیر روزنامه اختر و آشنایی با مدارس جدید بیروت و سبک تدریس آنها اولین کسی بود که تصمیم گرفت مدرسه ای به سبک اروپایی تاسیس کند.

حاج میرزا حسن رشدیه. در سال ۱۲۹۸ ق.ه در بیروت وارد دارالمعلمین شد و دو سال به تحصیل اصول تعلیم و تربیت پرداخت و چون خود در این اصول صاحب نظر یافت در اندیشه تاسیس مدرسه افتاد. در سال ۱۳۰۰ ق.ه بیروت را به قصد ایران ترک کرد و چون شرایط ایران را برای تاسیس مدرسه مناسب ندید به ایروان رفت و اولین



مدرسه ی رشدیه را تاسیس کرد . این مدرسه چهار سال دایر بود . پس از مراجعت به ایران چندین مرتبه این مدرسه را در تبریز بنا کرد و لی به عناوین مختلف از هم پاشید. (صلاحی، ۱۳۸۲).

به این ترتیب مدرسه با سماجت و اصرار پس از هشت بار غارت، تخریب و تعطیلی، یک بار انفجار ارکان ساختمان، کشته شدن یک کودک، یک بار شکستن دست رشدیه در اثر ضربه ی چخماق و شش بار فرار به مشهد و مهمتر از همه ایستادگی و مقاومت میرزا حسن رشدیه به دنیا آمد و جان گرفت و این گونه مدرسه متولد شد (ایروانی، سرگذشت مدرسه).



میرزا حسن رشدیه نخستین مولف کتابهای درسی ابتدایی در ایران است از او ۲۷ کتاب چاپ شده موجودند که عبارتند از:

۴۵

هدایه التعلیم: این کتاب را برای نوآموزان سال اول ابتدایی در سه جلد نوشته است. جلد اول برای دو ماه اول جلد دوم و سوم برای پنج ماه آخر

نهایه التعلیم: جلد اول درس فارسی و جلد دوم شامل مطالب علمی

کفایه التعلیم: برای آموزش املا ی فارسی

هدایه التعلیم: برای تربیت معلم

اخلاق: برای شش کلاس دبستان

رشدیه این کتاب ها را با هزینه ی خود چاپ می کرد و در اختیار دانش آموزان قرار می داد. جالب است بدانیم که رشدیه برای اداره مدرسه ، نظام نامه ای نوشته که شامل چهل و یک فصل است و هر فصل به یک موضوع اختصاص دارد. مثلا در تکالیف مدیران مدارس ابتدایی می نویسد:

-مدیر مدرسه در قبول متعلم اگر فقط شهریه را منظور بدارد بسی ظلم کرده است.

-مدیر باید شهریه را محض استقلال تعلیم و تربیت اخذ نماید . زیرا که مطالبات اجرت برای تعلیم حرام است (معتمدی، ۱۳۸۲).

رشدیه در جریان آموزش در بیروت از فرانسویان روش آموزش الفبا را آموخت و سپس در مسیر بازگشت به ایران در عثمانی سازمان مدارس آن ها را دید و به خاطر سپرد. لذا، مدرسه رشدیه دو تفاوت مهم با مکتب داشت: یکی تغییر در روش آموزش الفبا و دیگری سازمان مدرسه که شامل چند کلاس (به دلیل کثرت دانش آموزان)، استفاده از میز و نیمکت و تخته سیاه برای نوشتن و زنگ برای اعلام آغاز و پایان ساعات کلاس ها بود و برای اینکه در معرض اتهام قرار نگیرد، در ابتدا سازمان مدرسه شبیه مکتب بود و فقط با روشی متفاوت الفبا را آموزش می داد، اما در محتوای آموزش،

مدرسه رشدیه با برنامه های درسی مکتب چندان تمایزی نداشت از این رو، مهمترین وجه تمایز، روش آموزش بود که رشدیه آن را تقلید کرد. مدارس دیگری که به سبک رشدیه تاسیس شدند، همین قالب را داشتند (ایروانی، ۱۳۹۳).

در زمان صدارت امین الدوله این مدارس مورد حمایت قرار گرفت. او با تاسیس انجمن معارف در سال ۱۲۷۷ ه.ش مقدمات راه اندازی مدرسه اشرف، سادات، خیریه، افتتاحیه، قدسیه و مظفریه تربیت و... فراهم نمود و از آن ها حمایت کرد. یحیی دولت آبادی مدرسه ی سادات را بنا نهاد. او در «حیات یحیی» دیدگاه خود را در مورد آموزش و پرورش جدید بیان کرده است:



« متولیان آموزش و پرورش نوین پا جای مارتین لوتر می گذاشتند که آموزش همگانی تحت نظارت دولت را در آغاز عصر رنسانس برای رهایی از حاکمیت دین مسیح و کلیسا مطرح کرد. اینان نیز بدبختی ملت ایران را در اعتقادات عمیق به احکام متعالی اسلام می دانستند. و آن شاهراه هدایتی که با ولادت طفل نوزاد معارف خط سیر هیجان عقلانی ملت در آن می افتاد لازمه اش رها شدن از دین بود.»

به طور کلی بیشتر موسسان ایرانی الاصل مدارس جدید تنها به انگیزه ی خیر خواهی و با حسن نیت کامل برای اصلاح عقب ماندگی جهل و غفلت ایران وارد این میدان شدند و به جز معدود برجستگان جریانات اصلاح طلبی و روشن فکری که توانسته بودند به نحوی از نیات غرب مطلع شوند.

از سال ۱۲۹۰ ه.ش جریان افتتاح مدارس دخترانه نیز رشد چشمگیری کرد. در فاصله ی ۱۲۹۲ ه.ش تا ۱۳۱۳ ه.ش مدارس عالی فراوانی نظیر مدرسه عالی زبانهای خارجی تهران مدرسه عالی تبریز مدرسه عالی طب دارالمعلمین و دارالمعلمات مدرسه عالی فلاح و... گسترش یافت. پس از تاسیس مدارس جدید به تدریج تالیف کتاب های درسی مدارس متوسطه آغاز شد. از افراد آگاهی که در نوشتن کتاب های درسی پیش قدم بوده است میرزا محمد علی خان ذکاء الملک فروغی بوده است که نخستین کتاب فیزیک را برای دوره دبیرستان نوشته است (معمدی، ۱۳۸۲).

### چ) نهضت ترجمه

نهضت دوم ترجمه با تاسیس دارالفنون و تشکیل هیات مترجمان که مرکب بود از اتباع خارجی مستخدم دولت ایرانیان مسیحی و فارغ التحصیلان ایرانی خارج از کشور آغاز شد. و با تاسیس مطبعه دولتی در دارالفنون گسترش یافت. البته میان این نهضت ترجمه با نهضت ترجمه اول (دوره خلفای عباسی) دو تفاوت عمده قابل ذکر است :

اول این که در نهضت ترجمه نخست احساس مشترک یا برداشت عمومی مترجمان، مخاطبان و خوانندگان متون ترجمه ای، متفاوت از احساس مشترک متولیان نهضت ترجمه دوم بود. ثانیاً موضع مترجمان نهضت ترجمه ی نخست در قبال زبان های بیگانه و زبان عربی با موضع مترجمان نهضت اخیر تفاوت داشت.

نهضت ترجمه ی اول در یک دوره ی استغنائی سیاسی و اقتصادی کشور های اسلامی به وقوع پیوست و مسبوق به این حس مشترک بود که فرهنگ و تمدن ملی - اسلامی خودی در اوج برتری و نوآوری است... از این رو مترجمان دوره ی اول خواستار روابط حداقل پایا پای فرهنگی در جریان ترجمه بودند و موضع آنان در برابر زبان ملی - دینی (فارسی و عربی) موضع پایبندی و حراست بود... ولی در نهضت ترجمه دوم که مقارن بود با دوران ضعف و زبونی سیاسی - اقتصادی و نظامی ایران حس مشترک گواهی می داد که فرهنگ و تمدن غربی در سیر و سلوک تکاملی به اوج آسمان ترقی دست یازیده و در گفت و گوی تمدن ها حریف قدرتمند و بی رحمی است... این حس مشترک مبنای واقعی داشت و مبتنی بر فاصله ی نسبتاً دراز میان مدنیت صنعت و دانش ایران و اروپا بود. اما علاوه بر بستن باب هرگونه نقد و تردید بر روی خوانندگان آثار اروپایی حتی حق ارزش گذاری اولویت بندی و گزینش آثار را نیز از مترجمان یا متولیان ترجمه سلب می نمود و آن ها را وادار می کرد. (علم الهدی، ۱۳۸۰).



❖ ۱۳۲۴ ه.ق: نهضت مشروطه: عوامل تاسیس مشروطه بدین قرار است :

۱- نارضایتی مردم ۲- بسط افکار آزادی خواهانه ۳- شکست روسیه به دست ژاپن ۴- تاسیس مجلس نمایندگان در روسیه باعث فرمان مشروطیت در سال ۱۳۲۴ شد. به موجب فرمان مذکور مجلس شورای ملی تشکیل شد و ۵ ماه بعد قانون اساسی به امضای شاه رسید. (الماسی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲)

پیشگامان نهضت مشروطه: محمود خان احتشام السلطنه، میرزا حسین خان سپهسالار میرزا حسن رشیدی و یحیی دولت آبادی، محمد حسن خان اعتماد السلطنه و....

❖ ۱۳۲۸ ه.ق تاسیس وزارت معارف

❖ ۱۳۲۹ ه.ق (۱۲۹۰ شمسی) قانون اساسی معارف / اجباری شدن تعلیمات ابتدایی

قانون اساسی معارف که از جامع ترین قوانین آموزش و پرورش کشور در دوره مشروطیت به شمار می رفت مشتمل بر ۲۸ ماده بود. با توجه به این که این قانون در تحولات آموزش و پرورش نقش داشته است برخی از مواد آن را اشاره می کنیم:

ماده ۱: مکتب و مدرسه عبارت است از تأسیساتی که برای تربیت اخلاقی و علمی و بدنی ابناء نوع دائر می گردد.

ماده ۲: پروگرام مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین می گردد.

ماده ۳: تعلیمات ابتداییه برای عموم ایرانیان اجباری است.

ماده ۴: طریق تحصیل آزاد است لیکن هر کس باید آن اندازه از معلوماتی را که دولت برای درجه ابتدایی معین نموده تحصیل کند.

ماده ۵: هر کس مکلف است اطفال خود را از سن هفت به تحصیل معلومات ابتدائیه وادارد اعم از این که در خانه باشد یا در مدرسه.

ماده ۶: در صورت لزوم طبی یا وجود مانع با اطلاع مأمورین معارف تأخیر شروع در ارسال طفل به مکتب جایز است.

ماده ۷: ملل غیر اسلامی در مدارس دولتی حق تقاضای تحصیل مذهب خودشان را ندارند مجبور به تحصیل شرعیات اسلامی نیز نخواهند بود.

ماده ۸: مکاتب و مدارس بر دو قسمت است رسمی و غیر رسمی:

رسمی آن است که از طرف دولت دایر شده باشد - غیر رسمی آن است که بانی مخصوص داشته باشد.

ماده ۹: هر کس مدرسه غیر رسمی افتتاح کند باید به اطلاع دولت برساند.

ماده ۱۱: هر کس در هر جا تحصیل کرده باشد تا در مقام امتحان رسمی بر نیامده است در مدارس رسمی دولتی پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۱۲: مفتشین دولتی در کل مدارس و مکاتب رسمی و غیر رسمی حق ورود و تفتیش دارند و هیچ مدیری در هیچ موقعی حق مخالف ندارد.

ماده ۱۳: مدرسی که از اموال اوقاف دایر است نیز از حیث امور اخلاقی و حفظ صحتی و ترتیب تعلیمات و

امتحانات و غیرها تا اندازه که با غرضواقف موافقت کند در تحت نظارت وزارت معارف است.

ماده ۱۴: وزارت معارف باید تدریس کتبی را که مضر به اخلاق و دین محصلین است ممنوع نماید و کتبی که از طرف وزارت معارف ممنوع شده باشد در هیچ مدرسه نباید تدریس بشود.

ماده ۱۵: مدارس و مکاتب بر چهار نوع است:

۱- مکاتب ابتدایی دهکده. ۲- مکاتب ابتدایی بلدی. ۳- مدارس متوسطه. ۴- مدارس عالییه.

ماده ۱۸: وزارت معارف ترتیب درجات و مراتب تحصیلیه را معین نموده برای هر کدام امتحانات و تصدیقنامهها برقرار خواهد نمود که دخول در خدمات دولتی موقوف به داشتن آن تصدیقنامهها خواهد بود.

ماده ۱۹: در هر ده و در هر محله از قصابات یکی مکتب ابتدایی دهکده دایر می شود.

ماده ۲۰: در شهرها بر حسب عده نفوس و حاجت اهالی و کفایت مالیه محلیه یک یا چندین مدرسه ابتدایی و متوسطه دایر خواهد شد.

ماده ۲۱: مدارس عالییه در تهران و در مراکز عمده دایر خواهد شد.

ماده ۲۲: مخارج مدارس ابتداییه در قصابات و بلاد به عهده دولت و مخارج آنها از محل مالیاتی که در هر محل به موجب قانون برقرار می شود پرداخته خواهد شد.





ماده ۲۳: مخارج مکاتب دهکده نیز بر عهده دولت و به موجب قانون از مالکین دهکده واهالی دریافت خواهد شد.

ماده ۲۴: مخارج مدارس غیر مجانی دولتی از محل حق‌التعلیمی است که از شاگردان اخذ می‌شود و چنانچه کسری داشته باشد بر عهده دولت است.

ماده ۲۵: مکاتب و مدارس مجانی که به خرج دولت اداره می‌شود فقط برای تمتع اطفال فقرا و اشخاصی است که رسماً عدم بضاعت آنها از طرف مأمورین رسمی محلی تصدیق شده باشد.

ماده ۲۷: قبول محصلین بی‌بضاعت در مدارس متوسطه و عالی به طور مجانی به موجب قانون مخصوص خواهد بود.

ماده ۲۸: مجازات بدنی در مکاتب و مدارس ممنوع است.



## دار المعلمین مرکزی

۴۹

تازمان تاسیس دار المعلمین و دار المعلمات، معلمان مکتب خانه‌ها و مدارس در مراکزی که اختصاص به تربیت معلم داشت، تربیت نمی‌شدند. معلمان مدارس اغلب از میان طلاب کوشا و با استعدادی انتخاب می‌شدند که در جلسات استاد با سوال و جواب لیاقت خود را نشان می‌دادند از آجا که استادان در جریان پیشرفت شاگردان خود بودند اجازه‌ای نیز به آنان اعطا می‌کردند. این اجازه نام را که در واقع دانشنامه و گواهینامه‌ی معلمی بود استاد هر حوزه م‌ی درسی به خط خود می‌نوشت.

❖ در سال ۱۲۹۰ به منظور بالا بردن سطح سواد معلمان تهران کلاس‌های مخصوص در مدرسه دار الفنون

تشکیل شد که علاوه بر تدریس علوم و ادبیات درس دیگری با عنوان اصول تعلیم برای آشنایی معلمان با اصول اولیه تربیت اطفال مطرح شد. سال ۱۲۹۰ به موجب قانون اولین بار اعزام سی نفر برای تحصیل در خارج از کشور موافقت شد که ۱۵ نفر آن‌ها برای تحصیل در رشته‌ی تعلیم و تربیت و اشتغال در سمت معلمی در نظر گرفت شدند. (صافی، ۱۳۹۳).

❖ سال ۱۲۹۸ ه.ق دولت برای نخستین بار دارالمعلمین مرکزی را برای تربیت و تامین معلمان ابتدایی

و متوسطه تاسیس کرد. محل دار المعلمین که ریاست آن را میرزا ابوالحسن خان فروغی و نظامت آن را میرزا اسماعیل خان مرآت برعهده داشتند ابتدا در خیابان نادری و سپس در عمارت شرکت فرهنگ واقع در تخت زمرد بود. دارالمعلمین مرکزی دو شعبه‌ی ابتدایی و عالی داشت. دوره تحصیل در شعبه ابتدایی سه سال و شرط ورود به آن داشتن گواهینامه شش ساله ابتدایی بود. در ماده اول نظام نامه‌ی دارالمعلمین مرکزی آمده است:

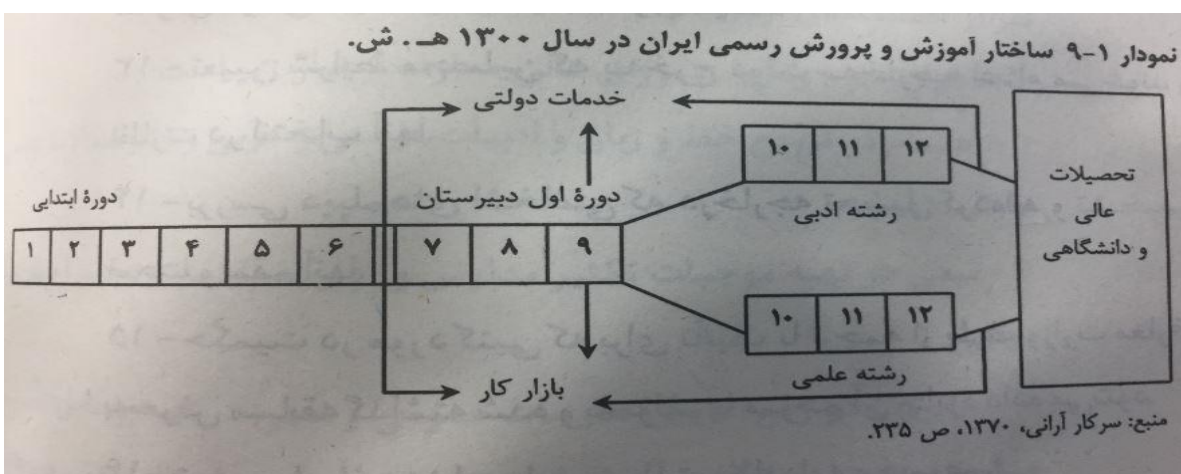
دارالمعلمین مرکزی مدرسه ای است دولتی و مجانی تحت اداره ی وزارت معارف که برای تعلیمات ابتداییه و حد معینی از تعلیمات متوسطه تربیت معلم می کند. وبا این نظر منقسم به دو شعبه می شود یکی شعبه ابتدایی و دیگری شعبه عالی . مدت تحصیل در شعبه عالی ۴ سال تعیین شده بود. (صافی، ۱۳۹۳).

### ❖ ۱۳۴۰ ه.ق (۱۳۰۰ ش) تاسیس شورای عالی معارف / توسعه مدارس

مطابق این قانون کلیه امور مدارس شامل سازمان برنامه امتحانات، استخدام معلمان مدت زمان آموزش در سطح کشور یکسان شد و مولفان ملزم شدند که کتاب های درسی را مطابق برنامه ای که از طرف وزارت معارف به آنها ابلاغ می شد، تألیف نمایند. در همین برنامه بود که آموزش علوم در ایران از دوره ابتدایی آغاز شد و کتاب هایی نیز برای آموزش علوم نیز نوشته شد (معمدی، ۱۳۸۲).



۵۰



❖ ۱۳۰۳ شمسی

تاسیس باغچه اطفال توسط جبار باغچه بان در تبریز

### بررسی و تحلیل دوران قاجار:

در دوران قاجار مدارس دولتی هویت پیدا می کند که مبنای اقتصادی و امنیتی و سیاسی آن پررنگ تر فرهنگ غرب تاثیر گذار و محتوای برنامه ها به گونه ای می شود که دولت جهت تحصیل علوم آن روز دانشجو به خارج اعزام می کند و به علوم تجربی روی می آورد تا از آن طریق بتواند در آینده سطح تولید در ابزار دفاعی کشور را به لحاظ امنیتی اقتصادی و سیاسی به حد مطمئنی برساند البته در کنار این مدارس حوزه های علوم دینی نیز فعال بودند و عالمان دینی در ایجاد و اداره این مدارس با دولتمردان اختلاف نظر دارند. در این دوره ما شاهد تخلیه فرهنگی ایران و جایگزینی فرهنگ غرب هستیم.

امیر کبیر و رشديه نهاد آموزشی جدیدی بنیان نهادند. این دو نهاد در کشور ما در تناظر با نهادهایی با سابقه طولانی بودند. مدارس علوم دینی و مکتبها، نهادهای سنتی آموزشی ایران بودند، اما اقدامی برای ایجاد تحول در این نهادها نشد، بلکه نهادهای جدیدی به تقلید از جوامع دیگر و به موازات آن ها شکل گرفت. بنابراین، ایجاد نهادهای جدید بر اساس تقلید، جایگزین تحول نهاد آموزشی بومی شد. (ایروانی، ۱۳۹۳)

جریان روشن فکری از نهاد مدرسه به عنوان یک پایگاه علیه حکومت استفاده کرد و روزنامه ها و شب نامه ها در مدرسه ها تهیه و منتشر می شدند جریانی که چون به غرب به عنوان الگوی جامع و مطلوب می نگرد، می تواند زمینه ساز تقلید همه جانبه در عرصه آموزش شود و تقلید همه جانبه البته رویکرد اصلاح گران اولیه عرصه آموزش نبود. علاوه بر آن، تاسیس مدرسه توسط افراد متمایل یا متعلق به جریان روشن فکری خود عامل دیگر چنین زمینه ای بود. برای مثال تاسیس مدرسه توسط نسوان و دایر کردن انجمن های زنان در پیگیری اعتراضها نسبت به جایگاه زن در جامعه و لزوم تغییر شرایط آنان متأثر از شرایط زنان در جهان غرب از جمله این موارد بود (همان). این قرابت و نزدیکی و پیوند یافتن با جریان روشن فکری زمینه نفوذ گسترده تر تقلید را حتی در اموری که اولویت نداشت موجب شد. اموری نظیر تغییر لباس دانش آموزان و متحد اللباس کردن آن ها، افزایش محتوای دروسی مانند زبان های خارجی و علوم و دستاوردهای فن آوری که نوعی انتقال فرهنگ جوامع و نیز شیفتگی ناشی از مشاهده پیشرفت ها را به دنبال داشت.

مهمترین ویژگی ها یا مؤلفه های مدارس در دوره مقدماتی به شرح زیر عبارتند از:

۱) محصول تغییر نهادهای سنتی نبودند، بلکه به موازات و مستقل از آن ها شکل گرفتند. بنابراین نتیجه تجربه و اقتضایات بومی نبودند.

۲) چون نتیجه تجربه های بومی نبودند، لاجرم ماهیتی تقلیدی داشتند. اما، اصلاح گران اولیه، الگوی تقلیدی را آگاهانه و با هدف بومی سازی دنبال کردند. تقلید در عرصه هایی بود که نارسایی و آسیب آن مشخص و ضروری بود: ضعف فنی در ارتش دوره عباس میرزا، نبود متخصصان نظامی - فنی در دوره امیرکبیر و مشکل روش آموزش الفبا در فرآیند آموزش عمومی در مکتبها. با ورود جریان روشن فکری دامنه این تقلید فراتر رفت و حیطه هایی غیر ضروری را در بر گرفت.

۳) مدارس استقلال سازمان و برنامه داشتند و نهادی مردمی بودند. لذا، نظامی غیرمتمرکز را تشکیل می دادند. (ایروانی، ۱۳۹۳)

قانون اساسی انقلاب مشروطه، دولت را موظف به تمشیت امور مدارس و مکاتب نمود. به این ترتیب، نظام آموزشی غیر رسمی مردمی، حرکت به سمت دولتی شدن را آغاز کرد و این به نوبه ی خود زمینه ی ورود تمرکز به آموزش و پرورش بود (همان).



برخی سوالاتی که از مطالعه ی این دوره در ذهن ایجاد می شود به شرح زیر است که:

امیر کبیر چه شخصیتی بود آیا نیت او خیر خواهانه بود؟ آیا روشی که او دنبال کرد درست بود؟ آیا اگر در اداره دارالفنون حضور می داشت چه تغییری در هدایت آن رخ می داد؟

آیا آوردن این معلمین در مملکت ایران مقدمه است برای این که ملت ایران علوم لازمه را تعلیم بگیرند از خارجه مستغنی شوند و شرف و قومیت و شئون ملیت خود را نگاهداری نمایند؟... پس چرا می گویند بایست تمام درس هایی که شاگردان می خوانند به زبان فرانسه باشد ولسان علمی آنها به غیر از این لغت نباشد و امتحانی را هم که می دهند آن هم می بایست به زبان فرانسه داده شود آیا غیر از این که نفوذ لغت خودشان را در لسان علمی مملکت ما می خواهند که مفتاح و مقدمه ی سایر نفوذات ملت خود در این مملکت قرار دهند؟ (مجله دره النجف، ۱۳۲۸، ص ۸۷-۸۸)



۵۲

آیا شیوه ای که در مکاتب قدیم بود و ابتدا آموزش قران می دادند و بعد سراغ اخلاق و سپس علوم می رفتند بهتر نبود؟ آیا بچه ها الگوی مناسبی برای سایر بچه ها هستند؟ انتخاب گری دانش آموز چه نقشی در تربیت او دارد؟ آیا در مواجهه با نظام آموزشی پیشنهادی جدید، باید نظام آموزش پیشین را تخریب کرد؟ آیا این نگاه که علت پیشرفت و عقب ماندگی هر جامعه نظام تعلیم و تربیت است در خود و مردم و مسئولان می بینیم؟ نگاه مولد بودن و سرمایه ای چطور؟

سن ورود برای همه به مدرسه یکسان باشد آیا مطابق عدالت آموزشی است؟ آیا مجبور بودن به حضور در محیط رسمی و ساختار مند کلاس تاثیر منفی ندارد؟

آیا تمام آموزش های لازم برای موفق شدن یک دانش آموز در دوره های دبیرستان تنها در عرض دو یا سه سال آموزش رسمی قابل دستیابی نیست؟

دیر تر به مدرسه رفتن بچه ها چه مزایا و معایبی دارد؟ آیا مشکل کمبود معلمان با صلاحیت را نیز حل نمی کند؟

## —ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

هدف آموزش و پرورش در مکتبها کماکان بر تربیت دینی متمرکز بود. اما در مدارس جدید، در کنار تربیت دینی، آموزش علوم جدید با هدف جبران عقب ماندگی ایرانیان مدار اصلی توجه را تشکیل می داد (ایروانی، ۱۳۹۳).

ورود دختران به مدرسه و تاسیس مدارس دخترانه، به استناد قانون اساسی مشروطیت در دوره ی قاجار و پس از انقلاب مشروطه آغاز شد (همان).

با توجه به بررسی منابع مختلف تاریخی باید این واقعیت را بپذیریم که پاکی و صفای اخلاق و وجود برخی از صفات پسندیده در میان اکثریت مردم نتیجه ی مستقیم نفوذ عقاید مذهبی و وجود مکتب تعلیم و تربیت دینی بوده

است. به طور کلی هدف از تربیت در خانواده محفوظ بودن کودکان از سقوط اخلاقی بوده به همین دلیل بوده که پدران و مادران به محض رسیدن پسران به سن بلوغ آنان را به ازدواج وادار می کردند (صلاحی، ۱۳۸۲، ص ۵۶)

### –ساحت زیبایی شناختی و هنری

نفوذ جدید اروپا در میان طبقه ی روشنفکر ایرانی، ترجمه بعضی آثار نویسندگان خارجی خاصه فرانسویان به فارسی چاپ و انتشار جزوه های علمی معلمین اروپایی دارالفنون و آشنا شدن محصلین اروپادیده ی ایرانی با مظاهر ذوقی و فکری اروپائیان، توجه به نمایشنامه نویسی و اجرای بعضی از نمایشنامه های اروپایی را در ایران به دنبال داشت. نمایشنامه هایی به قلم میرزا ملکم خان وزیر مختار ایران در در لندن، ترجمه نمایشنامه هایی از آثار مولیر کمدی نویس مشهور فرانسه.



نخستین تئاتر ایرانی به کمک محمد حسن خان اعتماد السلطنه و میرزا علی اکبر خان مزین الدوله بنیان گذار تئاتر جدید در ایران بنام تماشاخانه و نخستین کسی که موسیقی را با نت در ایران تدریس کرد، صورت گرفت. موسیقی نظری و عملی در ایران بعد از تاسیس مدرسه دارالفنون به همت امیر کبیر و استخدام معلمین و مربیانی برای فن موسیقی کم کم رواج یافت و دسته موزیک نظامی جای نقاره خانه ی دولتی را گرفت. اندکی بعد متون درس موسیقی به دو زبان فرانسه و فارسی به صورت کتاب در چاپخانه دارالفنون به چاپ رسید و در دسترس دانش آموزان قرار گرفت. (صلاحی، ۱۳۸۲).

### –ساحت اقتصادی و حرفه ای

در خارج از محیط خانه و خانواده فعالیت و کوشش اجتماعی منحصر به مردان بود و هیچ گاه زنان در این فعالیت ها شرکت نداشتند جز در موارد خاصی از مشاغل که وجود زن اجتناب ناپذیر بود، از زنان استفاده می کردند. از قبیل کارگری حمام زنانه، ارایش گری، مشاطه گری، حجامت، مامایی و پرستاری از زنان بیمار و کلفتی و شیر دادن اطفال (صلاحی، ۱۳۸۲، ص ۵۶)

از آنجا که در این دوره تا قبل از ناصرالدین شاه مدارس به صورت امروزی وجود نداشته و مکاتب، مراکز اصلی آموزش عمومی بوده و هم چنین دولت هیچ تعهدی در برابر تحصیل در مکاتب نداشته، بنابراین هیچ گاه در فکراشتغال فارغ التحصیلان هم نبود (صلاحی، ۱۳۸۲).

## –ساحت علمی و فناوری

در این دوره کشور اندیشمندان زیادی را به جامعه انسانی تقدیم کرد از جمله در رشته های حکمت و فلسفه، علوم اجتماعی، جغرافیا، تاریخ و ادبیات (صلاحی، ۱۳۸۲، ص ۵۴)

آموزش و پرورش در دوره ی قاجار جهت گیری تحولی می یابد و موازی با نهادها و برنامه های آموزش و پرورش براساس الگوی پیشین، یک نظام آموزشی جدید با تاسیس مدارس میسیونری در دوره ی محمدشاه، دارالفنون در دوره ی ناصرالدین شاه و مدرسه ی میرزا حسن رشدیه در همان دوره و سپس دوره ی مظفرالدین شاه شکل میگیرد.

علاوه بر آن جریان اعزام محصل به خارج از دوره ی عباس میرزا با هدف دستیابی به منابع علوم و فناوری دنیای غرب و تقویت بنیه ی نظامی ایران آغاز می شود و تا امروز عملاً ادامه یافته است. این جریان تحولی اصولاً ماهیتی تقلیدی داشت؛ و در واقع تقلیدی آگاهانه برای رفع عقب ماندگی ایران نسبت به قدرت هایی بود که با فشار نظامی و سیاسی، خواسته های خود را بر ایران تحمیل می کردند. اما بعدها به ویژه با ظهور جریان روشنفکری و انقلاب مشروطه دایره ی این تقلید گسترده تر شد و به تقلید در برنامه و محتوای آموزشی و حتی نمادهای ظاهری دانش آموزی نیز تعمیم یافت (ایروانی، ۱۳۹۳). به این ترتیب، در دوره ی قاجار

۱- نهادهای آموزشی مدرن با تقلید از غرب، رقیب نهادهای آموزشی بومی ایران شدند و با اقبال عمومی روندی رو به گسترش یافتند.

۲- محتوای آموزش نیز به تبع تقلید از غرب، بتدریج علوم جدید و نیز زبان خارجی را در برنامه ی درسی مدارس وارد نمود.

۳- اعزام محصل به خارج و بازگشت تحصیل کردگان از کشورهای اروپایی موجب ورود هر چه بیشتر دانشهای جدید در نظام آموزش و پرورش گردید. (ایروانی، ۱۳۹۳)

در این دوره برای اولین بار دارالمعلمین و دارالمعلمات برای تربیت معلم به سال ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ شمسی در تهران تاسیس شد. مدرسین این دو مرکز تربیت معلم عموماً تحصیل کردگان اروپایی بودند و محتوای درسی تربیت معلم با تکیه بر دانش های تربیتی مدرن بود (درانی، ۱۳۸۱).

کتاب هایی که برای دوره ابتدایی نوشته می شد براساس سلیقه و تجارب شخصی نویسنده بود و هدف و برنامه همان اندیشه های نویسنده بود که اغلب با شرایط سنی کودکان و مسائل یادگیری آنها مطابقت نداشت.



## ۹- دوران پهلوی

این دوره از سال ۱۳۰۴ شمسی آغاز شده اما اولین دستور بسیار مهم در حیطة وزارت معارف در سال ۱۳۰۶ داده شده است. رضاخان در دوره حکومتش سه هدف اصلی قدرت مطلقه دولت و پادشاه، جایگزینی ملی‌گرایی به جای دین‌گرایی و مدرن‌سازی ایران را دنبال می‌کرد (ایروانی، ۱۳۹۳). به عبارت دیگر مدرن‌سازی هدف او، تمرکز‌گرایی روش او و ملی‌گرایی ایدئولوژی او بود (موسی پور، ۱۳۸۷). در نتیجه خیلی زود مدرسه به ابزاری برای رسیدن به این اهداف تبدیل شد. در این دوره به علت نیاز دولت به کارمند و همچنین ضرورت انتقال ارزشهای مورد نظر حکومت در قالب برنامه درسی لازم بود که آموزش همگانی و رایگان محقق شود و این امر باعث گسترش کمی مدارس بدون پیش‌بینی حداقل امکانات لازم برای آن شد که این امر در دوره پهلوی دوم نیز ادامه پیدا کرد (ایروانی، ۱۳۹۳).



### ویژگیهای تعلیم و تربیت در دوره پهلوی:

- ۱- تمرکز‌گرایی در این دوره بسیار شدید بوده و علیرغم وجود برنامه درسی یکسان در دوره مشروطه، بر روی اجرای این برنامه بسیار سختگیری می‌شد (ایروانی، ۱۳۹۳).
  - ۲- تقلید از نظام آموزشی غرب به طور گسترده در جزء و کل نظام آموزشی صورت گرفت (همان).
  - ۳- تاکید رضاشاه بر ضرورت سریع بودن فرایند مدرن‌سازی و همچنین فقدان مبانی و مقدمات این فرآیند باعث شد تا حتی پدیده تقلید نیز دچار صورت‌گرایی شود (همان).
  - ۴- اهداف آموزشی در این دوره عبارت بودند از اطاعت مدنی، انضباط و اخلاق برگرفته از شعار «خدا، شاه، میهن» (موسی پور، ۱۳۸۷).
  - ۵- تاسیس سازمان پیشاهنگی، کاهش یک سال از خدمت اجباری برای دانش‌آموختگان دبیرستانها، فرمان تحصیل رایگان در مدارس جدید، دستور به فارسی شدن زبان آموزش در تمام مدارس حتی مدارس خارجی، چاپ کتب درسی و توزیع رایگان آنها در میان دانش‌آموزان نیازمند، اعمال برنامه درسی واحد در مدارس و تاسیس مدارس عشایری از اقدامات رضاشاه برای جلب جوانان به مدارس جدید می‌باشد (همان).
  - ۶- فعالیتهای یاددهی یادگیری در قالب برنامه درسی که تا قبل از این دوره کاملاً در اختیار معلم بوده و او نیز با توجه به استعداد دانش‌آموز، نیاز جامعه و میراث گذشته این فعالیت‌ها را سامان می‌داده است، در این دوره بامشورت معلم تالیف شد اما معلم به انتخاب از میان برنامه تالیف شده مجبور بود (همان).
- در دوره پهلوی دوم حرکت مهمی از سوی هیات مشاورین ماوراء بحار جهت تدوین مبانی فلسفی نوینی برای کشور ایران صورت گرفت. در این برنامه، نظام تربیتی آمریکا که بر اساس دموکراسی مغرب‌زمین اداره می‌شد، به عنوان

جایگزینی برای نظام موجود در آن دوره در ایران که با الگوبری از نظام فرانسه بر اساس نخبه گرایی و تمرکزگرایی ایجاد شده بود، پیشنهاد گردید (باقری، ۱۳۸۲). همچنین سرپرستی دو نهاد مهم تربیتی کشور یعنی پیشاهنگی و تربیت بدنی به یک فرد آمریکایی به نام گیسون محول شد که او در ادامه، وظیفه تربیت معلم برای این دو نهاد را نیز بر عهده گرفت. همچنین مقداری فیلم و تجهیزات در قالب برنامه کمکهای فنی آمریکا به نظام آموزش و پرورش ایران در اختیار اداره هنرهای زیبا برای استفاده در مدارس قرار گرفت (محسن پور، ۱۳۶۱). در این دوره وظیفه برنامه ریزی و تدوین کتب درسی با سیاست یک درس یک کتاب در اختیار سازمان کتابهای درسی ایران قرار گرفت و در نتیجه این اقدامات، اختیارات معلم به حداقل کاهش یافت (موسی پور، ۱۳۸۷).

در نهایت و با توجه به مطالب بالا می توان سکولاریزم تربیتی، از بین رفتن استقلال کشور در زمینه های مختلف، اقتدارگرایی و تمرکزگرایی شدید را موانع مهم پیشرفت کشور در این دوره دانست.

#### ❖ ۱۳۰۶ شمسی: مصوب ۱۴ شهریور ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده اول: وزارت معارف مجاز است که ورزش را در کلیه مدارس جدید اجباری نماید.

ماده دوم: به غیر از ایام تعطیل همه روزه در مدارس مزبوره باید ورزش به عمل آید.

ماده سوم: عده ساعات و اوقات ورزش و ترتیب آن را وزارت معارف معین خواهد کرد.

ماده چهارم: این قانون پس از تصویب تا مدت یک سال در مراکز ایالات و ولایات و تامدت سه سال در سایر نقاط به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

این قانون که مشتمل بر چهار ماده است در جلسه چهاردهم شهریور ماه یک هزار و سیصد و شش شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

#### ❖ ۱۳۰۷ شمسی

۱ خرداد: قانون مربوط به اعزام دانشجو به خارج از کشور / تهیه کتب وزارت: ابتدایی

به موجب این قانون مقرر گردید به مدت شش سال و هر ساله یکصد دانشجو برای فراگرفتن فنون و علوم جدید در رشته های تحصیلی: علوم طبیعی، مهندسی ریاضی، پزشکی، آموزش و پرورش از میان فارغالتحصیلان ممتاز دوره متوسطه گزینش شود و به کشور های اروپایی اعزام شود. ( آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵).

در زمان وزارت اعتماد الدوله تهیه ی کتاب های درسی ابتدایی بر عهده ی وزارت معارف قرار گرفت و نخستین بار کتاب های وزارت در سطح کشور انتشار یافت. (معتمدی، ۱۳۸۲)





## دارالمعلمین عالی ۱۳۰۷.ش

برای تربیت دبیر مورد نیاز دبیرستان ها دارالمعلمین مرکزی به دارالمعلمین عالی تبدیل و برنامه تربیت معلم متوسطه پایه گذاری شد. و اساسنامه ی آن به تصویب شورای عالی معارف رسید (صافی، ۱۳۹۳).

دارالمعلمین عالی مشتمل بر دو قسمت علمی و ادبی بود که قسمت ادبی شامل رشته های فلسفی، ادبیات، تاریخ و جغرافیا و قسمت علمی شامل رشته های فیزیک، شیمی، طبیعیات و ریاضیات بود. دوره تحصیلات دارالمعلمین عالی ۳ سال در نظر گرفته شده بود و دارندگان گواهینامه کامل متوسطه رشته ادبی و علمی می توانستند در رشته ادبی یا علمی این مؤسسه برای تحصیل ثبت نام کنند. طبق اساسنامه، تدریس دروس علوم تربیتی از مهرماه سال ۱۳۱۱ در دارالمعلمین عالی اجرا گردید و دانشجویان این مرکز باید علاوه بر تحصیل در رشته خود مواد علوم تربیتی را نیز فراگرفته و امتحان دهند. مواد علوم تربیتی شامل ۶ درس و هرکدام به میزان ۲ ساعت در هفته بود. این دروس عبارت بودند از:

۱- معرفت النفس از لحاظ تربیتی ۲- فلسفه تربیت ۳- علم اجتماع از لحاظ تربیت ۴- تاریخ تعلیم و تربیت ۵- مبانی تعلیمات متوسطه ۶- اصول تعلیم و تربیت دانشجویان مختار بودند که این دروس را در مدت ۳ سال همراه با مواد رشته تحصیلی خود و یا در مدت یکسال به طور مستقیم بگذرانند. براساس «قانون استخدام فارغ التحصیلان دارالمعلمین عالی» این فارغ التحصیلان با رتبه ۴ به استخدام در می آمدند، در صورتی که سایر کارکنان دولت با رتبه ۳ استخدام می شدند. وزارت معارف مکلف بود فارغ التحصیلان دارالمعلمین عالی را در مدارس دولتی به خدمت بگمارد. دانشجویان برای فراگیری فن تدریس در مدارس ضمیمه ی دانشسرا عالی تدریس می کردند.

با وجود این که امتیاز مهد کودک از گذشته تا امروز به نهاد های مختلفی مثل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، وزارت فرهنگ، اداره تعلیمات ابتدایی ۱۳۴۰ آموزش و پرورش و در آخر سازمان بهزیستی واگذار شده اما تنظیم برنامه های روزانه در مهد کودک ها سلیقه ای است (ابوالقاسمی، ۱۳۹۰).

❖ ۱۳۱۰ تقسیم دوره ۶ ساله آموزش متوسطه به دو دوره اول و دوم برپایه دستورالعمل مصوب شورای عالی معارف و تقسیم دوره دوم متوسطه به دو رشته ادبی و علمی

❖ ۱۳۱۲ نوزدهم اسفند: قانون تربیت معلم/دارالمعلمین عالی به دانشسرای عالی تبدیل شد.

به موجب آن ۲۵ دانشسرای مقدماتی برای تربیت معلمان دوره ابتدایی در سراسر کشور دایر گردید. در اجرای این قانون دولت رسماً به تربیت معلم در کشور همت گماشت و علاوه بر آن با عنایت به قانون اساسی فرهنگ که



تاکید بر آن داشت که معلمان باید در فن خود تصدیق رسمی از وزارت فرهنگ (معارف) ردا داشته باشند، مقرر شد دانشسرای عالی تهران نسبت به تربیت و آماده سازی دبیران مدارس متوسطه اقدامات لازم را به عمل آورند. در قانون مذکور به نحوه ی استخدام آموزگار و دبیر، درجات خدمت و ارتقا و بازنشستگی آنان اشاره شده است واز معلمان به عنوان خدمتگزار رسمی مملکت یاد شده است. ( آقازاده، احمد؛ آرمنده، محمد، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶).

از قوانین مهم دیگری که برای تربیت و تأمین معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه وضع شده است « قانون تربیت معلم » می باشد. این قانون در اسفندماه ۱۳۱۲ به تصویب رسید و به موجب آن دولت مکلف شد از اول فروردین ماه ۱۳۱۳ تا مدت ۵ سال، ۲۵ باب دانشسرای مقدماتی و یک باب دانشسرای عالی دختران در تهران و در ولایات تأسیس و دانشسرای عالی پسران را نیز تکمیل نماید. در این قانون عنوانهای « آموزگار » برای معلم دوره ابتدایی، « دبیر » برای معلم دوره متوسطه، « هنرآموز » برای معلم هنرستان و « استاد » برای معلم مدارس عالی دانشگاه وضع گردید. براساس این قانون شرط ورود به دانشسراهای مقدماتی داشتن تحصیلات سه ساله متوسطه و شرط ورود به دانشسراهای عالی داشتن گواهینامه کامل متوسطه بود. دانشسراهای مقدماتی برای مدارس ابتدایی آموزگار، و دانشسرای عالی برای دانشسراهای مقدماتی و دبیرستانها معلم، و برای مدارس، مدیر و بازرس و برای وزارت معارف اعضای فنی تربیت می کند. رؤسا و استادان دانشسرای عالی باید درجه دکتری و رؤسای دانشسراهای مقدماتی باید لیسانس دانشسرای عالی باشند.

همچنین در این قانون مقرر شده بود که به آموزگاران و دبیران حق تأهل، حق مسکن و فوق العاده خارج از مرکز نیز پرداخت شود. مفاد این قانون و اجرای آن موجب گردید تا افراد بهتر جذب شغل دبیری شوند. حقوق و مزایای دبیران از همه ادارات بیشتر شود و زمینه های گسترش مراکز تربیت معلم در تهران و دیگر استانها و شهرها فراهم آید. برابر مفاد « قانون تربیت معلم » دانشسراها باید شبانه روزی و رایگان باشند.

❖ ۱۳۱۳ هشتم خرداد: قانون تاسیس دانشگاه تهران/دانشسرای مقدماتی کشاورزی و عشایری پسران

با تقلید از دانشگاه های آمریکا قانون تاسیس دانشگاه تهران به تصویب مجلس شورای ملی رسید. که به موج آن مجلس شورای ملی به وزارت معارف اجازه می داد موسسه هایی به نام دانشگاه برای تعلیم درجات عالی علوم و فنون و ادبیات و فلسفه در تهران تاسیس کند که دارای شعبی می باشد که هر یک از آن ها موسوم به دانشکده خواهند بود.

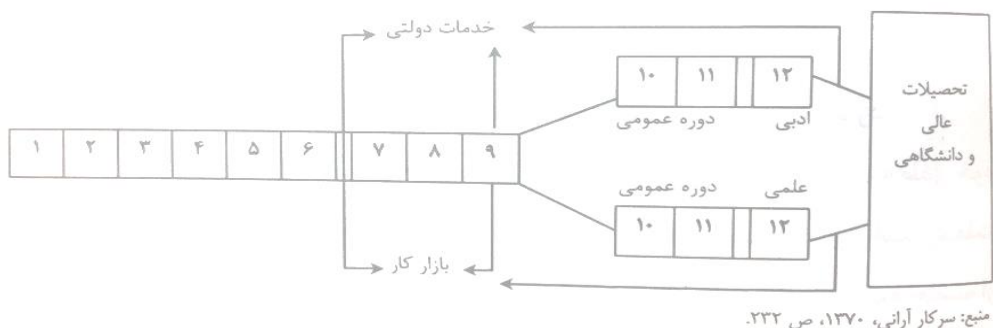
❖ ۱۳۱۴ تاسیس انجمن فرهنگستان ایران برای حفظ و توسعه زبان و ادبیات فارسی

❖ ۱۳۱۵ آموزش و پرورش بزرگسالان و تشکیل کلاس هایی برای آن ها در دبستان ها

❖ ۱۳۱۷ تغییراتی در برنامه آموزشی دوره متوسطه به تقلید از فرانسه دوره دبیرستان به سه دوره ۳ و ۲ و ۱ ساله

تقسیم شد.





در تاریخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۱۷ تصویب نامه ای از هیات وزیران گذشت که در آن نگارش کتب دبیرستانی را نیز برعهده وزارت معارف قرار داد. (معمدی، ۱۳۸۲) این کتاب ها که به کتاب های وزارتی معروف بودند هم ارزان و هم از نظر کاغذ مرغوب بودند. و مشکل تحصیلی دانش آموزان را از نظر کتاب بر طرف می کردند.



❖ در شهریور ۱۳۲۰ نیروهای متفقین وارد کشور ما شدند و آثار شوم جنگ دوم جهانی در ایران ظاهر شد.

بهای کالاها و خدمات در کشور افزایش و درآمد دولت کاهش یافت. چاپ و توزیع کتاب های درسی هم با اشکالات فراوان روبه رشد و اصولاً تصدی امور بازرگانی به وسیله دولت مورد شک قرار گرفت و بسیاری از کارها که به وسیله دولت اداره می شد به بخش حقیقی منتقل شد. در مدت نزدیک بیست سال کتابهای درسی آزاد شد به امید آنکه رقابت آزاد باعث اعتلای کتابهای درسی شود ولیکن نتیجه مطلوب حاصل نشد و انتقاداتی از هر طرف آغاز شد. تا آنجا که اعلام شد: «کتاب های درسی در ایران ملعبه ی دست عده ای ناشر سوداگر و مولف بی دقت و وزارت فرهنگ بی تصمیم است» (همان).

مرحوم جلال آل احمد مقاله ی بلبشوی کتاب های درسی را در همین مورد نوشت. به ناچار وزارت فرهنگ تالیف و نشر کتاب را به موجب تصویب نامه مورخه ۱۳۴۱/۱۲/۱۸ خود بر عهده گرفت. (همان).

یکی از نتایجی که این تصویب نامه به دنبال داشت این بود که به منظور تالیف و تهیه متون کتاب های درسی مورد نیاز دبستان ها و دبیرستانهای کشور یک مرکز علمی به نام سازمان کتاب های درسی ایران تحت نظر وزارت فرهنگ تاسیس شد (همان).

## پهلوی دوم: محمد رضا شاه پهلوی ۱۳۲۰-۱۳۵۷

### تاسیس مدارس اسلامی توسط متدینین

مجامع سنتی و متولیان سنتی آموزش و پرورش با ابراز نگرانی از مطامع غرب و همچنین ابراز ناخرسندی از محتوا مواد آموزشی و نتایج تربیتی مدارس جدید اقدام به طرد تحریم و گاه ممانعت های نافرجام در تاسیس آنها نمودند. از آغاز ورود مسیونرهای آمریکایی به ایران و تاسیس اولین مدرسه ی جدید در ارومیه تا شهریور ۱۳۲۰ که اولین مدرسه اسلامی توسط مرحوم عباسعلی اسلامی تحت عنوان جامعه تعلیمات اسلامی تاسیس گردید حدوداً ۱۱۰ سال طول کشید. در طول این مدت آموزش و پرورش ایران صحنه حضور بیگانگان بود. (علم الهدی، ۱۳۸۰)

نتایجی که این مدارس به دنبال داشت می توان به فراهم کردن موجبات آشنایی فرزندان خانواده های متدین با علوم جدید و مبارزه علیه انحرافات دینی و فکری علیه جریانات فکری منحرف نظیر کمونیست و مارکسیست و بهائیت اشاره کرد.



۶۰

دبیرستان علوی دومین مدرسه ی اسلامی بود که در سال ۱۳۳۵ توسط آقای کرباسچیان تاسیس گردید. تاسیس دبستان علوی در سال ۱۳۴۲ و راه اندازی مدرسه نیکان در (۶-۱۳۴۵) در چارچوب کلی اهداف مدارس دینی قرار می گیرند. چندی بعد توسط افراد دیگری چون شهید سید کاظم موسوی و شهید بهشتی و باهنر و رجایی و هاشمی و... مدارس تاسیس شد.

❖ ۱۳۲۲ پنجم خرداد: قانون آموزش و پرورش اجباری + عمومی و مجانی : به موجب آن باید مدارس ابتدایی در شهر هایی که فاقد آن است ایجاد شود.

❖ در سال ۱۳۲۵ « اساسنامه کلاسهای تربیت معلم » به تصویب رسید که به موجب آن مقرر شد به طور آزمایشی در تهران کلاس تربیت معلم تأسیس شود. شرط ورود به این کلاسها داشتن گواهینامه پنجم متوسطه و مدت تحصیل یکسال پیش بینی شده بود و فارغ التحصیلان آن گواهینامه ششم متوسطه علوم تربیتی دریافت می کردند

❖ در سال ۱۳۲۷ به منظور تأمین و تربیت معلمان ورزش برای مدارس کشور ، اساسنامه دانشسراهای تربیت بدنی به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید و دانشسراهای تربیت بدنی تأسیس شد شرط ورود به این دانشسراها داشتن گواهینامه سوم متوسطه و دوران تحصیل آن ۲ سال تعیین شده بود .

❖ در سال ۱۳۲۸ برای تأمین آموزگاران دبستان های کشاورزی اساسنامه دانشسرای کشاورزی به تصویب رسید و پس از تشکیل ۷ باب دانشسرای کشاورزی و ۶ باب دانشسرای تربیت بدنی ، فعالیت این دانشسراها عملاً از سال ۱۳۴۳ تعطیل گردید .

❖ ۱۳۳۴ تقسیم دوره دوم متوسطه به رشته های ادبی، ریاضی، طبیعی، خانه داری، کشاورزی و فنی برپایه

مصوبات شورای عالی فرهنگ/ طرح تصویب تعلیمات عشایری

جامعه عشایری آن روز، جامعهای بود که به صورت بسیار ساده و ابتدایی زندگی میکرد. با توجه به سفرهای بیلاقی و قشلاقی عشایر و سختی زندگی آنان، فرصتی برای تمرکز بر آموزش فرزندان وجود نداشت. در چنین جامعه ای، پسران به عنوان نیروی کار خانواده ها، وظایف بسیاری بر عهده داشتند. دختران نیز اگر چه در سنین پایین ازدواج می کردند، اما پا به پای مردان برای چرخیدن چرخ لنگ زندگی، از بامداد تا شامگاه فعالیت می کردند. سوادآموزی اولویت اول خانواده ها که نبود هیچ، شاید در انتهای سبد اولویتهای آنان هم قرار نداشت. «طبیعت» به عشایر روحیه خاصی داده بود که چندان مطیع اوامر حکام نبودند. حاکمیت نیز برای آموزش آنان علاقه های نشان نمی داد و شرط آموزش عشایر را «یکجانشینی» آنان میدانست. نه از عشایر اشتیاق بود و نه از حکومت التزام.

استاد بهمن بیگی با درک وضعیت چنین جامعهای، قدم در راه اصلاح وضع موجود گذاشت. ایشان راه گذر از فقر، فلاکت و سطح پایین رفاه جامعه را در میان حروف الفبا پیدا نمود. به عبارت بهتری، ایشان ابتدا بیماری را تشخیص داد و متناسب با جامعه عشایر، نسخه شفابخش و موثر آموزش عشایر را تجویز کرد. صد البته هیچکس به غیر از ایشان نمیتوانست این نسخه را به خورد مردم عشایر دهد، کما اینکه ایشان خود آستینها را بالا زد. البته باید اشاره های محکم داشته باشم که متأسفانه پس از ایشان، هیچکس نتوانست راهش را ادامه دهد. زمانی بسیاری از مدعوین، مسوولان یا فعالان امر آموزشی داخل و خارج از کشور برای مشاهده دسترنج فعالیت های بی وقفه استاد بهمن بیگی رنج سفر به دشت و کوه می خریدند تا یک مدرسه عشایری را از نزدیک ببینند، اما اکنون مدرسه عشایری برای چه کسی جذابیت دارد؟ (عربی، ۱۳۹۱)

بهمن بیگی با قلبی سرشار از عشق به کودکان ایل و با دست خالی به جنگ دیو جهل در میان عشایر رفت. او سالها در جدال با دیوان سالارانی بود که از مدرسه تنها تصور مکانی ثابت را داشتند و مدرسه متحرک را به سخره می گرفتند. پایمردی او سرانجام راه جدیدی را به روی بچه های عشایر گشود. این خانواده تحصیلکرده و باهوش به نام و نان و اسم و رسم پشت پا زد و به جای سفارت و وکالت معلم شد و نهال آموزش عشایری را در کنار قره قاچ کاشت. به زودی مدارس سیار عشایری به همه جای ایران از آذربایجان تا ایلام و کردستان گسترش یافت و کودکان مظلوم عشایر که نسل اندر نسل بیسواد بودند زیر چادرهای سفید، با خواندن و نوشتن آشنا شدند و زمینه برای ادامه تحصیل و خروج از دایره محرومیت ازلی برای نسل جدید عشایر فراهم شد. چادر سفید مدرسه با پرچمی سه رنگ بر فراز آن، در جدال با باد و در محاصره انبوه سیاه چادرها و در میان دشتی پر از سبزه و گل نماد رویش زندگی نوین در میان عشایر بود.



استعدادهای نهفته کودکان کچل، تراخمی و اسیر امراض و بلاهای گوناگون و بدتر از همه گرفتار در بند جهلی موروثی در این مدارس شکوفا شد. اشتیاق دانش آموزان برای یادگیری و تلاش معلمان کم سواد اما عاشق این مدارس و وجود مدیرکلی که با اسب کوره راه ها را طی می کرد و همه معلمان را به نام و اسم پدر و ایل وظیفه می شناخت کار مدارس عشایری را به مرز حماسه رسانده بود. کار به جایی رسید که تیمسارها و کارمندان ارشد و پولدارهای شیراز برای ثبت نام فرزندشان در دبیرستان عشایری شیراز التماس می کردند. بهمن بیگی تابوی مدرسه ثابت را شکست و درهای دانش را به روی کودکان عشایر از دختر و پسر گشود.



این سخن مدیرکل که دانش آموزان عشایر باید از رفاه برخوردار باشند حرف درستی است. معلم آموزش دیده و بانگیزه و تجهیزات آموزشی خوب و حتی کمک هزینه تحصیلی و تغذیه مناسب حق دانش آموزان عشایر است اما رفاه به معنای برچیدن کپرها و چادرها و اسکان آنها در کانتینر و کانکس نیست و با هیچ استدلالی نمیتوان ثابت کرد که دانش آموزان بلوچستانی داخل کانکس وضعیت روحی بهتری خواهند داشت. علت بقای مدارس کپری را باید در شرایط خاص اقلیمی مناطق گرمسیری جستجو کرد همچنان که علت وجود مدارس چادری حرکت ایل و سیار بودن مدرسه است. تا شیوه معیشت ایلی مبتنی بر حرکت برای یافتن چراگاه تداوم دارد و ایلات بین ییلاق و قشلاق سرگردانند مدارس سیار هم به حیات خود ادامه میدهند. در روستاهایی هم که مردم درون کپر زندگی میکنند، نصب کانکس و کانکس و حتی ساختمان به جای کپر ممکن است وضع روحی دانش آموزان را برخلاف تصور مدیرکل ارتقا ندهد و حتی بدتر هم بکند. در تئوریهای جدید تعلیم و تربیت بر امکانات نرم افزاری تاکید بیشتری میشود. معلم خوب و بانگیزه، برنامه درسی مناسب، روشهای مدرن تعلیم و تربیت و وسایل کمک آموزشی، بسیار مؤثرتر از ساختمان مدرسه است. مدرسه عشایری که باید پا به پای ایل در حال حرکت باشد، لزوماً باید زیر چادر تشکیل و از تجهیزات آموزشی سبک در آنها استفاده شود. کلمه کپرزدایی که ساخته و پرداخته مسوولان آموزش و پرورش است دارای بار منفی نسبت به کپر و کپرنشینان است، در حالی که زندگی در کپر نوعی تطابق بین انسان و شرایط اقلیمی منطقه است همچنان که بادگیرها در یزد و خانه های یخی اسکیموها در قطب شمال چنین کارکردی دارند. حذف کپرنشینی و چادرنشینی تنها در سایه توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه و به خصوص در مناطق روستایی و ایل نشین حاصل میشود و نخست باید شیوه معیشت مردم تغییر کند. مسئله اصلی در مناطق عشایری و روستا های محروم و دورافتاده کاهش پوشش تحصیلی است. به نظر می رسد زندگی طولانی در شهر و جذابیت های آن مدیرکل آموزش عشایری را به این نظر جدید رسانده است. (عبداللهی، ۱۳۸۶)

«کلید مشکلات ما در لابلای الفبا خفته است و من اینک شما را به یک قیام جدید دعوت میکنم. پس از سالها سیر و سیاحت، غور و مطالعه، دلسوزی و دردمندی به این نتیجه قطعی رسیده ام و شما را به یک قیام مقدس دعوت میکنم.

قیام برای باسواد کردن مردم ایلات. من به نام این مردم، با این چشم های بی فروغ، پوست های پرچروک، لباس های ژنده، شکم های گرسنه، با این لبهای بیخنده و دلهای پر خون، به نام این مردم به نام کتیرا زنها، چوپانها، مهترها، کنگرزنها، دروگرها، هیزم کش ها، نیزن ها، فعله ها، بیکارها و ولگردها از شما میخواهم که به پا خیزید و روز و شب گاه و بیگاه درس بدهید، درس بخوانید، درس بخوانید، درس بدهید...» (از کتاب اگر قره قاج نبود، ص ۲۰۱)

نتیجه تلاش های شبانه روزی بهمن بیگی، به تصویب برنامه سوادآموزی عشایر در وزارت آموزش و پرورش، جلب حمایت های مالی وزارت از تحصیل کودکان کوچرو، تاسیس اداره کل آموزش عشایر، پایه گذاری دانشسرای عشایری، تاسیس اولین دبیرستان شبانه روزی عشایری و ... محدود نمانده است. او نظام تعلیم و تربیتی را ایجاد کرده که در آن تنها به آموزش کمی دانش آموزان اندیشه نشده، بلکه بر روشهای مبتکرانه و بومی آموزشی استوار بر کتاب و کتابخوانی، سینماهای سیار، اردوهای تربیتی، تبادل ایده و نوآوری میان آموزگاران و امثالهم تاکید داشته است. (شمسی، ۱۳۹۱)

❖ مدرسه فرهاد (۱۳۳۴-۱۳۵۹) یکی از مدرسه های پیشگام در ایران بود که به دست توران میرهادی، روان شناس ایرانی بنیان گذاشته شد. او پس از تأسیس مدرسه، کودکان دبستان و مدرسه راهنمایی فرهاد را به یک واحد جامع تجربی تعلیمات عمومی تبدیل کرد. این مدرسه شخصیت های شاخص بسیاری را پرورش داده است. میرهادی در زمانی که سنت شکنی بسیار دشوار بود، سیستم آموزشی مدرسه فرهاد را با ساختار شکنی نظام آموزشی «معلم محور» ایجاد کرد.

به عقیده ی توران میرهادی بزرگترین خطری که امروز آموزش و پرورش کشور ما را تهدید می کند، عامل اسارت بار رقابت است که همه گیر شده است و با وجود این عامل، نمی توانیم انسان هایی سازنده را به جامعه تقدیم کنیم. ویژگی اصلی مدرسه فرهاد رقابتی نبودن آن بود. در آن مدرسه رقابت، جایزه و رتبه بندی وجود نداشت و هر کسی با توانایی های خودش سنجیده می شد و اگر شاگردان مدرسه فرهاد به درجات والا رسیدند به این دلیل بود که خودشان شدند. رقابت، مدارس ما را از کیفیت می اندازد ولی امروز تمام طرح های آموزش و پرورش به طرح های رقابتی بدل شده است. بیا بیاید این رقابت را به همکاری، همیاری و مشارکت بدل کنیم تا فرزندان ما بتوانند به حداکثر توانایی های خود برسند و احساس آرامش بکنند.

❖ ۱۳۳۵ مدرسه ی علوی

مدرسه علوی در سال ۱۳۳۵ به همت علی اصغر کرباسچیان (علامه) و حاج مقدس تهرانی و شالچیان و به مدیریت استاد روزبه، نخست فقط در سطح اول دبیرستان شروع به فعالیت کرد. هدف این موسسه در ابتدا بسیار آشکار بود: رقابت با نسل تحصیل کرده سکولار، تربیت تحصیل کردگان متدین در بیشتر رشته های مورد نیاز دانشگاهی،



به خصوص رشته های فنی و پزشکی و اثبات این نکته که دین و دانش با هم تنافری ندارند و می توان هم تحصیلکرده بود و هم متدین باقی ماند.

اگرچه پیش از تاسیس و شکل گیری موسسه علوی مدارس مذهبی دیگری نیز در نظام آموزش و پرورش ایران وجود داشت، ولی این موسسه توانست با تطبیق دادن برنامه های علمی و آموزشی خود، به تدریج عنوان "نخستین مدرسه مدرن اسلامی" را به خود اختصاص دهد.

این مدرسه اگرچه در زمان خود بنیانگذار مجموعه ای تلفیقی از آموزشهای مرسوم نظام تعلیم و تربیت نوین و آموزه های مذهبی بود، ولی در سالهای قبل و بعد از انقلاب توانست شیوه خود را با اندک اختلافاتی در دیگر مدارس مذهبی تهران از قبیل کمال، نیکان، رفاه، روشنگر و فخریه گسترش دهد.

#### ❖ ۱۳۳۶ تاسیس تربیت معلم عشایری یا دانشسرای عشایری

که در سال ۱۳۳۴ اساسنامه دانشسراهای عشایری به منظور تأمین آموزگاران دبستان های عشایر به تصویب رسید شرط ورود به این دانشسراها داشتن حداقل مدرک تحصیلی ششم ابتدایی و عشایری بودن تعیین شده بود. که پس از تشکیل دوره راهنمایی، فارغ التحصیلان سوم راهنمایی نیز در این دوره پذیرفته می شدند مدت تحصیل در این دانشسراها یکسال بود.

#### ❖ ۱۳۳۷ افزایش دو رشته فنی و حرفه ای هنرستانی به دوره دوم متوسطه

#### ❖ ۱۳۳۸ سوم خرداد: قانون تاسیس دانشگاه های شهرستان ها/

در سال ۱۳۳۸ به منظور تأمین آموزگاران مورد نیاز دبستان های کشور دوره یکساله تربیت معلم تاسیس شد شرط ورود به این دوره داشتن دیپلم کامل متوسطه بود و به فارغ التحصیلان آن فوق دیپلم داده می شد با شروع کار سپاهیان دانش پسر در سال ۱۳۴۱، کلاسهای تربیت معلم یکساله پسران تعطیل شد و با ایجاد برنامه سپاهیان دختر در سال ۱۳۴۷، دوره یکساله تربیت معلم منحل گردید.

#### ❖ برابر مصوبه سال ۱۳۴۱ اساسنامه دوره تربیت معلم فنی و حرفه ای به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید.

هدف از این دوره تربیت معلمان مورد نیاز آموزشگاه های حرفه ای بود.

#### ❖ در سال ۱۳۴۳ طبق اساسنامه مربوط « دانشسرای عالی صنعتی » تاسیس شد. هدف از تاسیس این دانشسرا

تربیت دبیران فنی در رشته های مختلف جهت تدریس در هنرستان ها بود. دانشسرای عالی صنعتی به تدریج تغییر هدف داد و به دانشگاه علم و صنعت تبدیل شد.

۱۳۴۳ تشکیل شورای مرکب از مسئولان و آموزش و پرورش و کارشناسان برای بررسی مشکلات آموزش و پرورش و رفع تنگناها که در سال ۱۳۴۶ منجر به طرح جدید نظام آموزش و پرورش شد.





وزارت فرهنگ به سه وزارت خانه تقسیم شد: وزارت آموزش و پرورش عهده دار تعلیمات عمومی شد. وزارت فرهنگ و هنر عهده دار حفظ و توسعه ی میراث فرهنگی شد. امور مربوط به اوقاف و تربیت بدنی به سازمان اوقاف واگذار شد.

❖ ۱۳۴۴ تجدید نظر در برنامه آموزشی دوره دبیرستان که برای آن چهار رشته تحصیلی ریاضی و طبیعی و ادبی و خانه داری را در نظر گرفته بودند.

❖ ۱۳۴۶ وزارت علوم و آموزش عالی از دل آموزش و پرورش بیرون آمد و عهده دار تعلیمات عالی شد.

ایجاد اداره ی کل آموزش عشایر در سال / تأسیس دبیرستان عشایری (چهل نفری)

تا سال ۱۳۴۶ نظام آموزشی به دو دوره تقسیم می شد ۶ سال ابتدایی و ۶ سال متوسطه و سالها همین نظام آموزشی در کشور دایر بود.

قانون طرح نظام جدید (سیستم ۵-۳-۴) : دوره پنجساله ابتدایی- دوره سه ساله راهنمایی - دوره چهار ساله دبیرستان

❖ ۱۳۴۷ تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش:

در سال ۱۳۴۷ اساسنامه مرکز تربیت معلم کودکان استثنایی به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید .  
دارندگان دیپلم کامل متوسطه با گذراندن یکسال تحصیلی در این مراکز به تدریس در مدارس ابتدایی کودکان استثنایی می پرداختند .

❖ ۱۳۴۸ اولین گام برای غیر متمرکز کردن آموزش و پرورش : شورای منطقه ای

❖ در سال ۱۳۴۹ دانشسراهای راهنمایی تحصیلی در تهران و شهرستان های رشت ، تبریز ، همدان ، کرمانشاه ، اهواز ، شیراز ، کرمان ، مشهد ، اصفهان و ساری تأسیس شد . تأسیس این دانشسراها با توجه به تغییر ساختار آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۵ و پیش بینی دوره راهنمایی تحصیلی در نظام آموزش و پرورش ایران صورت گرفت . در این مراکز ابتدا رشته های تحصیلی علوم تجربی ، ریاضی ، علوم انسانی ، حرفه و فن و زبان خارجی دایر و مدت تحصیل در این مراکز ۲ سال معین شد .

❖ ۱۳۵۰ تغییر طرح آموزشی کشور و دوره آموزش متوسطه به ۳ سال و تعیین سال چهارم دبیرستان به عنوان

دوره ۱ساله آموزش تکمیلی متوسطه، به منظور آمادگی جهت تحصیلات دانشگاهی

گفتنی است که آموزش متوسطه فنی نیز به ۳ شاخه صنعت ، خدمات و مشاغل روستایی تقسیم گردید.

❖ ۱۳۵۱ تأسیس هنرستان فنی و حرفه ای

❖ ۱۳۵۳ تقسیم آموزش متوسطه به ۳ شاخه آموزش متوسطه ۴ ساله نظری، جامع و فنی و حرفه ای /

با تصویب شورای گسترش وزارت علوم و آموزش عالی دانشسرای عالی به دانشگاه تربیت معلم تبدیل شد. و اداره آن به صورت هیات امنایی در آمد این دانشگاه که دوره های آموزش لیسانس فوق لیسانس و دکترا را ارائه می کرد. اهداف زیر را در دستور کار قرار داده بود:



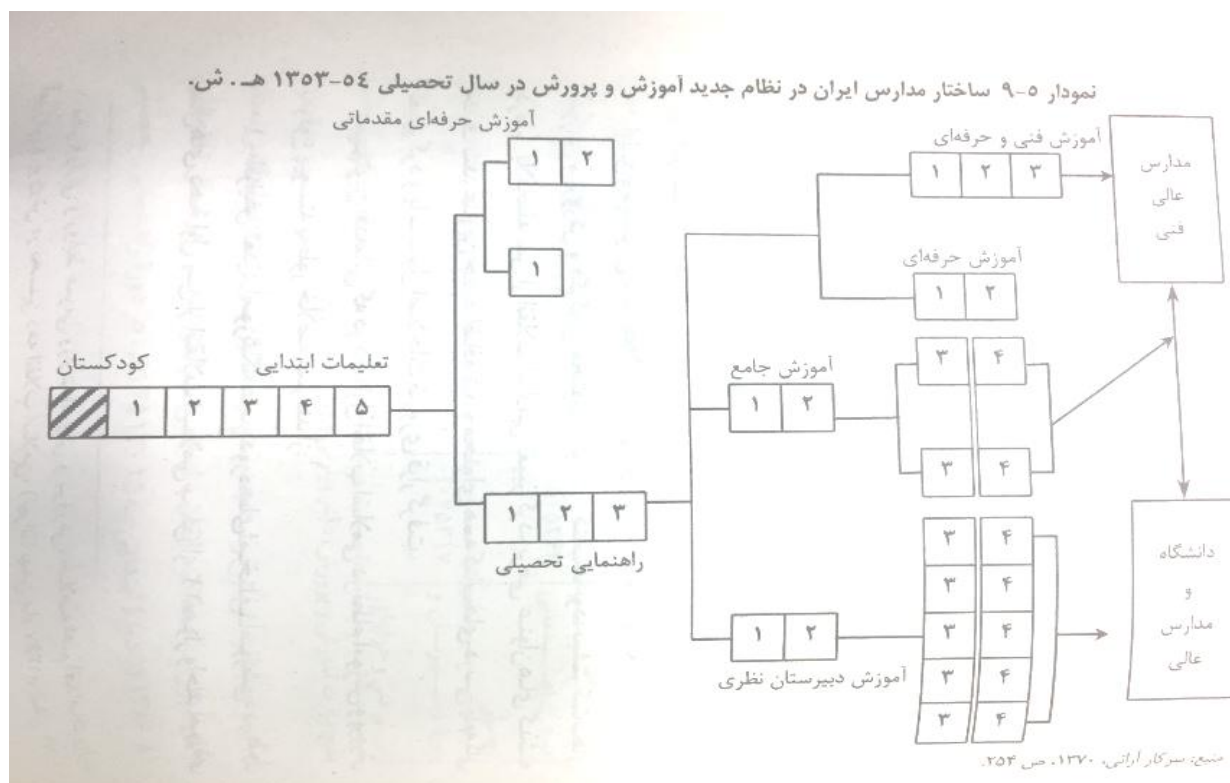
- تربیت معلم برای تمامی دانشسراهای مقدماتی راهنمایی و عالی

- تربیت مدیران و کارشناسان امور آموزشی

- تربیت دبیران رشته های گوناگون امور آموزشی

- تربیت متخصصان راهنمایی و مشاوره

- تهیه ی مواد و مصالح درسی -انجام تحقیقات تربیتی و روانی (مقاله تاریخ تربیت معلم ص ۲)



❖ ۱۳۵۴ طرح تاسیس کلاس های آمادگی یک ساله توسط اداره کل آموزش و پرورش ابتدایی/ تقسیم آموزش متوسطه به دو شاخه متوسطه عمومی ( با ۲ زیر شاخه ) و متوسطه فنی ( با ۳ زیر شاخه ) به مدت ۳ سال و اختصاص یک سال آخر متوسطه ، به اهداف اختصاصی آمادگی جهت پرداختن به تحصیلات دانشگاهی و یا آمادگی جهت جذب به بازار کار

❖ ۱۳۵۵ ۲۷ تیر ماه: سازمان پژوهش و نوسازی (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی )

مسئولیت این سازمان بسیار گسترده تر از تالیف کتاب درسی است که به ماده یک این قانون اشاره می کنیم: به منظور تحقیق و بررسی درمسایل کیفی آموزش و پرورش و ارزشیابی مستمر وتنظیم برنامه های تحصیلی وتالیف و تدوین کتب درسی وآماده سازی مدارس وموسسات آموزشی تابع وزارت آموزش و پرورش برای کاربرد وسایل وروش

های نو در جهت اعتلای کیفیت آموزش و پرورش سازمانی به نام سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی که در این قانئن سازمان نامیده می شود تشکیل می شود. (کتاب های درسی دارالفنون)

## تحلیل و بررسی:

گرچه دانشسراهای مقدماتی و عالی از مهمترین مراکزی بوده اند که در آنها بیشترین آموزگاران و دبیران از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۵۷ ( سال پیروزی انقلاب اسلامی ) تربیت شده اند ولی بنا به ضرورت مراکز دیگری با روشهای مختلف نیز برای تربیت و تأمین آموزگاران و دبیران و مربیان نیز به وجود آمدند و برخی از آنان پس از مدت کمی فعالیت منحل شدند . این مراکز و روش ها عبارت بودند از :



۶۷

۱- دانشسرای تربیت بدنی ۲- دانشسرای کشاورزی ۳- دانشسرای عشایری ۴- تأمین مربیان هنر و موسیقی مدارس  
۵- تشکیل کلاسهای کمک آموزگاری ۶- تربیت معلم دوساله روستایی ۷- مراکز تربیت معلم یکساله ۸- دوره تربیت معلم حرفه ای پسران و دختران ۹- تأمین معلمان ابتدایی روستایی از طریق سپاه دانش ۱۰- تأسیس آموزشگاه تربیت معلم روستایی در دزفول ۱۱- مرکز تربیت معلم دینی ۱۲- مرکز تربیت معلم یشیوا ( مخصوص کلیمیان ) ۱۳- دانشسرای راهنمایی تحصیلی ۱۴- تربیت معلم کودکان استثنائی ۱۵- انستیتو مربیان هنری ۱۸- مرکز تربیت مربی کودک

گسترش تقلید از نظام آموزشی - به واسطه حضور کارشناسان غربی که به طور مستقیم در دستگاه فرهنگ حضور داشتند و نیز مدیریت و برنامه ریزی تحصیل کردگان تعلیم و تربیت که از غرب باز می گشتند و بر پایه دانش و تجربیاتشان الگوی کامل غربی را در جزء و کل امور آموزشی فرهنگی تاکید می کردند در دوره پهلوی اول، نظام آموزشی مدرن که پیش از آن در عمل غیر دولتی و غیر متمرکز بود، به یک نظام آموزشی کاملاً متمرکز دولتی، تقلیدی و صورت گرا تبدیل می شود . تمرکز کامل آن ناشی از اقتدار و استبدادی بود که مبنای عمل برای سازماندهی و اجرای تصمیمات قرار گرفت . تقلیدی بودن آن نسبت به دوره اول گسترده تر و عمیق تر شد؛ زیرا از یک سو حکومت در پی مدرن سازی بود و این درجه بالایی از تقلید را به دنبال داشت و از سوی دیگر، مقدمات و مبانی مدرنیته غرب در ایران فراهم نبود . لذا، این تقلید به تقلید امور ظاهری تقلیل یافت . عواملی که باعث تشدید این تقلید شد عبارت بودند از :

۱. آموزش مدرن در اروپا مبتنی بر اصالت انسان و حقوق او، تکیه بر آزادی دانش آموز و ایجاد فرصت برای یادگیری اوست که با نظام استبداد مطلقه و تحقیر انسان و هدف شاه پرستی اصولاً به وقوع نمی پیوندد . لذا، فقط پوسته ظاهری آموزش مدرن می تواند نمایانده شود و نه مغز آن .
۲. خواست رضاخان القای شاه پرستی و پرورش روحیه اطاعت پذیری کامل بود و این امر اصولاً ارتباطی با آموزش مدرن و فلسفه و هدف های آن نداشت .

۳. تعداد مدارس زیاد شد، اما تعداد معلمان واجد شرایط و امکانات لازم اولیه و تکمیلی برای مدرسه هافراهم نشد . آموزشی عمیق و پربار در چنین شرایطی تحقق نمی یافت . با وجود این کاستی ها، انتظار از مدرسه آن بود که به سرعت تغییر ایجاد کند و به هدف های بزرگ نائل شود . در حالی که تربیت به معنای دقیق کلمه با شتاب ورزی و سرعت و بروز فوری نتایج سنخیت ندارد . در چنین شرایطی نظام آموزشی ایران با دوگانگی ظاهر و باطن شکل گرفت؛ شعارها و فرم لباس ها و ظاهر نیروی انسانی و نیز دانش آموزان و مراسمی که برگزار می شد و بالاخره حرف های کارشناسان و متخصصان لاجرم نمایش و بشارت پیشرفت و مدرن شدن می داد، اما در باطن استبداد در لایه های مختلف از رأس هرم حکومت به سوی قاعده جاری بود و با شرایطی بسیار دشوار و در همان قالب های سنتی و مناسباتی-کم و بیش -در جریان بود وگرنه آموزش تفکر محور یا رویکرد حل مسئله هرگز موضوعیت نیافت.

-کشف حجاب اجباری دختران دانش آموز و زنان معلم برای حضور در کلاس های درس؛

-حذف تعلیمات دینی از آموزش ابتدایی

-دایر کردن مدارس مختلط برای نخستین بار از سال ۱۳۱۲

-استقرار و برپایی برنامه های آموزشی و پرورشی مانند سازمان پیشاهنگی، تربیت بدنی توسط معلمان امریکایی و ایرانی .مستر جردن رئیس کالج امریکایی دبیرستان البرز در این حیطه فعالیت می کرد.

- تاسیس فرهنگستان(ادبیات) و تاسیس هنرستان موسیقی(و مبارزه با تحریم مذهبی- دینی موسیقی) درسال

۱۳۱۴ ه.ش

-تأسیس سازمان پرورش افکار در سال ۱۳۱۸ که در قالب اصلاح و یکسان سازی برنامه درسی مأمور بود تا در کتب درسی دبستان ها و دبیرستان ها ... افکار میهن دوستی و شاه پرستی را درمندرجات آن ها به وجه مؤثری بپروراندو تنظیم برنامه درسی متمرکز توسط کمیسیون کتب کلاسیک (برنامه درسی) این سازمان حاصل آن بود.

نظام آموزشی شکل گرفته در دوره رضاخان پس از او نیز با وجود تغییر نسبی شرایط تداوم یافت. پس از رضاخان به دلیل کاهش قدرت دولت و حضور نیروهای خارجی در ایران بسیاری از ممنوعیت های مطلق او در خصوص پوشش زنان و فشار بر روحانیون حذف شد؛ فضای فکری نیز تا حدودی باز شد وحتی روحانیون( مرحوم عباسعلی اسلامی) از سال ۱۳۲۲ با تاسیس جامعه تعلیمات اسلامی و مدرسه جعفری دوباره با استقلال به حوزه مدرسه بازگشتند و بعدها امکان فعالیت بسیاری از علاقه مندان و دلسوزان درعرصه تعلیم و تربیت فراهم شد.



تاسیس مدارس خصوصی از سوی مربیان علاقه مند برای یافتن مدل بومی شده الگوی آموزش مدرن اصیل و نه سطحی مانند خانم توران میر هادی و تاسیس مدرسه علوی توسط علامه کرباسچیان و استاد رضا روزبه، گسترش فعالیت های نوآورانه مرحوم جبار باغچه بان و بالاخره تلاشی کاملاً بکر برای آموزش عشایر ایران توسط مرحوم محمد بهمن بیگی در دهه ۱۳۳۰ امکان تحقق یافت. زنان و دختران با حجاب حق حضور در مدرسه و دانشگاه یافتند. با وجود این، نظام آموزشی رسمی دولتی با همان ماهیت تقلیدی، اقتدارگرایانه، متمرکز و صورت گرا ادامه یافت با این تفاوت که دوره پهلوی اول دوره تکوین و بنیان گذاری این نظام بود و دوره پهلوی دوم دوره تثبیت آن و حتی با کاهش شدت اقتدار که عامل اصلی تکوین آن بود، نظام همچنان با همان ویژگی ها به حیات خود ادامه داد. (ایروانی، ۱۳۹۳).



## ۸- انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی به تعبیر امام حرکتی بود بر علیه یک نوع اسلام! «در انقلاب مردم ما بر علیه یک نوع اسلام قیام کردند شما باید نشان دهید که مردم ما در انقلاب علیه ظلم و تحجر قیام کردند.» « نامه به سید حمید روحانیرئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی در دیماه ۶۷)

انقلاب بر علیه تحجر بود، منظورشان هم تحجر دینی است. که در ادامه همین پیام خود امام توضیح می دهند. مردم علیه ظلم و بیداد، تحجر و واپسگرایی قیام کردند و فکر اسلام ناب محمدی را جایگزین تفکر اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه داری، اسلام التقات و در یک کلمه اسلام آمریکایی کردند. قبل از انقلاب هم انواع و اقسام جلسات مذهبی بود، انواع و اقسام کارهای فرهنگی بود می شد این کارها را کرد. گویی تعریف ما از انقلاب این است که یک واقعه تاریخی در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاده است و تمام شده رفته، ما می خواهیم دستاوردهایش را حفظ کنیم! دستاوردهای انقلاب چه بوده است؟ مثلاً قبل از انقلاب بدحجابی بوده بعد از انقلاب حجاب آمده مردم نماز خوان شده اند و ... می باید این ها را (اصول ارزشهای انقلاب را) حفظ کنیم؟ همه اینها در حوزه مسائل فردی و عبادی تعریف می شود و ما باید این ها را حفظ کنیم. دنباله برهم زدن نظم سیاسی باید نظام اقتصادی، آموزشی و ... را درست کنیم. باید برای انقلاب یک حرکت تکاملی قائل باشیم، این انقلاب باید مرحله به مرحله پیش برود. جامعه دینی و حکومت دینی را باید براساس دکتترین اسلام و ثبات و قطعیات اسلام بسازیم. این خانه را باید ساخت و در آن وارد شد و نشست. خانه از پیش آماده ای وجود ندارد.

اسلام فقط به عنوان دینی که تنها متعلق به دل و احساس است و شعائری قابل احترام دارد نبوده است که عده ای وقتی می خواهند وارد حکومت و وارد جامعه شود، برای اداره جامعه به اسلام اعتقادی ندارد. می گوید دیگران چگونه اداره می کنند، ما هم از همان قواعد آنها استفاده میکنیم. بعد از مشروطه در کشورها وضع به همین صورت شد. این

اعتمادالسلطنه ها و عین الدوله ها و انواع الدوله ها به عنوان یک عده روشنفکر غربی که رفته اند آنجا درس خوانده اند، آمدند و گفتند که اسلام دین محترمی است و خوب است فقط برای اخلاق و برای عبادت و اینطور چیزها. (باهر، ۱۳۷۱).

## نظام تعلیم و تربیت بعد از انقلاب:

در سال تحصیلی ( ۵۸ - ۵۷ ) یعنی سال پیروزی انقلاب اسلامی مراکز تربیت معلم فعال کشور که تحت پوشش وزارت آموزش و پرورش اداره می شدند عبارت بودند از :

۱- مرکز تربیت مربی کودک ( ۲۷ باب ) ۲- دانشسرای مقدماتی ( ۱۳۱ باب ) ۳- دانشسرای عشایری ( یک باب ) ۴- دانشسرای راهنمایی تحصیلی ( ۲۷ باب ) ۵- مرکز تربیت معلم روستایی ( ۴۵ باب ) بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه تغییر نظام آموزشی و تربیت معلم تصمیمات مهمی اتخاذ گردید . در سال ۱۳۵۸ اساسنامه جدید مراکز تربیت معلم تهیه و در غیاب شورای عالی آموزش و پرورش به تأیید شهید رجایی وزیر آموزش و پرورش رسید با تصویب این اساسنامه فعالیت کلیه مراکز تربیت معلم قدیم اعم از دانشسراهای مقدماتی ، راهنمایی تحصیلی ، مراکز تربیت مربی کودک ، مراکز تربیت معلم روستایی و عشایری عملاً متوقف گردید . بدین معنی که برای سال اول این مراکز ، دانشجوی جدید پذیرفته نشد ولیکن دانشجویان سال دوم تحصیل خود را به اتمام رساندند .

طبق مفاد این اساسنامه ، مراکز تربیت معلم به منظور تربیت و تأمین معلمان شایسته برای مدارس ابتدایی و راهنمایی تحصیلی در سطح کشور تأسیس می شود مدت تحصیل در این مراکز ۲ سال و به صورت شبانه روزی می باشد . داوطلبان ورود به مراکز تربیت معلم باید دارای گواهینامه کامل متوسطه بوده و سن آنها بین ۱۷ و ۲۲ سال باشد این داوطلبان از طریق امتحان ورودی و مصاحبه انتخاب می شوند . رشته های مراکز تربیت معلم عبارت بود از : ۱- آموزش ابتدایی ۲- علوم ریاضی ۳- علوم تجربی ۴- علوم انسانی ۵- دینی و عربی ۶- زبان خارجه ۷- تربیت بدنی ۸- حرفه و فن ۹- هنر ۱۰- کودکان استثنایی . به فارغ التحصیلان این مراکز مدرک فوق دیپلم اعطاء می گردد . آزمون اولین دوره پذیرش دانشجو برای این مراکز در سال ۵۸ برگزار شد و حدود ۷۰۰۰ نفر در رشته های ۱۰ گانه پذیرفته شده و در مراکز تربیت معلم به تحصیل اشتغال یافتند .

به دلیل مشکلات موجود در اوایل انقلاب اسلامی پذیرش دانشجو برای مراکز تربیت معلم در سال ۱۳۵۹ متوقف گردید و در این سال دفتر تربیت معلم با بررسی وسیع و همه جانبه ، تغییراتی در روند برنامه ریزی و اجرایی مراکز به وجود آورد و در قالب طرحی جدید ، در سال ۱۳۶۰ از طریق آزمون سراسری در ۵۲ باب مرکز تربیت معلم تعداد ۱۹۲۰۴ نفر دانشجو پذیرش شد این دوره را به نام « دوره شهید رجایی و باهنر » نامگذاری نمودند . این مراکز در دی ماه سال ۱۳۶۰ با پیام حضرت امام خمینی ( ره ) بازگشایی گردید و دانشجویان تحصیلات خود را در آن آغاز نمودند . براساس طرح جدید رشته های مراکز تربیت معلم به ۱۲ رشته افزایش یافت که عبارت بودند از : ۱- آموزش ابتدایی ۲- ادبیات



فارسی ۳- علوم اجتماعی ۴- ریاضی ۵- علوم تجربی ۶- زبان انگلیسی ۷- امور پرورشی ۸- دینی و عربی ۹- هنر ۱۰- تربیت بدنی ۱۱- حرفه و فن ۱۲- کودکان استثنایی ( با چهار گرایش نابینا ، ناشنوا ، عقب مانده ذهنی ، ناسازگار )  
 براساس طرح مزبور دوره تحصیل در مراکز از ۲ سال به ۳ سال افزایش یافت به این ترتیب که سال اول تحصیل به صورت نظری در مراکز محل تحصیل و سال دوم به عنوان تدریس عملی ( به صورت تمام وقت حق التدریسی ) در مدارس مناطق سهمیه خود ، سال سوم را مجدداً در مراکز تربیت معلم به تحصیل ادامه دهند که به علت مشکلات اجرایی و نیاز مناطق آموزش و پرورش به معلم ، اجرای تحصیل سال سوم دانشجویان در مراکز عملی نگردید و بناچار دونیم سال باقیمانده را در دو تابستان طی نمودند و از آن به بعد نیز دوران تحصیل در مراکز تربیت معلم به صورت ۲ سال تحصیلی متوالی انجام پذیرفت .

❖ ۱۳۶۱: طرح کاد که هدف آن پرورش روحیه ی کار طلبی کار جویی آشنایی دانش آموزان با دنیای کار

صنعت و خدمات بود. ( آقازاده، احمد؛ آرمند، محمد، ۱۳۹۲، ص ۱۴۵).

طرح کاد یا طرح کار و دانش طرح و پروژه‌های در نظام قدیم آموزشی ایران بود که در دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ در دبیرستان‌های ایران اجرا می‌شد. در این طرح وزارت آموزش و پرورش دانش آموزان دبیرستانی در هر هفته یک روز را برای کارورزی در یکی از مراکز صنعتی و آموزشی طی می‌کردند. و تحت نظر استاد کار با نظارت اولیا به کسب مهارت مفید و مورد علاقه بپردازند. بیشتر محصلان پسر در کارگاه های نجاری، تراشکاری، مکانیکی، کابینت سازی، قطعه سازی و غیره مشغول به کار می‌شدند و دختران نیز در مدارس خود دوره های خیاطی بافتنی کمکهای اولیه را طی می‌کردند. این طرح در سال ۱۳۷۳ خورشیدی منسوخ شد.

علت شکست طرح : کمبود اعتبار مالی و ضعف همکاری صاحبان حرفه و مشاغل کمبود راهنمایان و استاد کاران .

❖ در شهریور ماه ۱۳۶۲ اساسنامه مراکز تربیت معلم به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید . طبق این اساسنامه هدف از مراکز تربیت معلم ، تأمین و تربیت معلم مورد نیاز آموزش و پرورش در دوره های قبل از دبستان ، دبستان و راهنمایی تحصیلی می باشد . مراکز شبانه روزی بوده و مدت تحصیل در آن ۲ سال تعیین شده است و دارندگان مدرک دیپلم کامل متوسطه به شرط داشتن ۱۷ تا ۲۲ سال سن و موفقیت در آزمون ورودی می توانند به این مراکز وارد شوند و به فارغ التحصیلان آن گواهی فوق دیپلم اعطا می شود .

همچنین در اسفندماه سال ۱۳۶۲ اساسنامه دانشسراهای تربیت معلم به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید . هدف از تأسیس این دانشسراها تأمین و تربیت معلم مورد نیاز در دبستان ها بالاخص در روستاها و مناطق محروم سراسر کشور می باشد دارندگان مدرک پایان تحصیلات دوره راهنمایی که سن آنان بین ۱۴ تا ۱۷ سال بوده و در آزمون ورودی موفق گردند می توانند وارد این دانشسراها شوند . مدت تحصیل در دانشسرا ۴ سال بوده و به فارغ



التحصیلان آن مدرک دیپلم کامل متوسطه در رشته آموزش و پرورش ابتدایی اعطاء می شود این افراد موظفند دوبرابر مدت سنوات تحصیل در منطقه سهمیه خدمتی مربوط ایفای خدمت نمایند. دانشسراهای مزبور منحصراً در روستاها و یا بخش ها دایر شدند.

❖ با توجه به اینکه امکان تأسیس دانشسرا در بعضی مناطق روستایی طبق اساسنامه مزبور وجود نداشت، لذا شورای عالی آموزش و پرورش در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۴ مجوز تأسیس دانشسراهای تربیت معلم روستایی را در شهرستانهای استان های محروم کشور به تصویب رساند.

❖ شورای عالی آموزش و پرورش طبق مصوبه فروردین ماه سال ۱۳۶۵ با تأسیس دانشسراهای تربیت معلم ۲ ساله در مناطق شهری موافقت نمود. دارندگان مدرک قبولی سال دوم دبیرستانهای نظری می توانستند وارد این دانشسراها شده و پس از ۲ سال تحصیل موفق به اخذ مدرک دیپلم کامل متوسطه در رشته آموزش و پرورش ابتدایی کردند.

❖ ۱۳۶۳ ایجاد شورای عالی انقلاب فرهنگی

❖ ۱۳۶۵ طرح سرباز معلم

طرح شاهد:

امام خمینی، سلام الله علیه، رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، به منظور رسیدگی همه جانبه به مسائل فرهنگی و تحصیلی فرزندان عزیز "شاهد" در تاریخ ششم فروردین ماه سال ۶۵، حکمی خطاب به جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای کریمی نماینده معظم له در بنیاد شهید انقلاب اسلامی، صادر فرمودند و در این حکم از ایشان خواستند به اتفاق وزرای آموزش و پرورش و آموزش عالی طرحی جهت تحقق این امر مهم تهیه نمایند.

شورای طرح و برنامه "به منظور تحقق اهداف عالی حضرت امام(س) در امر رسیدگی به امور تحصیلی و فرهنگی فرزندان "شاهد" و نیز به منظور انسجام بخشیدن به کلیه فعالیتهای وزارتخانه ها و نهادهای مورد خطاب "فرمان" اساسنامه حاضر را تدوین نموده است:

ماده ۱ - هدف: تربیت، آموزش و رشد همه جانبه فرزندان شاهد و برطرف ساختن موانع و معضلات سر راه این مهم با بسیج همه امکانات رسمی کشور و تشویق سرمایه ها و امکانات مردمی جهت فراهم آوردن شرایط مطلوب اسلامی در جهت شکوفایی فرهنگی و الگو ساختن این یادگاران عزیزان "تبار خونبار" به منظور آن که رسالت بزرگ پدران بزرگوار خود را به دوش کشند و در راه تهذیب و تحصیل خود با الهام از روح پر فتوح سربازان امامزمان (ارواحنا فداه) تلاش وافر نمایند و با کسب دانش و معنویت اسلامی امور جامعه خویش را به دست گیرند.





وظایف خاص وزارت آموزش و پرورش در رابطه با طرح شاهد:

۱- اولویت دادن در تأمین نیروی انسانی مورد نیاز کادر آموزشی، پرورشی و اداری طرح شاهد از بین نیروهای مجرب و متعهد و همچنین در تأمین نیازهای مالی، تدارکاتی، خدماتی، رفاهی و فضای آموزشی مناسب طرحهای مصوب شاهد مربوط به امور تحصیلی و فرهنگی و تقویت بنیه علمیفرزدان شاهد طبق مصوبات شورای طرح و برنامه شاهد

۲- تأسیس اداره کل شاهد در وزارتخانه

۳- در شرایط مساوی (و سپس اولویت دادن) در پذیرش فرزندان شاهد در واحدهای آموزشی تحت پوشش از قبیل: دانشسراها و مراکز تربیت معلم، مراکز فنی حرفه‌ای، مدارس تیزهوشان مدارس نمونه و استثنایی.

در این اساسنامه به فرزندان عزیز شهدا و مفقودین و اسراء به اختصار فرزندان شاهد اطلاق خواهد شد. فرزندان انبازانی که متحمل ضایعاتی بیش از ۷۰٪ شده اند در حکم فرزندان شاهد محسوب گردیده و از مزایای ایشان بهره‌مند خواهند شد.

در این اساسنامه برای وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی و وظایفی ذکر شده است.

❖ در سال ۱۳۶۶ اساسنامه سمپاد توسط میر حسین موسوی نخست وزیر وقت تصویب شد و این سازمان تحت

نام سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان (سمپاد) با ۲ مرکز و ۸۰۲ دانش آموز به آموزش و پرورش پیوست؛ و جایگاهی مستحکم تر یافت. مدرسه پسرانه تهران به نام علامه حلی و مدرسه دختران تهران به نام فرزندان نامیده شد.

معاونت پرورش استعدادهای درخشان یکی از معاونتهای مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش پژوهان جوان است. پیش از این، سازمان جداگانه سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان نام داشت. این معاونت نهادی است که بر امور تحصیلی دانش آموزان مستعد و با بهره هوشی بالا نظارت می کند. این سازمان را به اختصار سمپاد هم میگویند. اما در زبان عمومی و بین دانش آموزان به موسسه تیزهوشان معروف است. این سازمان دارای مدرسه های راهنمایی، دبیرستان و پیش دانشگاهی دخترانه و پسرانه در شهرهای پرجمعیت تر است. سمپاد دانش آموزان خود را در دو مقطع راهنمایی و دبیرستان از طریق آزمونهای سراسری که عمدتاً مبتنی بر ارزیابی هوش، دانش ریاضیات و علوم است انتخاب میکند. گزینش در مدارس سمپاد بر اساس آزمون و در دو مقطع راهنمایی و دبیرستان برگزار میشود.

❖ ۱۳۶۷ قانون تأسیس مدارس غیر انتفاعی



ضوابط تاسیس مدارس غیر انتفاعی ماده ۱-۱ مدارس غیر انتفاعی مدارسی است که از طریق مشارکت مردم، مطابق اهداف و ضوابط و برنامه‌ها و دستورالعمل‌های عمومی وزارت آموزش و پرورش تحت نظارت آن وزارتخانه تاسیس و اداره می‌شود.

تبصره - منظور از غیر انتفاعی بودن آنست که درآمد حاصله صرفاً صرف هزینه‌های جاری و توسعه آتی مدارس گردد.

ماده ۲- مدارس غیر انتفاعی در هر یک از دوره‌های زیر بوسیله اشخاص حقیقی یا حقوقی تاسیس خواهد شد:

الف - کودکستان (آمادگی، سال ماقبل دبستان). ب - ابتدایی ج - راهنمایی تحصیلی د - متوسطه شامل دبیرستانهای نظری و هنرستانها (در رشته‌های مختلف مصوب وزارت آموزش و پرورش) ه - آموزشگاههای آمادگی کنکور و کلاسهای تقویتی

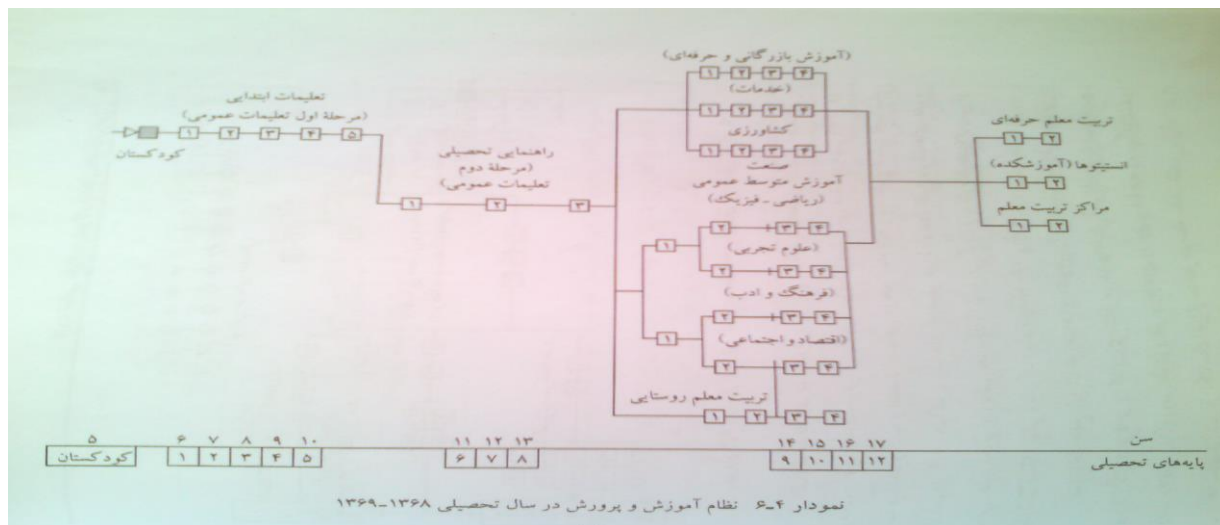


۷۴

ماده ۳- شرایط آموزش، فنی، تربیتی، بهداشتی و ایمنی واحدهای آموزشی در تمام مدت سال تحصیلی باید با ضوابط و دستورالعمل‌های آن که از طرف آموزش و پرورش ابلاغ می‌شود مطابقت داشته باشد.

ماده ۹- برنامه‌های آموزشی و تربیتی، کتب درسی و امتحانات مدارس غیر انتفاعی طبق قوانین ومقررات و دستورالعمل‌های عمومی وزارت آموزش و پرورش خواهد بود.

ماده ۱۰- مربیان امور تربیتی واحد آموزشی طبق آئیننامه اجرایی این قانون توسط موسس یا موسسان به آموزش و پرورش معرفی و پس از تایید مشغول بکار می‌شوند.



❖ قانون « متعهدین خدمت در آموزش و پرورش » در خردادماه سال ۱۳۶۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی

رسید. براساس این قانون دانش آموزان دانشسراها و دانشجویان مراکز تربیت معلم و دانشگاههای تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها مکلفند در آغاز تحصیل خود به وزارت آموزش و پرورش تعهد خدمت بسپارند. افراد متعهد خدمت در حین تحصیل به استخدام آزمایشی در آمده و می توانند از حقوق کارآموزی ماهانه معادل حقوق و فوق العاده شغل مدرک تحصیلی مربوط استفاده نمایند.

پس از استخدام رسمی این افراد در وزارت آموزش و پرورش مدت تحصیل آنان جزء سابقه خدمت آموزشی محاسبه می شود. متعهدین خدمت موظفند پس از فراغت از تحصیل به میزان دوبرابر مدت تحصیل که حداقل آن کمتر از پنجسال نخواهد بود، در هر محلی که آموزش و پرورش تعیین نماید خدمت کنند و هیچیک از وزارتخانه ها، سازمانها، مؤسسات و شرکت های دولتی و وابسته به دولت و شهرداریها و... قبل از انجام یا لغو تعهد آنان، مجاز به استخدام و به کارگیری این قبیل متعهدین خدمت نمی باشند.



۷۵

از سال ۱۳۶۹ آزمون ورودی مراکز تربیت معلم در آزمون ورودی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ادغام گردید و از همان سال آئین نامه آموزشی مصوب شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم در مراکز اجرا شد. ۷۱-۷۲ از این سال به بعد به دلیل تغییرات در سیاستگذاری جذب نیروی انسانی و کاهش رشد جمعیت دانش آموزی به تدریج سهمیه پذیرش برای تربیت نیرو در تربیت معلم کاهش یافت و نهایتاً در سال ۷۴ اختصاص سهمیه برای پذیرش در دانشسراهای تربیت معلم متوقف شد و این دانشسراها با پایان یافتن تحصیلات دانش آموز معلمان شاغل به تحصیل در آنها عملاً از سال ۱۳۷۶ تعطیل گردیدند و سهمیه پذیرش دانشجو برای مراکز تربیت معلم هم به حدود ۵۰۰۰ نفر در سال تقلیل یافت.

تغییر در نظام متوسطه و ایجاد نظام ترمی- واحدی و سپس سالی- واحدی بر اساس طرح تغییر بنیادین

#### ❖ نظام در سال ۱۳۷۱

در طول دوران پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، یکی از دغدغه های صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت تاسیس دانشگاه فرهنگیان متناسب با شان و منزلت فرهنگیان بوده است که مقدمات ایجاد آن با عنایت پروردگار و تدبیر ریاست محترم جمهوری در تابستان ۱۳۸۷ رقم خورد. در طول سال های ۸۸-۱۳۸۷ و قبل از حضور جناب آقای دکتر حاجی بابایی برخی اقدامات در خصوص راه اندازی دانشگاه فرهنگیان انجام گرفت، لیکن امکان تاسیس آن فراهم نگردید. این مهم پس از حضور ایشان در راس وزارت متبوع به عنوان یکی از رویکردهای جدی مورد توجه ویژه و پیگیری قرار گرفت

موافقت با اصل تشکیل " سازمان مدارس غیر انتفاعی و مشارکتهای مردمی " وابسته به وزارت آموزش و پرورش مصوب یکصد و هفتاد و پنجمین جلسه مورخ ۱۰،۶،۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی بنا به پیشنهاد وزیر محترم آموزش و پرورش مبنی بر اینکه به منظور ایجاد تشکیلاتی مناسب و کارآمد برای اجرای قانون تاسیس مدارس غیر

انتفاعی و جذب و جلب مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش سازمانی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تشکیل شود که رییس آن در حد معاون وزیر آموزش و پرورش باشد، شورای عالی با اصل تشکیل این سازمان موافقت و مقرر نمود که رییس این سازمان را وزیر آموزش و پرورش جهت تأیید به شورای عالی معرفی نماید. ضمناً مقرر گردید که اساسنامه‌ای برای این سازمان تدوین شود.

مصوب جلسه ۴۴۱ مورخ ۷۸،۲،۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی (ماده واحده: مدارس شاهد (متعلق به بنیاد شهید) که پس از پایان دفاع مقدس، ترکیب دانش آموزی فرزندان شهدا و مفقودان آن مدارس از درصد مندرج در اساسنامه طرح شاهد کاهش می‌یابد همانند ضوابط و مقررات مدارس شاهد با ترکیب دانش آموزی ((فرزندان، نوادگان، برادران و خواهران شهدا و مفقودان، فرزندان جانبازان، آزادگان و رزمندگان)) با مدیریت وزارت آموزش و پرورش به فعالیت آموزشی و پرورشی خود ادامه می‌دهند.

تبصره ۱: هزینه‌های دولتی این مدارس توسط وزارت آموزش و پرورش و هزینه‌های فوق برنامه‌های آموزشی و پرورشی از طریق مشارکت اولیای دانش‌آموزان و دستگاه‌های مرتبط با این‌ها تأمین خواهد شد.

تبصره ۲: تعیین این مدارس، ضوابط مشارکت مردم و دستگاه‌های مرتبط، نحوه پذیرش دانش‌آموزان و تعیین اولویت‌ها توسط وزارت آموزش و پرورش تهیه و به تصویب شورای طرح و برنامه شاهد خواهد رسید.

رییس جمهور و رییس شورای عالی انقلاب فرهنگی - سید محمد خاتمی.

مصوب ۱۳۸۷ - اساسنامه سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکتهای مردمی را به شرح زیر تصویب نمود:

مصوبه هفتصد و هشتاد و هشتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۸/۲/۱

موضوع: آیین‌نامه توسعه مشارکتهای مردمی به شیوه مدیریت هیات امنایی در مدارس از جمله وظایف وزارت آموزش و پرورش: موظف است ضمن فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای اجرای مطلوب این آیین‌نامه: دوره‌های آموزشی و تربیتی موردنیاز برای ارتقای صلاحیت حرفه‌ای مدیران، معلمان و مربیان پرورشی این مدارس را برنامه‌ریزی و اجرا نماید. در اجرای این برنامه‌ها باید از مشارکت هیات امنای برای نیازسنجی و تأمین هزینه‌های آموزشی حداکثر استفاده به عمل آید. ۲- اختیارات لازم برای ایفای وظایف هیات امنای و مدیران این مدارس در زمینه‌های برنامه‌ریزی مالی، اداری و منابع انسانی را در چارچوب قرارداد فی مابین مدرسه و آموزش و پرورش تفویض نماید.

❖ ۱۳۹۰ دانشگاه فرهنگیان/سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

سند تحول بنیادین در آذر ماه ۹۰ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. بر اساس این سند وزارت آموزش و پرورش موظف شد حداکثر تا یکسال برنامه‌ی اجرای زیر نظام‌های ششگانه سند را تدوین کند و به تصویب رساند.



انتزاع مجموعه فعالیت های مغایر با اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش ، یکی از ماموریت های جناب آقای دکتر حاجی بابایی در وزارت آموزش و پرورش بوده است. از جمله ی این فعالیت ها می توان به فعالیت دانشکده و آموزشکده های فنی و حرفه ای دربندنه ی آموزش و پرورش اشاره نمود ، پذیرش سالانه حدود یکصد هزار نفر دانشجوی آزاد در مراکز یاد شده ، وزارت آموزش و پرورش را بر آن داشت تا این مجموعه عظیم را از بدنه آن خارج و به وزارت علوم ملحق نماید تا از این طریق ضمن ارتقاء جایگاه مراکز مزبور ، آموزش و پرورش نیز از وظایف تحمیلی و غیر قانونی خود فارغ گردد در همین راستا و پس از پیگیری های متعدد ، با تصویب ماده ۲۳ قانون برنامه ی پنج ساله ی پنجم توسعه زمینه انتزاع آموزشکده ها و دانشکده های فنی و حرفه ای فراهم گردید . مراکز آموزشی یاد شده از اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ با کلیه امکانات ، اموال منقول و غیر منقول ، نیروی انسانی ، دارایی ها ، تعهدات و مسئولیت ها به صورت کامل از وزارت آموزش و پرورش منتزع و فعالیت آن در قالب دانشگاه فنی و حرفه ای زیر نظر وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری آغاز گردید.

.(مصوب جلسه ۶۹۴ مورخ ۱۳۹۰/۵/۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

ماده واحده «تشکیل دانشگاه ویژه فرهنگیان» که در جلسه ۶۹۴ مورخ ۱۳۹۰/۵/۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است، به شرح ذیل برای اجرا ابلاغ می شود .

ماده واحده - «دانشگاه ویژه فرهنگیان وابسته به وزارت آموزش و پرورش بوده و مطابق ضوابط، مقررات و استانداردهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به صورت هیأت امنایی تشکیل می شود .

تبصره ۱- این دانشگاه به تعداد مراکز استان ها و شهر تهران (در حال حاضر ۳۲ واحد) به صورت پردیس دختران و پسران و در مراکز استان ها تشکیل می شود .

تبصره ۲- مراکز مذکور در تبصره فوق، جایگزین مراکز تربیت معلم موجود می شود .

تبصره ۳- دانشجویان این دانشگاه مطابق قوانین و مقررات، متعهد به خدمت در وزارت آموزش و پرورش خواهند بود .

تبصره ۴- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، دبیر هیأت امنای دانشگاه ویژه فرهنگیان می باشد.

در راستای شکل گیری دانشگاه فرهنگیان، پس از پیگیری ها و تشکیل جلسات متعدد ، در نهایت متن اساسنامه ”

دانشگاه فرهنگیان ” با پیشنهاد مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۸ وزیر آموزش و پرورش ، در جلسه ۷۰۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۶ شورای

عالی انقلاب فرهنگی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱ توسط ریاست محترم جمهور ابلاغ گردید . در این راستا فعالیت

دانشگاه فرهنگیان به صورت رسمی آغازو بر این اساس جایگاه مراکز تربیت معلم تقویت شده و در استان ها ادامه

فعالیت خواهند نمود . طبق مواد ۵ اساسنامه و تبصره ماده ۴ آن ، سازمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان در شهر تهران

مستقر همچنین ۳۲ پردیس برادران و ۳۲ پردیس خواهران در استان ها راه اندازی شده است.



با شکل گیری دانشگاه مزبور و بر اساس مصوبه ی هیات محترم دولت ، جذب ۲۵۰۰۰ دانشجوی متعهد خدمت از طریق آزمون سراسری سال ۱۳۹۱، در دستور کار قرار گرفت.

آزمون ورودی سال ۱۳۹۰ سمپاد و آزمون ورودی مدارس نمونه دولتی ادغام شد و به این ترتیب، سوالات هوش از این سنجش دانش آموزان استعداد های درخشان حذف شد. همچنین از آن سال ظرفیت کلاس های این مدارس به ۳۰ نفر افزایش یافت و به همین دلیل در سال ۱۳۹۱ آزمون تکمیل ظرفیت برای پایه دوم متوسطه برگزار شد. (ویکی پدیا)

سمپاد تا چند سال پیش، صرفاً در رشته های ریاضی فیزیک و علوم تجربی آموزش می داد، اما اخیراً رشته های انسانی را نیز در حجمی محدود دائر کرده است.

رشته ادبیات و علوم انسانی برای اولین بار در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ در مدارس سمپاد ایجاد و به مرور توسعه یافت؛ برنامه ریزی برای ترغیب دانش موزان به انتخاب این رشته تحصیلی و راه اندازی آن در اکثر استانها در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ صورت گرفت که گام اول در مهرماه ۹۰ با ۲ استان و ۵۸ دانش آموز و گام دوم در مهرماه ۹۱ با ۱۹ استان کشور و ۴۰ کلاس و ۶۰۳ دانش آموز برداشته شد.

#### **اجرای طرح شناسایی و هدایت استعداد های برتر (شهاب)**

تعداد مدارس و دانش آموزان سمپاد طی سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲ روندی افزایشی داشت که به رعم مسئولان آموزش و پرورش دولت یازدهم روند افزایشی مذکور بی رویه و نادرست بود و باید اصلاح شود. و بر همین اساس وزارت آموزش و پرورش دولت یازدهم با ایده افزایش کیفیت ،سیاست کاهش تعداد دانش آموزان مدارس سمپاد را در پیش گرفت. رویکرد دیگر وزارتخانه پرورش استعداد های برتر در میان دانش آموزان عادی (عدم جداسازی) است که طرح شهاب نیز همسو با آن از سال تحصیلی ۹۱-۹۲ آغاز شد.

طرح شهاب با همکاری بنیاد ملی نخبگان و با هدف فرهنگ سازی و اجرایی کردن رویه "استعدادیابی" و "استعدادپروری" در مرحله آزمایشی در ۳۵ منطقه آموزشی در استانهای آذربایجان شرقی، البرز، اصفهان، خراسان جنوبی و شمالی، کرمانشاه و هرمزگان به مرحله اجرا درآمد.

با اجرای مرحله آزمایشی شهاب، ۷ درصد دانش آموزان پایه های تحصیلی مخاطب در یکی از دوره های تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی تحصیلی، متوسطه) تحت پوشش این طرح قرار گرفتند. (کانون)

در سال ۱۳۹۲ طبق نظام جدید اداره آموزش و پرورش ایران (۶ سال ابتدایی و ۶ سال دبیرستان) نام مدارس راهنمایی به دبیرستان دوره اول تغییر کرد. همچنین، دبیرستان به دبیرستان دوره دوم تغییر نام داد.

وزارت آموزش و پرورش در سال ۹۳ در قالب بسته حمایتی از مدارس غیر دولتی در سطحی نسبتاً گسترده به خرید خدمات آموزشی از بخش خصوصی اقدام نمود و در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ حدود ۱۶۶ هزار دانش آموز در این طرح پوشش داده شدند. براساس یکی از راهکارهای این طرح در برخی مناطق به دلیل پرهزینه بودن ارائه خدمات یا کمبود معلم در مدارس دولتی ،دانش آموزان به بخش غیر دولتی سپرده شده است. البته به گفته مسئولین وزارت



آموزش و پرورش در این طرح به دانش آموزان منتقل شده هیچ هزینه ای تحمیل نمی شود و دولت سرانه ی آموزشی را می پردازد.

❖ ۱۳۹۵ تصویب لایحه ی دائمی شدن تاسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیر دولتی دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه ی پایدار موسوم به سند ۲۰۳۰، برنامه ای ۱۵ ساله برای توسعه ی پایدار کشورهای جهان به ویژه کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه است که حوزه های متنوع اجتماعی و اقتصادی از جمله آموزش و پرورش سلامت و زنان و خانواده محیط زیست کشاورزی و آب و انرژی را دربر می گیرد. این سند توسط سازمان ملل متحد برای افق ۲۰۳۰ میلادی تهیه شده و به تصویب رسیده است.

در سال ۹۵ چارچوب عمل جهانی آموزش و یادگیری مادام العمر با کیفیت برابر و فراگیر مورد توجه مسئولین کشور به ویژه مسئولین آموزشی قرار گرفت. (میراث یازدهم شهریور، ۱۳۹۶)

### بررسی و تحلیل:

مجموعه کوشش های انجام شده را می توان در دو دوره زمانی جمع بندی کرد: دوره اول، دوره اقدامهای عملی و اجرایی با هدف اصلاح نظام و رفع مشکلات مبتلا به آن است که دو دهه اول انقلاب را در بر می گیرد و حتی طرح تغییر بنیادین نظام آموزشی که در سال ۱۳۶۷ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه شده، با تکیه بر شرایط و مشکلات نظام آموزشی طراحی شده است و به همین دلیل مبنای نسبی برخی اقدامهای اصلاحی پس از آن است. دوره دوم که دوره غلبه مطالعات نظری و ارائه طرحهای بنیادین با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است، از اواخر دهه هفتاد آغاز می شود و بر این اساس که وجود یک فلسفه مدون برای نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مبنای کلیه فعالیت های آموزشی- پرورشی ضروری است، عمده تلاش ها در این راستا متمرکز است. تدوین چند فلسفه آموزش و پرورش اسلامی از اواخر دهه هفتاد تا امروز مؤید این موضوع است (ایروانی، ۱۳۹۱).

در این گزاره تردیدی وجود ندارد که دولت باید وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه تا پایان دوره متوسطه فراهم نماید. لکن چالش اصلی از آنجا رخ می نماید که برخی معتقد به وظیفه حداکثری دولت در ارائه خدمات هستند. و گروهی دیگر نیز بر این باورند که دولت ها حتی الامکان باید به صورت غیر مستقیم یا حداقلی خدمات خویش را ارائه دهند. هر یک از دودیدگاه فوق در امور آموزش و پرورش دلالت های خاص خود را دارند. نقش وزارت آموزش و پرورش در مواردی نظیر کنترل آموزش های خصوصی تالیف کتاب و مدیریت مدارس ارزشیابی و حتی تربیت معلم از دو منظر مذکور متفاوت می شود.



در این میانه دیدگاه هایی می توان یافت که در عین اعتقاد به حضور حداکثر دولت برای مردم نیز نقشی ویژه و انکار نشدنی قائل می شوند. الگوی مدیریت دولتی عمومی مدارس، چند تالیفی شدن کتب درسی، توسعه شوراهای آموزش و پرورش بهره گیری از انجمن های اولیا و مربیان و حتی استفاده از ظرفیت مساجد و حوزه های علمیه از دلالت های تفکرات میانه است. باید اذعان نمود که طی دهه های اخیر دیدگاه واحدی بر حوزه اجرای قوانین و سیاست های تربیتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور حاکم نبوده است. در یک دوره عده ای با شعار کاستن از بار مالی دولت ها و افزایش کیفیت و مشارکت مردم به توسعه نقش آفرینی بخش غیر دولتی روی آوردند. لکن در دوره ای دیگر با توسعه آموزش های دولتی و تنوع بخشی به مدارس دولتی، نقش آفرینی بخش خصوصی تهدید شد. فقدان راهبردی واحد برای تعیین مرز بندی میان مردم و دولت در خصوص اداره آموزش و پرورش یکی از مهم ترین چالش های حوزه ی اجرا به شمار می رود. (آزنگ، عصر اندیشه)



سوالات: آیا سند تحول نیاز به بازنگری دارد؟ چه نقد هایی بر سند تحول می توان داشت؟ آیا این نقد ها اساسی و ضروری هستند؟ مهم ترن مانع تحقق سند تحول چیست؟ به رغم تدوین سند تحول بنیادین و میل مجریان به اجرای آن چرا توفیق چندانی تا کنون در تحقق اهداف سند حاصل نمی شود؟ نسبت و جایگاه کنکور به عنوان پیوند دهنده وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم در اجرایی شدن سند تحول چیست؟

آیا هر نوع اقدامی برای ارجاع تحول به معلم در شرایطی که او را با عادت واره های تربیت خودش خو داده ایم بدون اینکه خود آگاه باشد و مقاومت پنهانی از طریق نفوذ و تسلیم همین ساختار ها و عادت ها دارد، با جالش روبه رو

ردیف	نوع مدرسه	سال	مرجع شکل گیری	گروه هدف	برنامه آموزشی	منبع مالی / نحوه اداره
۹	غیردولتی (غیرانتفاعی)	۱۳۶۷	قانون مجلس	عمومی - خانواده‌هایی یا پایگاه اقتصادی و اجتماعی متوسط به بالا	عادی - یا ساعات فوق برنامه	منبع مالی / نحوه اداره مدرسه
۱۰	هوشمند	۱۳۸۳	مصوبه شورای فناوری اطلاعات و ارتباطات وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	عمومی	عادی - یا فعالیت‌های تولید محتوا	دولتی و مشارکت مردمی
۱۱	تیزهوشان	۱۳۶۷	جواد اژه‌ای و وزیر وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری وقت	عمومی - یا آزمون ورودی	عادی و فوق برنامه	دولتی و مشارکت مردمی
۱۲	آموزش از راه دور	۱۳۷۵	شورای عالی انقلاب فرهنگی - آیین نامه اجازه تأسیس سال ۱۳۸۳ - اصلاح سال ۱۳۹۰ - شورای عالی وزارت آموزش و پرورش	لازم‌التعلیم معلول و متأهل - شرایط سنی بالا - یا زماندارگان از تحصیل	عادی - یا ساعات کمتر و جلسات رفع اشکال	دولتی و شهریه‌ای
۱۳	مدارس و مراکز آموزشی وابسته به دستگاه‌ها	۱۳۸۸	مصوبه شورای عالی وزارت آموزش و پرورش	عمومی - وابسته به وزارتخانه‌ها و نهادهای عمومی	عادی - یا محتوای درسی اضافه و مرتبط	مشارکت در سرمایه‌گذاری و نیروی انسانی امکانات و قضا - وزارت آموزش و پرورش در تأمین بخشی از هزینه‌ها مشارکت می‌کند
۱۴	مدارس ورزش	۱۳۸۴	مصوبه شورای عالی وزارت آموزش و پرورش براساس قانون برنامه چهارم	آزمون و تست سلامت	تخصصی ویژه ورزش	در انواع دولتی - غیرانتفاعی - وزارتخانه‌ها - هیئت امنایی
۱۵	مجتمع آموزشی تطبیقی		مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش	ویژه دانش‌آموزانی که از سایر کشورها منتقل شده‌اند	عادی و تطبیقی	-



منبع: معاونت پژوهش های اجتماعی فرهنگی، دفتر مطالعات اجتماعی، گونه شناسی مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران، اسفند ۹۵

ردیف	نوع مدرسه	سال تأسیس	مرجع شکل گیری	گروه هدف	برنامه آموزشی	منبع مالی / نحوه اداره مدرسه
	مجتمع های آموزشی و پرورشی	۱۳۹۰	مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش	عمومی	عادی	-
۱۶	مدارس ایرانی خارج از کشور			ویژه مأمورین خدمت و ایرانیان خارج از کشور	عادی	-
۱۷	مدارس بزرگسالان			ویژه فراگیران یا ستین بالای هیجده سال	عادی - یا برنامه سیکتر	دولتی - غیردولتی
۱۸	مدارس استثنایی			ویژه فراگیران یا ناتوانی های مختلف ذهنی - جسمی و حرکتی	ویژه ناتوانی های ذهنی و جسمی	دولتی
۱۹	مدارس ماندگار			عمومی - یا آزمون ورودی	عادی	دولتی و کمک های مردمی
۲۰	دبیرستان های کار دانش رشته بهیاری	۱۳۶۹	مصوب کمیسیون معین شورای عالی وزارت آموزش و پرورش و تصویب اساسنامه در سال ۱۳۶۷ توسط شورای عالی وزارت آموزش و پرورش	شرایط جسمی و روانی - سپردن تعهد خدمت دو برابر سنوات تحصیلی	فنی و حرفه ای ویژه ارائه خدمات پرستاری	-
۲۱	مدارس نمونه مردمی	-	-	-	-	-
۲۲	مدرسه تعاونی		مجوز از وزارت تعاون و وزارت آموزش و پرورش	عمومی - از نوع غیرانتفاعی است	عادی - یا ساعات فوق برنامه	غیرانتفاعی (شهریه)
۲۳	مدرسه اقلیت ها			فرزندان ارامنه و سایر ...	عادی - یا تعلیم ادیان	دولتی و مشارکت خانواده ها
جمع کل دانش آموزان			مدارس عادی دولتی	۱۱.۱۳۹.۹۹۲	جمع کل دانش آموزان در مدارس غیر از مدارس عادی دولتی	

\* مدارس عشایری از پیش از انقلاب وجود داشته اند اما در این جدول بر پایه تاریخ اساسنامه شورای عالی آموزش و پرورش درج شده است.

### جدول ۳. ملاک های تفکیک و تمایز مدارس در ایران

ردیف	مبانی تفکیک و تمایز	نمونه ها
۱	منابع مالی	مدارس دولتی - غیردولتی (غیرانتفاعی) - مشارکتی (هیئت امنایی - تیزهوشان - ورزش - بزرگسالان - آموزش از راه دور - وابسته به دستگاهها ...)
۲	ویژگی های فراگیران (سنی) - هوش و استعداد - قدرت بدنی	مدارس بزرگسالان - استثنایی - تیزهوشان - ورزش
۳	ویژگی های منطقه ای	مدارس عشایری - خارج از کشور
۴	امکانات و تجهیزات	مدارس هوشمند
۵	گروه های اجتماعی	مدارس شاهد - ایثارگران - وابسته به دستگاهها
۶	محتوای آموزشی	مدارس قرآنی - معارف اسلامی - ورزش
۷	نحوه اداره	مدارس هیئت امنایی
۸	سایر	از راه دور - تطبیقی



منبع: معاونت پژوهش های اجتماعی فرهنگی، دفتر مطالعات اجتماعی، گونه شناسی مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران، اسفند ۹۵

### جدول ۲. مراجع حقوقی و نهادی شکل‌گیری گونه‌های مدارس در ایران

ردیف	مبانی قانونی	مصادیق
۱	مجلس شورای اسلامی	مدارس غیرانتفاعی
۲	شورای عالی آموزش و پرورش	شبانه‌روزی - عشایری - هیئت امنایی - ورزش - شبانه‌روزی - نمونه دولتی - ایثارگران - مجتمع آموزشی تطبیقی - مدارس وابسته - دبیرستان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی - کاردانش بهیاری (دارای اساسنامه)
۳	شورای عالی انقلاب فرهنگی	آموزش از راه دور - شاهد و ایثارگر
۴	شورای عالی اداری	آموزش از راه دور
۵	شورای عالی فناوری اطلاعات و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	مدرسه هوشمند
۶	وزیر آموزش و پرورش (شخصیت‌های حقوقی)	مدارس قرآنی
۷	وزارت آموزش و پرورش	مدارس هوشمند



نوع مدرسه	نقاط ضعف	نقاط قوت
عادی دولتی	کمبود امکانات و ایجاد مدارس شلوغ و پرتراکم - نبود فرصت رقابت برای دانش‌آموزان سطوح مختلف	فراهم کردن امکانات تحصیل ضروری برای همه - تحقق اهداف مصوب وزارت آموزش و پرورش - شرایط تحصیل برای همه طبقات - تقویت وحدت ملی - افزایش همگرایی - تکیه بر عناصر مشترک اجتماعی و فرهنگی
شبانه‌روزی	دوری از خانواده و مشکلات روحی و روانی و بی‌انگیزی کمبود اعتبارات مالی - شیوع بیماری‌های فصلی و واگیر - کمبود امکانات	فراهم کردن فرصت برابر تحصیلی و افزایش درصد پوشش تحصیلی - پیشگیری از مهاجرت به مراکز شهری
هیئت امنایی	عدم شفافیت به‌لحاظ عملکرد - دشواری مشارکت مالی اولیا - شکست برنامه‌های مشارکتی به‌خاطر تشتت در اهداف مدیر و معلم و اولیا	جذب منابع مالی از مردم - مشارکت مردم در وزارت آموزش و پرورش و تأمین منابع مالی جدید - اجرای سیاست مدرسه‌محوری
عشایری	تأثیر شرایط آب و هوایی و کوچ روی - عدم مشارکت والدین - پراکندگی مدارس و مشکلات نظارت - وجود کلاس‌های چند پایه - ضعف امکانات رفاهی معلمان	گسترش عدالت آموزشی و برابری فرصت‌ها - متناسب بودن برنامه با زندگی عشایری - تقویت هویت خرده‌فرهنگ‌ها

نمونه دولتی	افزایش حجم برنامه‌ها - نتیجه‌محوری و تأکید بر کنکور - تراکم بالای دانش‌آموزان - پذیرش دانش‌آموزان عادی - بالا بردن انتظارات از دانش‌آموزان - ایجاد اضطراب و نگرانی برای شرکت در آزمون‌ها - ضعف برنامه‌های پرورشی و تأکید بر کنکور	ایجاد شرایط برای بروز استعدادهای دانش‌آموزان مستعد - اولویت مناطق محروم کشور در تأسیس مدارس نمونه دولتی - تجهیز این‌گونه مدارس به امکانات آموزشی ویژه - تأکید بر فعالیت‌های علمی و پژوهشی دانش‌آموزان
شاهد	جذب دانش‌آموزان غیر از شاهد اخذ شهریه‌های کلان از آنها - ثبت‌نام‌های سفارشی	فراهم کردن شرایط برای فرزندان شهدا و ایثارگران - به‌کارگیری نیروی انسانی مجرب - بنیان‌های مالی قوی - فضای کافی - اختیار
ایثارگران	کمبود مشاوران متخصص برای کار با دانش‌آموزان - عدم تأمین نیروی انسانی مجرب - عدم توجه به مسائل و مشکلات روحی و روانی دانش‌آموزان - عدم اجرای مصوبه حمایت مالی از سوی بنیاد شهید	فراهم کردن شرایط برای ایثارگران - ارائه دروس به صورت نیمه‌حضور و غیرحضور - عدم نتیجه‌محوری و تأکید بر کنکور - وجود مصوبه برای حمایت مالی بنیاد شهید
مراکز آموزشی وابسته به دستگاه‌ها	ایجاد انحصار در جذب نیرو برای سازمان‌ها - کاهش روحیه همدلی با عموم جامعه - محدودیت ظرفیت پذیرش - عدم حمایت مالی سازمان‌ها	تأمین نیروی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی - تقویت استعدادهای خاص سازمان‌ها - کمک مالی سازمان‌ها - کاهش هزینه‌های آموزشی سازمان‌ها در تأمین نیروی انسانی - استفاده از ظرفیت دستگاه‌های دولتی در توسعه آموزش
آموزش از راه دور	ضعف تعامل میان معلم و فراگیر - ضعف زیرساخت‌های تکنولوژیکی آموزشی - عدم نظارت کافی بر این مراکز - ضعف بنیه آموزشی	فراهم شدن فرصت آموزش برای بازماندگان از تحصیل - انعطاف روش‌ها و برنامه‌های آموزشی - پوشش افراد بازمانده از تحصیل
<b>نوع مدرسه</b>	<b>نقاط ضعف</b>	<b>نقاط قوت</b>
مدارس قرآنی	ضعف امکانات آموزش قرآن - سوءاستفاده از تابلوی مدارس قرآنی برای جذب منابع مالی - اجرای شتابزده ایجاد مدارس قرآنی بدون آماده شدن شرایط	ترویج فرهنگ قرآنی - تخصصی بودن دبیران آموزش قرآن
مدارس غیردولتی	توزیع نابرابر امکانات آموزشی و فرصت‌های آموزشی - یکسان بودن برنامه‌های آموزشی با سایر مدارس و بهره‌وری پایین این مدارس - فضاهای محدود و ساختمان‌های نامناسب - ارائه مشوق‌های کاذب به دانش‌آموزان به علت پاسخگویی به اولیا - نتیجه‌محوری و نادیده گرفتن اهداف پرورشی	امکان انتخاب برای خانواده‌ها - کمک به کاهش هزینه‌های دولتی - جذب سرمایه‌های بخش خصوصی در امر آموزش



<p>کاربرد فناوری‌های جدید تکنولوژی آموزشی - کاهش معلم‌محوری در امر آموزش و مشارکت فراگیران در فرآیند آموزش - برقراری ارتباط مستمر میان مدرسه و دانش‌آموزان</p>	<p>نبود معلمان مسلط به حوزه فناوری - ضعف مهارت‌های رایانه‌های دانش‌آموزان - ضعف نظارت و شفاف نبودن قوانین در این حوزه - فقدان محتوای درسی مناسب - عدم ارتباط سیستمی با آزمون کنکور - اخذ وجوه مختلف به بهانه هوشمندسازی از اولیا - اجرای شتابزده این برنامه و تبلیغاتی بودن آن</p>	<p>هوشمند</p>
<p>ارائه خدمات آموزشی متناسب با توانایی تیزهوشان</p>	<p>ایجاد فرصت‌های نابرابر بر پایه میزان هوش و استعداد - منزوی شدن و احساس غرور و خودبینی در دانش‌آموزان تیزهوش - توزیع نامتوازن مدارس سمیاد در کشور - اشکال در آزمون‌های ورودی - توزیع نامتوازن در رشته‌های تحصیلی به طوری که رشته علوم انسانی ندارد - آزمون‌ها سنجش دقیق و واقع‌گرایانه ندارند - عدم تفاوت در محتوای کتب درسی - کمبود نیروی انسانی توانمند - کمبود منابع مالی - فشار برنامه‌های کلاسی و درسی و ایجاد افسردگی در فراگیران - عدم تناسب خروجی‌های این مدارس با نظام آموزش عالی</p>	<p>تیزهوشان</p>

منبع: معاونت پژوهش‌های اجتماعی فرهنگی، دفتر مطالعات اجتماعی، گونه‌شناسی مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران، اسفند ۹۵.

سازمان استعداد درخشان چه رویکردی در قبال مدارس و رشته‌های فنی و حرفه‌ای داشته است؟ چرا مدارس تیزهوشان باید برای رشته‌های نظری باشد؟

کلمات خصوصی، غیر انتفاعی، غیر دولتی، حمایتی، تعاونی، برای مدارس چه مفهومی دارند؟ خصوصی سازی مدارس با توجه به مبانی فکری و اعتقادی دولت مردان شفافیت و پشتوانه لازم را در ایران دارد؟ اجرای آن ریسک نیست؟ آیا خصوصی سازی آموزش و پرورش در زمان حاضر بیشتر جنبه اقتصادی دارد یا تربیتی؟



آیا میزان امکاناتی که در مدارس خصوصی یا غیر انتفاعی یا غیر دولتی در اختیار دانش آموزان قرار می گیرد متناسب با هزینه هایی هست که دریافت می کنند؟ آیا این مدارس در جهت رفاه عمومی و پیشرفت همگان است؟ آیا هدف آن مبارزه با اسراف بخش عمومی است؟ آیا موسسان به نفع اقتصادی خود فکر می کنند یا نفع فرهنگی و علمی و اقتصادی و... کشور؟ آیا خصوصی سازی با هدف ایجاد رقابت بر سر کیفیت موجب اثربخش تر شدن نظام تعلیم و تربیت می شود؟ مهمترین خطر خصوصی سازی متوجه چه کسانی است؟ آیا توانسته است رضایت والدین و دانش آموزان را فراهم کند؟ فرزندان مدارس غیر دولتی اکثرا چه قشری از جامعه اند؟ آیا بالا بردن کیفیت مدارس فقط متوجه کنکور است؟ معیار تبعیض در توزیع امکانات چیست؟ سعی و تلاش دانش آموز؟ استعداد؟ نیاز جامعه؟ و....



آیا هزینه های اقتصادی پس از جنگ، دولت را بر آن داشت که از بار اقتصادی خود به کمک خصوصی سازی بکاهد؟

۸۵

خصوصی سازی چگونه می تواند در جهت تخصیص سهم بیشتری از منابع دولتی به افراد کم درآمد جامعه، تمرکز زدایی، موثر باشد؟

منظور از مشارکت در امر آموزش چیست؟ مالکیت؟ تصمیم سازی؟ اجرا؟ هزینه؟ و... علاوه بر مردم چه دستگاه ها و نهاد هایی می توانند مشارکت داشته باشند؟ جایگاه سایر وزارت خانه ها و نهاد هایی چون شهرداری، حوزه، مساجد، اوقاف،..... کجاست؟

جایگاه مدارس وابسته به سازمان هاو نهاد هاو... در تحقق سند تحول کجاست؟ این مدارس چه مزایا و معایب دارند؟ آیا این کار جهت گیری خاص خود را نداشت؟ آیا می توان ساز و کاری ارائه داد که آموزش و پرورش ضمن حمایت بتواند آنها را بر مسیر مطلوب هدایت کند یا اصل این کار مورد اشکال است؟

آیا سرانه پرداختی دولت در طرح خرید خدمات آموزشی از بخش غیر دولتی جوابگوی تمام هزینه های آموزشی مربوطه خواهد بود؟ آیا برای بخش غیر دولتی مقرون به صرفه است که صرفا با اتکا به سرانه مذکور آموزش با کیفیتی را به دانش آموزان ذیل این طرح ارائه نماید؟ اگر مقرون به صرفه نباشد چیزی جز کاهش کیفیت خدمات و یا اخذ هزینه اضافی از دانش آموزان را در پی دارد؟

سیاست کاهش مدارس سمپاد و نمونه دولتی چه ارتباطی با حمایت از مدارس غیر دولتی و خصوصی سازی آموزش و پرورش دارد؟ آیا توسعه ی مدارس سمپاد و نمونه دولتی می تواند به عنوان یک خطر برای مدارس خصوصی باشد؟

نظارت نمایندگان مجلس در امر آموزش چگونه است؟ مطالبات آنها تاکنون مربوط به چه حوزه ای بوده است، انتخاب افراد یا مسائل اصلی آموزش و پرورش؟

دلیل کسر بودجه اموش و پرورش چیست؟ عدم پیگیری؟ نداشتن اولویت مناسب برای دولت های سیاسی؟ نگاه مصرفی به آموزش و پرورش؟

چه روش ها و سیاست هایی برای حل مشکل اقتصاد آموزش و پرورش می توان مورد توجه قرار داد؟  
متاسفانه دانش سازمان یافته ای از عرصه اقتصاد آموزش و پرورش در کشور داریم. مرزهای دانش نظریه های علمی حوزه اقتصاد آموزش و پرورش در کشور وجود ندارد. متخصص در حوزه اقتصاد آموزش و پرورش نداریم.  
منظور از نگاه سرمایه ای به آموزش و پرورش چیست؟ آیا منظور بیشتر هزینه کردن است؟ آیا منظور افزایش هرچه بیشتر حقوق معلمان و کارکنان است؟...

شاخص مناسب برای تامین عملکرد مناسب وزیر چیست؟

آیا نهادی که ضمن ثبات در آموزش و پرورش یک پشتوانه فکری برای آن باشد وجود دارد؟ با وجو این که شورای عالی آموزش و پرورش متاثر از وزیر است آیا می تواند اثر گذار باشد؟ آیا چنین نهادی ست که با تغییر وزیر، دچار تغییر و تزلزل نشود؟ آیا شورای عالی آموزش و پرورش فراسازمانی باید باشد؟

آیا امکانش هست که وزیری بیاید و ساز و کاری طراحی شود که آموزش و پرورش با همین بودجه اداره شود؟ حقیقتا اقتصاد چقدر مسئله است؟ مدیریت، ساختار، تمرکز و عدم تمرکز و چطور؟

چه وقت و چگونه آموزش و پرورش به یک مسئله عمومی تبدیل می شود؟

آیا لازم است آموزش و پرورش هم مانند برخی از وزارت خانه ها به نوعی نظارت و تایید رهبر انقلاب تکیه داشته باشد؟ در مورد آموزش و پرورش دولتی و حاکمیتی چه نظری دارید؟

چرا تعلیم و تربیت که فرایندی دیر بازده است باید دست دولت های ۴ ساله و ۸ ساله باشد؟

ایا تامین نیرو فقط از طریق دانشگاه فرهنگیان باید باشد اگر اینگونه است پس علت جذب نیرو از طرق حق التدریسی و ماده ۲۸ و تاخیر در تاسیس دانشگاه فرهنگیان و وقفه چند ساله در فعالیت دانشگاه تربیت معلم و حذف آن از آموزش

و پرورش، ظرفیتی که بتواند براساس بازنشسته های آموزش و پرورش، نیرو مورد نیاز را تامین کند چیست؟

آیا بین تعداد بازنشستگان آموزش و پرورش و معلمان جدید ورود همخوانی وجود دارد؟ راه حل چیست؟

توسعه کمی همراه با توسعه کیفی دانشگاه فرهنگیان چگونه امکان پذیر است؟

تعامل رسانه ملی و آموزش و پرورش رسمی چگونه امکان پذیر است؟ آیا باید شبکه تخصصی ویژه آموزش و پرورش

تشکیل شود؟ میزان همخوانی و ارتباط شبکه های آموزش، پویا،..... با وزارت آموزش و پرورش چگونه است؟

بدون تعیین ریاست دانشگاه فرهنگیان آیا می توان در تدوین برنامه های بلند مدت و برنامه ریزی برای تحقق اهداف

کلان دانشگاه قدم برداشت؟ علت تاخیر در تعیین رییس دانشگاه فرهنگیان چیست؟



تحرك و نشاط و منزلت معلمان در گرو چیست؟

نگاه به شغل معلمی به عنوان کار دولتی چه نتایجی به دنبال دارد؟

آیا خلا تجربه نگاری معلمان و مدیران آموزش و پرورش در این دوران احساس نمی شود؟

متولی مقوله ی تعلیم و تربیت در سنین کودکان زیر ۷ سال (مهد کودک ها) بر عهده کیست؟ وزارت آموزش و پرورش یا بهزیستی؟ و یا.....

چه تفاوتی می کند دانش آموزان ۱۲ سال درس بخوانند یا ۱۰ سال؟ مهمترین دلایل تغییرات ساختاری نظام آموزشی کشور ایران چیست؟



۱۳۴۶ به قبل	(۶-۶) شش سال ابتدایی - شش سال متوسطه
۱۳۴۶ به بعد	(۵-۳-۴) پنج سال ابتدایی - سه سال راهنمایی - چهار سال متوسطه
۱۳۵۰	(۵-۳-۳-۱) پنج سال ابتدایی - سه سال راهنمایی - سه سال متوسطه - یک سال پیش دانشگاهی
۱۳۵۴	تقسیم آموزش متوسطه به دو شاخه متوسطه عمومی ( با ۲ زیر شاخه ) و متوسطه فنی ( با ۳ زیر شاخه ) به مدت ۳ سال و اختصاص یک سال آخر متوسطه ، به اهداف اختصاصی آمادگی جهت پرداختن به تحصیلات دانشگاهی و یا آمادگی جهت جذب به بازار کار
۱۳۹۰	(۳-۳-۳-۳) شش سال ابتدایی (دوره ی سه ساله اول و دوم)، شش سال متوسطه (دوره ی سه ساله اول و دوم)،

## ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

❖ اعتقاد به اسلام و آرمان های انقلاب اسلامی مهم ترین عامل قوت ملت ایران است و اینک بر خورداری کشور

از مردمی مومن مقاوم، فداکار، عدالت خواه ، همراه با حضور خانواده های معظم شهدا و ایثارگران، مسئولینی دلسوز، نظام اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه و مقاومت در برابر جنگ تحمیلی و شکست توطئه های خارجی و داخلی..... از نقاط قوت فرهنگی و ثمرات تعلیم و تربیت اسلامی است. اما در کنار این نقاط قوت؛ نقاط ضعف قابل توجهی در این ساحت اعتقادی عبادی و اخلاقی وجود دارد که نیاز به ادامه ی جریان انقلاب فرهنگی است. و هنوز باور های غلطی نسبت به اعتقادات اسلام و مبانی انقلاب اسلامی چون استقلال، آزادی، عدالت و... وجود دارد که با حقیقت اسلام ناب در تعارض است.

❖ با وجود اعتقاد به ضرورت تغییر بنیادین نظام آموزشی، اما در نوع دین مداری انتخابی نظام آموزشی، رد پای

کمیت گرایی و صورت گرایی آشکار است و شدت آن به یک دلیل می تواند بیشتر نیز باشد؛ زیرا تربیت دینی که از نوع نتیجه و محصول مدار است، اصولاً با تربیت علمی - آموزشی متفاوت است و فرآیندی بسیار طولانی را می طلبد تا نتایج

آن- مشروط به این که به درستی انجام شده باشد- نمودار شود، و شاخص هایی نظیر نمره قبولی درباره آن موضوعیتی ندارد. همین امر می تواند زمینه صورت گرایی و کمیت گرایی را در آن تشدید کند و شواهد نشان می دهد که چنین کرده است.

۱. اقدام برای کنترل ظاهر دانش آموزان و معلمان و تعیین ضوابط لازم الاجرا و اجباری حتی در حیطه امور مباح؛

۲. تعریف فهرست طولانی از برنامه های پرورشی به عنوان موارد لازم الاجرا که موارد مهم آن شامل قرائت قرآن، برپایی نماز جماعت در حد امکان با حضور یک روحانی، برگزاری برنامه های دهه اول محرم، خواندن زیارت عاشورا، برگزاری مراسم مداحی و راه اندازی دسته های عزاداری و حتی خروج دسته ها از مدرسه برای عزاداری در خیابان های اطراف مدرسه، خواندن دعای توسل، اجرای برنامه های زیارتی اماکن متبرکه، برگزاری سخنرانی های مذهبی، برگزاری جشن تولد ائمه معصومین و نیز عزاداری در ایام شهادت ایشان، برپایی مسابقات در زمینه حفظ و قرائت قرآن، حفظ حدیث و احکام و برپایی جشن تکلیف است .

۳. مطالبه جدی ادارات آموزش و پرورش از مدیران و مربیان پرورشی برای اجرای برنامه ها و تحویل گزارش های مصور اجرای مراسم در مدارس به عنوان شاخصی از کیفیت عملکرد مدرسه و . دست اندرکاران آن

۴. ارائه گزارش های عددی از اجرای برنامه های پرورشی مذهبی توسط مسوولان آموزش و پرورش دال بر شواهد اسلامی کردن مدارس و نظام آموزشی می باشد. البته کتاب های درس دینی نیز در قالب یک درس در کنار سایر مواد درسی به امر آموزش مبانی و دانش تعلیمات دینی اختصاص دارد.

به طور روشن تر می توان ادعا کرد که دین مداری انتخاب شده برای اسلامی کردن مدرسه ها از رویکردی مناسکی پیروی کرده است که بر آداب و شعائر دینی تمرکز دارد و برای اجرایی کردن آن نیز روش تکلیف اجباری را برگزیده است(ایروانی؛۱۳۹۱)

## ۲-ساحت اجتماعی و سیاسی

❖ عدم رویکرد سرمایه ای به آموزش و پرورش باعث شده است که در طولانی مدت هزینه های اضافه ای به کشور

تحمیل شود: آمار اعتیاد، بزهکاری و آسیب های اجتماعی، تصادفات جاده ای که بیشتر از همه، عامل انسانی مسئول رخداد آنها شناخته شده است(مصرف زدگی، بیکاری و...

❖ جایگاه تربیت جنسی و پیشگیری از آسیب های اجتماعی مانند کودک آزاری و ..... در نظام تعلیم و تربیت





کنونی کجاست؟ آموزش و پرورش در محتوا و روش، چه ساز کاری را برای فراهم کردن آمادگی برای ازدواج و نقش های خانوادگی تدارک دیده است؟

❖ معیار برای پذیرش دانش آموز، توان پرداخت شهریه است. به عبارتی دانش آموزی که توان مالی داشته باشد

می تواند از امکانات آموزشی بهتری برخوردار گردد و دانش آموزان طبقات محروم و مستضعف از چنین امکانی برخوردار نیستند. بنابراین مدارس غیردولتی با شکلی که در حال حاضر توسعه می یابند خلاف اصل عدالت آموزشی است.



❖ تنبلی اجتماعی یکی از مهمترین ویژگی های رفتاری ناپسند ایرانیان شده است که ظهور آن را در عدم تمایل

به درس خواندن در مدارس و دانشگاه ها و عدم تمایل به کارکردن و کار آفرینی کردن و به جای آن تمایل به استخدام در دستگاه های دولتی، الگو قراردادن دلالتی به جای کار مولد، زرننگ تلقی شدن فرار و یا غیبت از کار و درس و همچنین میزان بالای تماشای تلویزیون و یا فضای مجازی به جای کتابخوانی و علاقه به تعطیلی و وجود تعطیلی های فراوان و عدم رغبت به قانون پذیری .... مشاهده کرد.

### ۳- ساحت زیستی و بدنی

تعطیلی پنج شنبه در مدارس ابتدایی و بعد از آن هم در دوره راهنمایی و دبیرستان است. قرار بود پنج شنبه ها، مدارس تعطیل نباشد و به عنوان روز بدون کتاب، دانش آموزان به روز بدون کتاب به فعالیت های هنری، اردوهای تفریحی و آموزشی و یادگیری مهارت، برنامه های فوق برنامه اختصاص بپردازند، اما عملاً چنین نشد و در مدارس بسته شد.

### ۴- ساحت زیبایی شناختی و هنری

از انتقاداتی که بر نظام آموزشی کنونی کشور وارد است این است که برنامه ی آموزشی کشور برای آن تعداد افرادی آماده شده است که صرفاً وارد دانشگاه می شوند. یعنی آماده سازی برای ورود به دانشگاه. و در این میان توجه کمی به تربیت زیبایی شناختی و هنری دانش آموزان می شود.

### ۵- ساحت اقتصادی و حرفه ای

❖ آیا جایگزینی برای طرح کاد وجود دارد؟

❖ متاسفانه ضعف هایی مانند وجود فرهنگ مصرف گرایی اسراف، تجمل گرایی، نبود روحیه تعاون و مشارکت که می بینیم در برخی مدارس خصوصی فقط به مشارکت مالی پرداخته شده و نپرداختن به خلاقیت و روحیه ی کار آفرینی و..... که همه از موانع توسعه و پیشرفت و همچنین معضل اشتغال شده است.

❖ در مشاغلی که دانش آموزان ما انتخاب می کنند نفع و رفاه شخص حرف اول و آخر را می زند یا نیاز کشور؟

❖ متاسفانه خروجی های دبیرستان های ما بیشتر دارای محفوظاتی هستند که به درد کار و زندگی آن ها نمی شود. و بسیاری از آموزش ها فقط وقتی به کارشان می آید مه در همان رشته خاص ادامه تحصیل دهند. و مهارتهایی چون مدیریت، ارتباطات، حقوق و قوانین، حسابداری و امور مالی و اقتصاد خرد و کلان، همسر داری، خانه داری، تربیت فرزند،..... دیده نمی شود.



۹۰

❖ علاوه بر نبود ارتباط مناسب نظام آموزشی با دنیای کار دانش آموزان ما به گونه ای بار می آیند که به جای این که با کار و تلاش خویش به ایجاد امکانات و کار آفرینی بپردازند دستشان برای دریافت امکانات دراز است و بیکاری خویش را فقط تقصیر دیگران و از جمله دولت که به آن ها امکانات نداده می دانند.

## ۶- ساحت علمی و فناوری

❖ تقلیدگرایی از غرب در فرآیند دینی کردن از طریق فعالیت های پرورشی موضوعیت ندارد. اما همچنان در نظام آموزشی حضور دارد. این مؤلفه را باید در حوزه آموزش و فعالیت های علمی- آموزشی جستجو کرد؛ زیرا نه حوزه و نه دانشگاه محتوای بومی در حوزه دانش برنامه ریزی آموزشی و درسی تولید نکرده اند. لذا، هنوز دانش تولید شده در بستر جامعه علمی- آموزشی دنیای غرب مورد استفاده نظام آموزشی قرار می گیرد که در بهترین حالت دانش غربی را نه کورکورانه بلکه با هدف بومی سازی آن برای رفع دشواری های آموزشی- پرورشی مورد بررسی و استفاده قرار می دهند. حتی آنچه در خارج از چهارچوب نظام رسمی در قالب فعالیت های تجربی آموزشی- پرورشی انجام می شود نیز از همین نوع است (ایروانی، ۱۳۹۱).

❖ انتخاب گری نقش مهمی در تربیت دانش آموزان دارد. و لازمه آزادی انتخاب در هر بخش مانند ورود به مدرسه و محتوا و مدت تحصیل و انتخاب رشته و..... آگاهی است. چه آگاهی هایی باید در اختیار او قرار داد. چه برنامه و روشی برای این آگاهی باید تدارک دید؟

❖ یکی از انتقادات جدی که از دیرباز به ساختار نظام آموزش و پرورش وارد بوده و هست، اولویت و توجه بیش از حد به مهارت های شناختی دانش آموزان بوده که سبب می شد مهارت های خلاقیتی مانند روش حل مسأله و همچنین مهارت های زندگی مانند توانایی ارتباط برقرار کردن در کارهای جمعی به جز در مواردی خاص، نادیده گرفته شده و یا بسیار کم رنگ باشد. هر چند آموزش و پرورش در سال های اخیر و پس از ابلاغ سند تحول بنیادین، سعی

کرده این خلاء را با ورود سرفصل های جدید مهارتی به برنامه درسی دانش آموزان تا اندازه ای پر کند؛ اما بدیهی است نظام کنکور همچنان بر همان مهارت های شناختی متمرکز بوده و اساساً ساختار آن فاقد توانایی و انعطاف های لازم برای سنجش سایر مهارت های مورد اشاره است و بنابراین سرمایه گذاری های فکری و اقتصادی دانش آموزان، خانواده ها و مدارس برای موفقیت در کنکور صرفاً با هدف کسب مهارت های شناختی شکل گرفته است. مهارت های شناختی نیز در نظام عرضه و تقاضای بازار کنکور تبدیل به مهارت ها و شناخت ترندهای تست زنی شده و به این ترتیب، کنکور نه تنها سبب مغفول ماندن هدف های آموزش و پرورش شده بلکه به شکل قابل توجهی به همه عناصر برنامه درسی از محتوای آموزشی و روش های یاددهی - یادگیری گرفته تا شیوه های ارزشیابی از آموخته های دانش آموزان آسیب های جدی وارد کرده است و متأسفانه باید گفت این آسیب ها فقط به آسیب های آموزشی محدود نشده و گستره ی وسیعی از آسیب های روحی-روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را در بر گرفته است. آسیب هایی که نه تنها دانش آموزان بلکه خانواده آنان و به نوعی کل جامعه را گرفتار خود کرده است به طوری که راهی به جز حذف آن باقی نگذاشته است. اما بی گمان جراحی و حذف کامل این غده سرطانی از پیکره ی بیمار نظام آموزشی، زمانی یک راهبرد واقع گرایانه هست که الزامات آن در گذار از شیوه فعلی به شیوه های جایگزین، به شکلی دقیق و درست بررسی شوند. حال سوال این است که جایگزین آن چیست و حذف کنکور چه ارتباطی با سیاست های خصوصی سازی آموزش عالی دارد؟ (جمالی، ۱۳۹۶).



❖ در نظام آموزشی متأسفانه گاه گاهی فقط توجه به بعد درسی بچه ها شده است، درحالی که دانش آموزان ، ابعاد وجودی و توانمندی های دیگری هم دارند. ولی مدارس گرفتار این شده اند که تا دانش آموزی در گرفتن نمره کم کاری کند، توجهی به مهارت ها و توانمندی های دیگرش نمیشود و به خاطر ضعیف بودن درس، خلاقیت و استعداد های دیگر دانش آموز را سرکوب می کنند. به عبارتی از همه یک انتظار را دارند و همه ی آن ها را می خواهند یک رنگ بزنند .

❖ از دیگر انتقاداتی که می شود به نظام آموزشی کنونی وارد کرد این است که هجوم هیجانی به سمت برخی از رشته ها وجود دارد. به طوری که در یک برهه زمان می بینیم اکثر دانش آموزان و مخصوصاً دانش آموزان برجسته سراغ رشته های پزشکی و... می روند. و دیگر رشته هایی چون علوم انسانی که نقش اساسی دارند نادیده گرفته می شود.

## حرف آخر:

دارالفنون و مدارس رشدیه هر یک منشا شکل‌گیری نهادی شدند که به تدریج گسترش یافت و امروز مسئول و تعیین‌کننده چگونگی آموزش و پرورش کشورند. یکی نهاد وزارت آموزش و پرورش و دیگری شورای عالی آموزش و پرورش که ستون فقرات نظام آموزشی ایران هستند. وزارت آموزش و پرورش ابتدا نامش وزارت علوم بود اما این وزارت در واقع اتاق مدیر مدرسه دارالفنون بود. وزارت علوم تا کنون چند نام عوض کرده است و خود به چند وزارت خانه و سازمان تقسیم شده است. نام‌های آن‌ها به ترتیب وزارت علوم، وزارت معارف، وزارت معارف و اوقاف، وزارت معارف اوقاف و صنایع مستظرفه و وزارت فرهنگ. که از دل وزارت علوم تا کنون وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم اطلاعات و فناوری، وزارت بهداشت آموزش پزشکی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان اوقاف و امور خیریه بیرون آمده‌اند. این یعنی یک مدرسه می‌تواند بنیانی برای رشد و چندین نهاد کلان در یک کشور باشد. وزارت خانه ۱۷۰ ساله آموزش و پرورش تا کنون ۹۳ وزیر را به خود دیده است که متوسط عمر وزارت هر یک حدود یک سال و ۱۰ ماه است. یعنی عمر مدیریت در این وزارت خانه همواره کوتاه بوده است.

اما شورای عالی آموزش و پرورش دز واقع انجمنی بود که با تاسیس مدارس رشدیه در تهران در سال ۱۲۷۵ شمسی در محل مدرسه تشکیل شد. نام این انجمن، انجمن تاسیس معارف ملیه ایران بود و هدف از تاسیس آن حمایت و همراهی در اداره‌ی مدرسه رشدیه و تلاش برای تاسیس مدارس دیگر و نیز نهاد‌های مکمل مانند کتابخانه، دارالترجمه، دارالتالیف و... بود. صدر اعظم امین‌السلطان نام آن را به شورای معارف تغییر داد که بعدها صفت عالی نیز به آن افزود. فعالیت‌های این شورا در گذر زمان به ترتیب تاسیس مدارس جدید، گسترش آموزش و پرورش همگانی در زمان رضا شاه، دایر کردن شعبه از شورا در هر استان به منظور تاسیس مدارس بیشتر که در همین دوره نام شورا به تبع تغییر نام وزارت خانه به شورای عالی فرهنگ تغییر کرد. در نهایت این شورا با تعیین و گسترش تشکیلات قانونی برای وزارت معارف به سمت قانون‌گذاری برای دستگاه فرهنگ رانده شد و در سال ۱۳۴۲ به تبع تقسیم وزارت فرهنگ و ایجاد وزارت آموزش و پرورش نام شورا به شورای عالی آموزش و پرورش تغییر کرد.

لذا مدرسه رشدیه موجب شکب‌گیری انجمنی شد که به نوبه خود مبنای تاسیس کتابخانه ملی، دفتر تالیف کتاب‌های درسی، دفتر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، نهضت سوادآموزی و اداره ساخت و نوسازی مدارس کشور محسوب می‌شود. هر چند مدرسه نهاد کوچکی به نظر می‌رسد، اما ظرفیت گسترده‌ای در ساختن و نقش محوری و تعیین‌کننده در ایجاد زیرساخت‌های تغییر را دارد.



اراده تغییر هم کار ساز است. هر چند انسان خود از گستردگی تاثیر اصلاح و تغییری که ایجاد می کند مطلع نباشد. انسان های تاثیر گذار حوزه محدودی از فعالیت را آغاز می کنند اما عمق و کیفیت تلاش هایشان است که افق های بسیاری را بیش از آنچه فکر می کردند می گشاید.

فرایند نهاد سازی و ایجاد تغییر جریانی تدریجی است. تبدیل یک اتاق به چند وزارت خانه در طول دهه های متمادی تحقق می یابد. و به تدریج ریشه گرفته و نهادینه می شود. به همین دلیل نیز امروزه با تصمیمات یکباره نمی توان تغییر بنیادی در آن ایجاد کرد. (ایروانی، ۱۳۹۵).



دنیای گرای کار بشر امروز کار جهان را به سمتی سوق داده است که اقتصاد بر سایر وجوه حیات انسانی غلبه پیدا کرده است. یکی از بارز ترین جلوه های آن همین نظامات اجتماعی و نهاد های حکومتی است که شکل گرفته اند. برای بشر امروز توسعه اقتصادی جایگزین تکامل روحی شده است. اصلاً این سوال هم در ذهن او خطور پیدا نمی کند که از کجا معلوم تکامل انسان در توسعه اقتصادی باشد؟ علت این امر این است که در ذهن بشر توسعه و تکامل مفهومی مشترک یافته اند. در معتقدات اسلامی برای روح مجرد و فطرت اصالت قائل شده اند. لذا توسعه و تکامل به یک معنا نیست برای ما تکامل در بازگشت و رجعت به فطرت الهی یا بازگشت به بهشتی است که از آن هبوط کرده ایم تکامل یعنی رسیدن به مقام عبودیت الهی. و این هم معلوم نیست که توسعه اقتصادی آن هم با روشی که مرسوم است در جهت تکامل و بازگشت بشر به فطرت الهی باشد. در نظام سرمایه داری حکومت باید در دست کسانی باشد که سرمایه های کشور در دست آن هاست. در پهنه ی کره زمین به استثنای ایران اسلامی همه جا سرمایه داری یا بهتر بگوییم حاکمیت سرمایه است که حیات اجتماعی بشر را شکل داده است. برای تحقیق در صحت این مدعا کافی است همه ی نظامات اجتماعی را مرور کنید. سیستم های حکومتی، نهاد های وابسته به دولت، تاسیسات خصوصی، بازار ها، کارخانه ها، بانک ها و حتی نظام آموزشی و درمانی.

در معتقدات اسلامی ما تعلیم و تربیت و معادل فارسی آن آموزش و پرورش دارای مبنایی قرآنی و روایی است و غایتی تکاملی و کاملاً اخلاقی دارد. و مقصود آن تخلق به اخلاق الله و اتصاف به صفات خداست. آیا غایت نظام آموزشی غربی نیز همین است؟ اگر این چنین است به کاربردن الفاظ تعلیم و تربیت برای آن اشکالی ندارد. مسلماً هدف اصلی نظام آموزشی امروز این نیست.

در همه جای دنیا نظام تعلیم و تربیت تقلیدی از مغرب زمین است و هیچ کس حتی کوچکترین تردیدی به خود راه نمی دهد یا اصلاً فرصت چنین سوالی پیش نمی آید که مبدا این سیستم آموزشی بر مبنای تکامل انسان شکل گرفته باشد زیرا هیچ کس در لزوم توسعه با شیوه های معمول تردید ندارد. و نظام آموزشی غربی بر همین مبنا بنا شده

است: توسعه اقتصادی با شیوه های نوینی که بعد از انقلاب صنعتی معمول گشته است. درک این مطب که این نظام آموزشی در جهت توسعه اقتصادی پایه گذاری شده هر چند بسیار ساده است اما معمولاً به ذهن کسی خطور نمی کند و آموزش و پرورش مدرسه ای و دانشگاهی را به معنای مطلق تعلیم و تربیت فرض می کنند. برای تحقیق بیشتر در این مطلب بیایید غایت و هدف دیگری را برای آموزش و پرورش فرض کنیم آنگاه ببینیم نظام آموزشی با آنچه که معمول است تفاوتی پیدا خواهد کرد یا نه؟ اگر بخواهیم نظام آموزشی را بر مبنای اعتقاد به معاد بنا کنیم چه اتفاقی می افتد؟ آیا باز هم مواد اصلی دروس ما همین هاست که اکنون در مدارس و دانشگاه ها تدریس می شود یا نه نظامی شبیه به حوزه های علمیه دست خواهیم داشت؟ با تغییر در غایت و هدف آموزش و پرورش دو تحول اساسی در نظام تعلیم و تربیت رخ می دهد که یکی در مواد درسی است و یکی در روش تعلیم.



مسئله مدرک گرایی لازمه این نظام آموزشی است که در غرب پایه گذاری شده است. کسب امتیازات و مناصب اجتماعی مشروط به داشتن مدارک دانشگاهی است. در چنین موقعیتی چگونه می توان از مدرک گرایی پرهیز کرد؟ آن چه که نظام آموزشی را مقبولیت داده همین است.

آرمان رشد و توسعه که کشور های صنعتی قافله سالار آن اند و کشور های عقب مانده دیوانه وار می کوشند تا به هر وسیله شده از سعادت نیل به آن محروم نشوند وقتی مورد نظر و خواست تمامی کشور ها شد یعنی آرمان که پذیرفته شد دیگر به عهده علم است که راه منحصر به فرد این توسعه را با تکیه بر اصول متعارف و بدیهیاتی که هیچ کس در باره آن شک نمی کند تعیین و تحمیل کند. تحقق آرمانی آن بهشت موعود در همین کره زمین و از همین طریق توسعه اقتصادی میسر است. سیستم آموزشی برای تامین نیاز های تخصصی توسعه اقتصادی طراحی شده است. اگر این نظام وجود نمی داشت هرگز راه تمدن غربی به سوی توسعه اقتصادی باز نمی شد. برای ارزیابی این نظام آموزشی به ارزیابی آرمان توسعه یافتگی پرداخت.

اگر تکامل حقیقی بشر بهشت توسعه یافتگی است دیگر نمی توان علوم رسمی را از این نظر که مسیر توسعه یافتگی را هموار می کند به باد انتقاد گرفت. غایت این دوران طولانی آموزش چیست؟ آیا انسان بعد از اخذ این مدرک مهندسی و دکتری صاحب اخلاق حسنه می شود و به بهشت می رود؟ خیر همه ی ما می دانیم در بهشت دری به نام ریاضیات وجود ندارد. لذا این نظام آموزشی بر محور تعلیم و تربیت نیست بلکه هدف آن آموزش مهارت های فنی لازم و تامین کادر های تخصصی برای دستیابی به توسعه یافتگی است. و این است رابطه ی نظام آموزشی ما و آرمان توسعه یافتگی. نتیجه این که این نظام آموزشی معلول گرایش عام به سمت توسعه ی اقتصادی با روش معمول است و در آن علوم را تعلیم می دهند که راه این توسعه را با تصرف در عالم و طبیعت هموار می کنند. برای حفظ این روند توسعه باید

نیاز های ان را برآورده سازیم و نیاز به متخصص مهمترین علتی است که نظام آموزشی کنونی را به وجود آورده است. همیشه هم در برنامه ریزی ها سخن از کمبود متخصص است انگار مهندس ماشینی است که می توان او را در خدمت هر نوع اعتقادی گذاشت متخصص است اما متعهد نیست که در خدمت جمهوری اسلامی باشد یا رژیم شاهنشاهی نظام آموزشی غرب از مدرسه گرفته تادانشگاه سعی دارد این چنین ادم هایی را بار بیاورد و الحق موفق هم بوده است کشوری هم که بخواهد در سلسله مراتب رشد یافتگی ترقی کند باید به تولید هرچه بیشتر فارق التحصیلان پردازد.

جدایی حوزه ودانشگاه از هم به جدایی علم و دین در تفکر کنونی بشر است. غایت حوزه تفقه در دین و رسیدن به کمال الهی و انسانی است و غایت نظام آموزشی کنونی تربیت متخصص است برای توسعه(برگرفته از مقاله شهید آوینی)



امروز که زندگی انسان ها بیشتر با صنعت و تکنولوژی سامان می یابد اقتصاد آموزش و پرورش ضرورت یافته وبه گونه ای جنبه افراطی پیدا کرده است وتحصیل علم بیشتر برای تحصیل ثروت آسایش و رفاه مادی تبلیغ می شود با این نگاه به آموزش و پرورش به عنوان یک کالای عمومی در تولید و درآمد توجه شده است ودولت ها برای حفظ قدرت و تمامیت ارضی کشور خود به یک نظام تعلیم وتربیت درآمد زا چشم دوخته اند ودر تحقق این هدف خصوصی سازی آموزش و پرورش را راهی برای منافع عمومی ودر آمد بیشتر در نظر می گیرند. آنچه که مسلم است این نوع خصوصی سازی به شیوه ی کشورهای غربی در ایران کارآمد نیست. (رستمی نسب، مبانی تاریخی خصوصی سازی مدارس)

## منابع:

- درانی، کمال. (۱۳۹۱). تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام. تهران. چاپ یازدهم. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- صلاحی، پرویز. (۱۳۸۲). مدارس خارجی در ایران. چاپ اول. تهران. انتشارات آوای نور.
- علم الهدی، جمیله. (۱۳۸۰). نقش جریان روشنفکری در سکولاریسم تربیتی. چاپ اول. تهران. موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- سرکارانی، محمدرضا. (۱۳۸۲). اصلاحات آموزشی و مدرن سازی با تاکید بر مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش ایران و ژاپن. چاپ اول. تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آقازاده، احمد؛ آرمنند، محمد. (۱۳۹۲). تاریخ آموزش و پرورش ایران با تاکید بر تحولات تربیتی دوره ی معاصر. چاپ اول. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- الماسی، علی محمد. (۱۳۹۲). تاریخ مختصر تحول تعلیم و تربیت در ایران. تهران. رشد.
- صافی، احمد. (۱۳۹۳). سازمان وقوانین آموزش و پرورش ایران. چاپ بیستم. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- گوهریان، کوروش. مدیریت آموزش در مدارس اسلامی با تکیه بر نمونه ی مدارس نظامیه. دانشگاه اسلامی، سال دهم شماره ۲۹ و ۳۰، بهار و تابستان ۱۳۸۵: از ۴۱ تا ۸۵.
- آوینی. نظام آموزشی و آرمان توسعه یافتگی
- ایروانی، شهین. سرگذشت مدرسه. رشد معلم، دوره ۳۵، شماره ۱، مهر ۱۳۹۵
- ایروانی، شهین. همه برای مدرسه. رشد معلم، دوره ۳۵، شماره ۲، آبان ۱۳۹۵
- ایروانی، شهین. وحدتی دانشمند، علی. مناسبات پیشرفت و تربیت در تاریخ آموزش و پرورش ایران از دوره ی باستان تا پایان دوره ی پهلوی. چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴.
- ایروانی، شهین. (۱۳۹۳). مقدمه‌های بر تبیین ماهیت نظام آموزش و پرورش ایران از آغاز دوره مدرن سازی تا امروز. پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، شماره ۴(۱): از ۸۳ تا ۱۱۰
- رستمی نسب، عباسعلی. مبانی تاریخی خصوصی سازی مدارس و مراکز آموزش عالی در ایران قبل و بعد از اسلام.
- ابوالقاسمی. یتیم خانه های مدرن ایران، تاملی در تاریخچه ی مهد کودک. ماهنامه سوره. بهمن و اسفند ۱۳۹۰ شماره ۵۶-۵۷: از ۸۷ تا ۸۹.





- محمودیان، فاطمه، رشديه، رشد آموزش راهنمایی شماره ۶ اسفند ۸۹: ۲۲ تا ۲۳.

- محمودیان، فاطمه، نظامیه، رشد آموزش راهنمایی شماره ۳ آذر ۸۹: ۲۲ تا ۲۳.

- موسی پور، نعمت الله (۱۳۸۷). برنامه ریزی درسی در ایران معاصر. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹۶: ۸۳ تا ۱۲۴

- متولی حقیقی، یوسف. دارالفنون دریچه ای نو به جهان معرفت. پژوهش نامه تاریخ، سال دوم، شماره ششم: ۱۱۵ تا ۱۳۱

- معتمدی، اسفندیار. کتابهای درسی در ایران از تاسیس دارالفنون تا انقلاب اسلامی. تاریخ معاصر ایران شماره ۲۷، پاییز

۸۲.

- اندیشه شمسی، اندیشه. تخته سیاه تفنگم، گچ سفید فشنگم، زیر تیترا: از پدر آموزش عشایری ایران چه میتوان آموخت؟

، روزنامه دنیای اقتصاد - چهارشنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۱.

- نویسنده: شیرزاد عبداللهی، شیرزاد. در حاشیه سخنان مدیرکل آموزش عشایری وزارت آموزش و پرورش دانش آموزان

کپر ها و چادرها، روزنامه اعتماد، شماره ۱۶۰۳ - ۱۰/۱۱/۸۶

- عربی، ادیب. پروندهای برای نکوداشت «معلم بزرگ ایل»، روزنامه دنیای اقتصاد ، ۱۰ آبان ۱۳۹۱.

- نجم آبادی، محمود. دانشگاه جندی شاپور. مهر، سال دوازدهم، شماره ۶.

- جمالی، شهرام. آموزگار روزنامه جام جم، ۲۵ تیرماه ۹۶.

- معاونت پژوهشهای اجتماعی فرهنگی، دفتر مطالعات اجتماعی، (۱۳۹۵)، گونه شناسی مدارس در نظام آموزش و

پرورش ایران، مرکز پژوهشها مجلس شورای اسلامی.

(با تأکید بر تحلیل اجتماعی پیامدهای آن)

- سایت دانشگاه فرهنگیان، صفحه درباره دانشگاه ، <http://te.cfu.ac.ir/fa/124>

- سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی. <http://rc.majlis.ir/fa>

- سایت مدرسه علوی <http://alavi.ir/mb/%D9%85%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D9%87-2>

